

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

مدیر مسؤول: ناصر نبی زاده

مدیر داخلی: حامد رضایی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
 ۲. دکتر حبیب اله احمدی
 ۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
 ۴. دکتر محمد بهنام فر
 ۵. دکتر محمدعلی بیدختی
 ۶. دکتر هادی پورشافعی
 ۷. دکتر محمدتقی راشد محصل
 ۸. دکتر مفید شاطری
 ۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
 ۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
 ۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
 ۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار ادبی: دکتر عباس واعظ‌زاده

مترجم و ویراستار انگلیسی: الهه توشه

ویراستار فنی: سید نورالله نصراللهی

امور فنی: انتشارات فکریکر

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال شمارگان: ۱۰۰۰

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی،

دبیرخانه شورای پژوهشی

تلفن: ۴-۳۲۳۲۳۳۹۳-۵۶

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

وبگاه: http://Farhangekhorasan.ir

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|--|-------------------------------|
| استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد | - دکتر بی بی اقدس اصغری |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر سمیرا پور |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر محمدرضا خلیل نژاد |
| استادیار دانشگاه پیام نور | - دکتر محمدحسن شربتیان |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر علی عسگری |
| دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد | - دکتر طاهره عظیم زاده طهرانی |
| دانشیار دانشگاه بیرجند | - دکتر زهرا علیزاده بیرجندی |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر سامان فرزین |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر حمیدرضا قربانی |
| دانشیار دانشگاه بیرجند | - دکتر جواد میکانیکی |
| مدرس دانشگاه بیرجند | - دکتر اکرم ناصری |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر حامد نوروزی |



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده است.

پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم

کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات نشریات

کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی

www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.
۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.
۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.
۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.
۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح dpi 300)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.
۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).
۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

- مطالعه مقایسه‌ای تأثیر انزوای اجتماعی بر سلامت شهروندان مشهد
پژمان ابراهیمی سیریزی، سیدعلیرضا افشانی، غلامرضا حسنی درمیان، مهدی کرمانی ۷
- معرفی دو اقربادین باقیمانده از قرن دوازدهم هجری (قربادین کبیر و قربادین صالحی)
ندا پورمحمود، مصطفی گوهری فخرآباد ۴۵
- پژوهشی در نقوش پرده‌نماهای شهرستان سربیشه (روستای مختاران، چنشت و دهشیب)
سیده مهدیه شواکندی، حسین کوهستانی ۶۳
- تدوین مدل مفهومی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از نظریه داده بنیان،
(مورد مطالعه: دهستان عشق‌آباد شهرستان نیشابور)
اسداله عربخانی، سیدمحمد سیدمیرزایی، علیرضا کلدی ۸۹
- مطالعه تأثیر هوش معنوی بر اثربخشی گروهی (مورد مطالعه: سرپرستان هیأت‌های زیارتی شهر مشهد)
امیر غفوریان شاگردی، سید مرتضی غیور باغبانی، علی پورنگ، رمضان غلامی ۱۱۷
- بررسی جایگاه سیاسی شیخ محمدباقر آیتی بیرجندی در منطقه قاینات
محمد ولی‌پور، حمیدرضا وردی ۱۵۳



مطالعه مقایسه‌ای تأثیر انزوای اجتماعی بر سلامت شهروندان مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۶

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۵

شماره صفحه: ۴۴-۷

پژمان ابراهیمی سیریزی^۱

سیدعلیرضا افشانی^۲

غلامرضا حسنی درمیان^۳

مهدی کرمانی^۴

چکیده

برای ایجاد و گسترش سلامت در فضای جامعه، کاهش احساس انزوای اجتماعی ضروری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر انزوای اجتماعی بر سلامت شهروندان شهر مشهد انجام شده است. چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از مجموعه نظریات دورکیم، تحلیل شبکه و رویکرد تنهایی است. روش این تحقیق مبتنی بر پیمایش از نوع توصیفی و همبستگی بوده و جمع آوری داده‌ها به کمک پرسشنامه استاندارد سلامت SF_36 و پرسشنامه محقق ساخته انزوای اجتماعی صورت گرفته و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شده است. پرسشنامه در سطح شهر مشهد توزیع و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای اجرا شده و یافته‌های تحقیق با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مبتنی بر نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج توصیفی حاکی از آن است وضعیت سلامت شهروندان به طور کلی در سطح بالاتر از حد متوسط (۷۷/۱۷ از نمره ۱۰۰) و انزوای اجتماعی شهروندان نیز در حد متوسطی (۵۲/۰۳ از نمره ۱۰۰) قرار دارد. نتایج استنباطی نیز بیانگر این موضوع است که رابطه منفی و معناداری (۰/۰۶۱۹-) بین انزوای اجتماعی و ابعاد آن با سلامت وجود دارد. میزان همبستگی (۰/۰۶۱۹-) بین این دو متغیر در سطح متوسط است.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

pezhman.ebrahimi@yahoo.com

afshanalireza@yazduni.ac.ir

gh-hassani@um.ac.ir

m_kermani@ferdowsi.um.ac.ir

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

۳. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۴. استادیار علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

همچنین بین سطح سلامت بر حسب جنسیت و وضعیت اشتغال شهروندان، تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد متغیرهای مستقل مجموعاً ۳۶٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل مسیر نیز حاکی از آن است که متغیر تنهایی اجتماعی بیشترین اثر مستقیم (۰/۳۵۲-) و متغیر احساس عجز بیشترین تأثیر غیرمستقیم (۰/۱۹۱-) را در تبیین متغیر سلامت دارند.

واژگان کلیدی: سلامت، انزوای اجتماعی، تنهایی اجتماعی، احساس عجز، شهروندان مشهد

بیان مسأله

قرن بیستم بیش از تمام تاریخ بشریت، دستخوش دگرگونی شیوه‌های زندگی و روابط اجتماعی و مسائل اقتصادی بوده است. تلاش برای صنعتی شدن، گسترش شهرنشینی و زندگی مکانیزه‌ای که لازمه آن قبول شیوه‌های نوین زندگی است، اثر معکوسی بر سلامت انسان گذاشته است. سلامت پدیده‌ای است که درجه بالایی از بهزیستی جسمی، روانی و اجتماعی را با خود به همراه می‌آورد. اندیشمندان و نظریه‌پردازان اجتماعی به مقوله سلامت به عنوان یک موضوع مهم توجه نموده‌اند و انسان پیوسته در پی ارائه تصویری روشن و مناسب از تندرستی بوده است. یونانی‌ها معتقد بودند سلامتی نیرویی است که باعث ایجاد مقاومت در مقابل بیماری‌ها می‌شود؛ به عبارت دیگر از یک ارتباط مؤثر بین فرد، جامعه و محیط اطراف وی سخن می‌گفتند (افشانی و شیری محمدآباد، ۱۳۹۴: ۲). سلامت موضوعی مطرح در همه فرهنگ‌هاست و تعریف آن در هر جامعه‌ای تا اندازه‌ای به حس مشترک مردمان از سلامت و فرهنگ آنها بازمی‌گردد، ولی معمولاً هرگاه از آن سخنی به میان آمده، بیشتر بعد جسمانی آن مورد توجه بوده، در حالی که رشد و تعالی جامعه در گرو تندرستی آن جامعه از ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی است (سفیری و منصوریان راوندی، ۱۳۹۲: ۵۲). با توجه به تعاریف مختلفی که از سلامت شده است، مقبول‌ترین آن‌ها تعریف سازمان بهداشت جهانی است. سازمان بهداشت جهانی، سلامت را بهزیستی کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی می‌داند، نه صرفاً فقدان بیماری و ناراحتی (WHO, 2007: 7).

از بُعد تاریخی، حق سالم بودن یکی از قدیمی‌ترین حقوق شهروندان هر جامعه‌ای است که در قوانین اساسی اکثر کشورهای جهان به آن اهمیت داده شده است. در سطوح بین‌المللی در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر قاطعانه بیان شده که هرکسی حق دارد از استانداردهای کافی زندگی از نظر سلامت و رفاه برای خود و خانواده‌اش برخوردار باشد. در مقدمه اساسنامه سازمان جهانی بهداشت نیز تأکید شده است که سلامت از حقوق اساسی هر یک از افراد بشر است تا از بیشترین استاندارد قابل دسترس سلامت برخوردار باشند (افشانی و شیرینی محمدآباد، ۱۳۹۴: ۲).

از طرف دیگر در جوامع کنونی، خطر بزرگی نوع انسان را تهدید می‌کند و روز به روز دامنه آن در حال گسترش است این بحث که زیر عنوان از خودبیگانگی قرار می‌گیرد تحت عنوان انزوای اجتماعی است که در اکثر ملل و فرهنگ‌ها به عنوان یک معضل شناخته شده است. احساس انزوای اجتماعی یک نوع واقعیت فکری است و به معنای عدم وابستگی فرد با ارزش‌های شناخته شده در جامعه تعریف می‌شود. در چنین حالتی فرد نسبت به زمینه‌های اجتماعی خویش بیگانه است و از ارزش‌ها و اهداف مرسوم جامعه جدا می‌باشد. همچنین خود را با آنچه که از نظر جامعه مقبول و با اهمیت است، همسو نمی‌داند (رکنی‌پور و سیادت، ۱۳۹۲: ۷۱). انزوای اجتماعی افراد درگیر را با احساس خلاء، غمگینی و بی‌تعلقی مواجه می‌کند و به شیوه‌های مختلف بر تعاملات اجتماعی با دیگران، نحوه زندگی و سلامت جسمانی و روانی تأثیر می‌گذارد. البته احساس تنهایی می‌تواند با تسریع پسرفت وضعیت سلامتی افراد از طریق تأثیر بر روی سیستم ایمنی بر سلامت جسمانی و روانی افراد تأثیر منفی بگذارد.

از نظر دورکیم^۱ بهنجاری اجتماعی به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه یا همان جامعه پذیری وی اشاره دارد. از نظر وی هر نوع قطع ارتباطی بین فرد و جامعه به گونه‌ای که افراد در چارچوب‌های اجتماعی جذب نگردند، زمینه‌ای آنومیک و مساعد برای رشد انحرافات اجتماعی تلقی می‌گردد. در چنین حالتی، نوعی فردگرایی افراطی، خواسته‌های فرد را در مقابل حیات اجتماعی قرار می‌دهد. از نظر وی هر نوع فاصله بین

فرد و جامعه که به عدم ادغام افراد در چارچوب‌های اجتماعی می‌انجامد، به انحرافات اجتماعی میدان می‌دهد (سام‌آرام، ۱۳۸۸: ۱۶) و در نهایت سلامت را تهدید می‌کند. یافته‌های پژوهشی مؤید آن است که احساس انزوای اجتماعی یک عامل سبب‌شناختی در سلامت و بهزیستی جمعیت‌های گوناگون می‌باشد و پیامدهای آنی و دراز مدت جدی در بهداشت روانی دارد (نجفی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

در مجموع انزوای اجتماعی با مشکلات روانی - اجتماعی (نظیر عزت نفس پایین، شایستگی پایین، تعاملات اجتماعی ضعیف، سلامت روانی (نظیر اضطراب، افسردگی، رفتارهای خودکشی)، سلامت جسمانی (نظیر عملکرد ایمنی و مشکلات خواب) مرتبط است.

شهر مشهد به‌عنوان شهری مذهبی بالاترین درصد زائران و گردشگران را داراست. طبق اظهارات معاون هماهنگی امور زائران استانداری خراسان رضوی، شهر مشهد سالانه حدود ۲۵ میلیون زائر ایرانی و ۲ میلیون زائر خارجی را در خود جای می‌دهد؛ همچنین به دلیل نزدیکی به کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان بزرگترین مرکز جذب توریسم مذهبی در نیمه شرقی کشور محسوب می‌شود. کلانشهر مشهد علاوه بر در اختیار داشتن موقعیت ویژه ژئوپولیتیکی و کارکرد زیارتی، در سال‌های اخیر با مسائل و چالش‌های عمده‌ای مواجه شده است. افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان و سایر شهرستان‌ها به شهر مشهد باعث گسترش بی‌سابقه کالبد شهری شده و جوانی جمعیت افزایش سطح تقاضای مسکن و زمین شهری را در پی داشته است. توان مالی اندک برخی اقشار، مخصوصاً جوانان و ناتوانی آنان در تأمین مسکن و فقدان پاسخ مناسب به نیازهای سکونتی نیز باعث شکل‌گیری و تقویت سکونت‌گاه‌های غیررسمی و به دنبال آن حاشیه‌نشینی شده است.

از سوی دیگر، رواج تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی در شهر مانند افزایش هتل‌ها و خودروهای گران‌قیمت - که نمادهایی از زندگی مدرن محسوب می‌شوند - رفاه زندگی اقلیت ناچیزی از ساکنان شهر مشهد را بهبود بخشیده است. مقایسه این سبک زندگی برای اکثریت ساکنان شهر مشهد که برای بهبود وضعیت مالی و معیشتی خود در تلاشند، باعث انزوا و ازخودبیگانگی آنها می‌شود و با احساس تنهایی ناشی از کمبود

امکانات، پیوندی بین خود و جامعه احساس نمی کنند (ناطق و افشانی، ۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۱۱). از این رو، دلسردی و بی‌اعتنایی افراد و گروه‌های مختلف جامعه تحت تأثیر بیگانگی، باعث شکنندگی در ساختار اجتماعی شده و اعضای این شبکه نسبت به فرآیندهای اجتماعی بدبین و دچار بیماری، ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هر گونه ارتباط اجتماعی می‌شوند (فولادیان، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

با توجه به این دغدغه مفهوم انزوای اجتماعی به نوعی می‌تواند سلامت شهروندان شهر مشهد را تحت تأثیر قرار دهد. لذا از این‌رو مطالعه رابطه تأثیر انزوای اجتماعی و سلامت شهروندان به صورت یک امر ضروری و نو در این تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد، بنابراین با توجه به اهداف پژوهش، نوشتار حاضر در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است:

- وضعیت انزوای اجتماعی و سلامت شهروندان مشهدی به چه میزان است؟
- سهم اثرگذار انزوای اجتماعی و مؤلفه‌های آن بر سطوح سلامت شهروندان تا چه حد بوده است؟
- مهمترین پیشنهادها و اقدام پژوهی‌های مطرح شده با توجه به سهم تأثیرگذاری بین متغیرهای مورد مطالعه چه خواهد بود؟

پیشینه تجربی تحقیق

جدول (۱) پیشینه داخلی و خارجی

عنوان تحقیق جامعه مورد مطالعه	نام محقق و انتشار سال تحقیق	روش اصلی تحقیق	خلاصه یافته‌ها
رابطه انزوای اجتماعی و سلامت در میان سالمندان تهرانی	سیف‌زاده، حقیقتیان و مهاجرانی (۱۳۹۶)	پیمایش	بین سلامت و انزوای اجتماعی در سالمندان رابطه معکوسی وجود دارد و برخورداری از سلامت روانی و اجتماعی می‌تواند بر کاهش انزوای اجتماعی این قشر آسیب‌پذیر اثر مثبتی داشته باشد.
تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت سالمندان ۶۰ سال و بالاتر در مناطق شهری مشهد	کوششی و دیگران (۱۳۹۵)	پیمایش	سلامت سالمندان در شهر مشهد در حد متوسط است؛ اما سلامت مردان بیشتر از زنان است. تحصیلات بالاتر، دارای همسر بودن، وضعیت اقتصادی مطلوب‌تر، بر سلامت تأثیر مثبتی دارد، افزایش میزان انزوای اجتماعی و سن، رابطه منفی با میزان سلامت سالمندان داشته است.
بیگانگی اجتماعی و گرایش به رفتارهای پر خطر (مطالعه موردی: شهر مشهد)	ناطق و افشانی (۱۳۹۵)	پیمایش	بین بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن با رفتارهای پر خطر و ابعاد آن رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد	فولادیان (۱۳۹۴)	پیمایش	بین بیگانگی اجتماعی و مؤلفه‌های آن و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد. رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های بیگانگی اجتماعی به تنهایی ۴۰٪ از کل تغییرات متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی را توجیه می‌کند.
دین، سلامت روان و احساس تنهایی. بررسی نسبت میان میزان دینداری و سلامت روان با احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)	کلانتری و حسینی‌زاده آرانی (۱۳۹۴)	پیمایش	میان میزان دینداری و سلامت روان با احساس تنهایی رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد و دینداری و اعتقادات مذهبی افراد تأثیر مثبتی بر سطح سلامت روان آنان بر جای می‌گذارد.
بررسی رابطه میزان احساس انزوای اجتماعی و سلامت اجتماعی زنان شهر یزد	افشانی و شیری محمدآباد (۱۳۹۴)	پیمایش	شاخص احساس انزوای اجتماعی دارای ارتباط معکوس و معنادار با میزان سلامت اجتماعی و تمام ابعاد آن دارد به عبارت دیگر افزایش احساس انزوای اجتماعی نقش قابل ملاحظه‌ای در کاهش میزان سلامت اجتماعی زنان دارد. از طرفی عوامل نظیر میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال بر سلامت اجتماعی زنان مؤثر بودند.

انزوا و سلامت: بررسی ارتباط میان انزوای اجتماعی و سلامت روان شهروندان ۱۸+ سال تهرانی با عطف توجه به نقش میانجیگرانه حمایت اجتماعی	کلانتری و دیگران (۱۳۹۴)	پیمایش	با افزایش میزان انزوای اجتماعی، از سطوح حمایت اجتماعی کاسته شده و وضعیت سلامت روان شهروندان در حالت آسیب پذیری قرار می‌گیرد.
بررسی میزان سلامت اجتماعی در میان معلمان دوره ابتدایی شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن	ذالی آراللو و علایی (۱۳۹۳)	پیمایش	بین متغیرهای بیگانگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی، مسئولیت پذیری و احساس امنیت محیط شهری با سلامت اجتماعی معلمان رابطه معناداری وجود دارد.
سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان	زکی و خشوعی (۱۳۹۲)	پیمایش	بین سلامت اجتماعی و متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تعهد اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بین سلامت اجتماعی و بیگانگی اجتماعی نیز رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.
مقایسه احساس تنهایی و سلامت عمومی در سالمندان ساکن خانواده و سرای سالمندان مناطق شمال شهر تهران	همتی علمدارلو و دیگران (۱۳۸۸)	پیمایش	زندگی با سایر اعضای خانواده بر سلامت جسمانی و روانی سالمندان تأثیر مثبت دارد. بنابراین با توجه به موقعیت روانی _ فرهنگی سالمندان در ایران، بهترین مکان برای برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی آنان خانواده است.
ارزیابی آثار سلامت روان ناشی از انزوای اجتماعی	(Rohde, et al., 2016)	تحلیل ثانویه	جابه جایی‌های ناشی از کار یا تحصیل، منجر به انقطاع در روابط اجتماعی و بسط انزوای اجتماعی در بُعد عینی شده و در نتیجه آثار منفی زیانباری بر سلامت روان افراد، بالأخص نزد زنان و افراد سالمند، بر جای می‌گذارد.
انواع شبکه اجتماعی و سلامت سالخوردگان	(Li & Zhang, 2015)	پیمایش	رابطه قوی بین انواع شبکه اجتماعی و سلامتی وجود دارد.
تأثیر حمایت اجتماعی بر روی سلامتی بومیان استرالیایی	(Waterworth, et al., 2014)	مصاحبه	حمایت اجتماعی حاصل شده می‌تواند تأثیر مثبت و منفی بر روی سلامتی افراد داشته باشد.
تجزیه و تحلیل چند سطحی سرمایه اجتماعی و سلامت خود ارزیابی	(Meng & Chen, 2014)	پیمایش	در منطقه‌ای با سطح بالایی از اعتماد، افراد از سلامتی بیشتری برخوردار بوده‌اند این در حالی است که در منطقه‌ای با سطح پایین اعتماد وضعیت سلامتی کاملاً معکوس است.
انزوای اجتماعی در میان کارگران در روستای کارولینای شمالی	(Mora, et al., 2014)	پیمایش	انزوای اجتماعی با افسردگی بالا و سلامت جسمانی و روانی پایین رابطه داشته است.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت مرور پیشینه تجربی در وهله نخست بیانگر این است که مطالعات معدودی در داخل کشور به بررسی ارتباط بین انزوای اجتماعی با سلامت پرداخته است. همچنین در برخی مطالعات از مفاهیمی چون بیگانگی اجتماعی، بی

تفاوتی اجتماعی و احساس تنهایی که مشابهت مفهومی با انزوای اجتماعی دارند بهره گرفته شده است. در وهله دوم، مطالعات اندک موجود متمرکز بر گروه‌های در معرض خطری چون سالمندان، معتادان، افراد بی‌خانمان و بیماران می‌باشد. در اغلب تحقیقات انجام گرفته در زمینه سلامت در ایران تنها از یک نظریه استفاده شده و برای بسط و کاربرد سایر نظریات مرتبط با سلامت تلاشی نشده است. از طرف دیگر تحقیقات صورت گرفته در زمینه سلامت به ندرت بر اساس تفکیک جنسیتی بوده و پژوهش‌های انجام گرفته نیز صرفاً معطوف به برخی متغیرهای خاص می‌باشند. در اکثر تحقیقات برون مرزی، مفاهیم و متغیرهای تحقیق به روشنی تعریف شده که این مسأله یکی از نقاط قوت این پژوهش هاست، زیرا یکی از واحدهای اساسی کار تحقیقی، تعریف عملی و نظری مفاهیم و متغیرها می‌باشد. هرچند محاسن پژوهش‌های خارجی نسبت به پژوهش‌های داخلی بیشتر است اما آن‌ها نیز در بررسی موضوعات مورد پژوهش غالباً تنها به یک نظریه اکتفا کرده‌اند. با وجود پژوهش‌های بسیاری که در برخی از کشورها با موضوع سلامت انجام شده ولی هنوز جنبه‌های مبهم آن بسیار است؛ ازجمله اینکه ابعاد و شاخص‌های سلامت در جوامع مختلف و شرایط مختلف متفاوتند و برخی شاخص‌ها در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری، الگویی است که محقق روابط مهم مابین عوامل مؤثر در ایجاد مسأله را بر اساس آن به کار می‌گیرد و در واقع چشم‌انداز نظری را برای بررسی مسأله در پرسش‌های آغازین، برمی‌گزیند. بدین ترتیب متغیرهای مهم و مؤثر در شرایط مربوط به مسأله تعریف شده را شناسایی و ارتباط بین متغیرها را به صورت منطقی توصیف می‌کند. در این پژوهش در مبحث انزوای اجتماعی و سلامت، از دیدگاه جامعه‌شناسانی چون چلبی و کییز^۱ بهره گرفته شده است.

یکی از متفکران حوزه سلامت که اشارات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در کار او کاملاً

به چشم می‌خورد، کیز است. طبق نظر وی، حلقه مفقوده در تاریخچه مطالعات مربوط به سلامت و خصوصاً سلامت ذهن پاسخ به این سؤال است که آیا ممکن است کیفیت زندگی و عملکرد شخصی افراد را بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد. کیز نیز مثل لارسن^۱ معتقد است سلامت روانی، کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی‌توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد و عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت روانی و هیجانی و شامل تکالیف و درگیری‌های اجتماعی است. از این رو، او سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که عضو آنها است معرفی می‌کند. وی بر این اساس مدل پنج عاملی خویش را مطرح می‌کند که در آن پنج عامل انسجام، پذیرش، شکوفایی، مشارکت و انطباق اجتماعی شاخص‌های سلامت را تشکیل می‌دهند (شربتیان، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

کیز بعد سلامت روانی و اجتماعی را نشانه کارکرد مثبت می‌خواند و می‌گوید اگر فرد شرایط دو بعد سلامت احساسی (احساس خوب و رضایت از زندگی) و بعد کارکرد مثبت را داشته باشد از سلامت روانی برخوردار است. وی این وضعیت را بالندگی می‌نامد. افراد بالنده، احساس خوبی به زندگی دارند و در رابطه با دیگران و در جامعه، فعال و سازنده‌اند. کیز، نبود سلامت روانی را پژمردگی می‌خواند. افراد پژمرده، احساس خوبی به زندگی ندارند و کارکرد روانی و اجتماعی شان مشکل دارد. این افراد دچار یأس و نومیدی بوده و زندگی خود را پوچ و خالی می‌بینند (شربتیان و ایمنی، ۱۳۹۶: ۱۱۶). روابط اجتماعی بخشی اساسی از زندگی انسان است. انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که در بسیاری از مسائل به یکدیگر وابسته‌اند (هورتولانوس، مشیلز و میوسن، ۱۳۹۴: ۳۹) آن‌ها به یکدیگر مرتبط‌اند و درون شبکه‌ای از خویشاوندان و غیرخویشاوندان به طرق گوناگون جاسازی شده‌اند؛ همچنین بخشی از جوامع پرجمعیتی هستند که با آن‌ها شناسایی می‌شوند؛ با داشتن تعاملات اجتماعی متنوع، مردم به زندگی اجتماعی‌شان شکل خواهند داد. شبکه شخصی، عامل مهمی در زندگی روزمره اشخاص است. بنابراین

جای تعجبی وجود ندارد زمانی که از افراد پرسیده شود تا عواملی که به نظر آن‌ها برای تندرستی مهم است، ارتباطات اجتماعی خود را در اولویت بالایی قرار دهند. این مورد مخصوصاً در روابط نخستین (شریک زندگی و خانواده) صدق می‌کند، اگر چه به روابط اجتماعی در مفهومی وسیع‌تر نیز مربوط است. در سال‌های اخیر، مطالعات بسیاری تأیید کرده‌اند، که افرادی که در شبکه‌ای از روابط شخصی قرار دارند، به‌طور کلی سطح بالاتری از بهزیستی را نسبت به کسانی که از لحاظ اجتماعی منزوی هستند، تجربه می‌کنند. آن‌ها به سالم‌تر بودن تمایل دارند (همان: ۴۱). جامعه‌شناسان، روابط اجتماعی را سنگ بنای ابتدایی شکل‌های پیچیده‌تر تماس میان انسان‌ها می‌دانند روابط اجتماعی همچنین درجه معینی از مقررات را ارائه می‌دهد، به این معنی که اعمال افراد تا حدی توسط قرارگرفتن آن‌ها در یک اجتماع یا گروه خاص کنترل و هدایت می‌شود. این مسأله به انسجام و پیوستگی اجتماعی کمک خواهد کرد. معضلی که این ارتباطات را در جامعه سیال مدرن با تهدیدی جدی مواجه ساخته است، پدیده‌ای به نام انزوای اجتماعی یا انفصال در شبکه روابط اجتماعی اعضای جامعه می‌باشد. "مشخصه اصلی انزوا، فقدان شبکه روابط اجتماعی معنادار به مثابه مهم‌ترین نیاز اجتماعی افراد می‌باشد" (House, 2001: 273).

رویکردهای متعددی در مطالعه انزوا مطرح شده‌اند. نظریه‌های اولیه انزوای اجتماعی منتسب به دورکیم و بالبی^۱ هستند. طبق تئوری آنها، ترتیبات ساختاری نهادهای اجتماعی بر منابع در دسترس افراد مؤثر بوده و بدین رو بر واکنش‌های عاطفی و روانی آنها تأثیر می‌گذارد. بنا بر نظر دورکیم، هر چه احساس نزدیکی و پیوند فرد با گروهش قوی‌تر باشد، احتمال انزوا و به خطر افتادن سلامتی فرد کاهش می‌یابد.

نخستین رویکردی که برای مطالعه‌ی انزوای اجتماعی مناسب است، تحلیل شبکه Network Analysis است. در این رویکرد، با تمرکز بر روابط گروهی و خصوصیات ساختاری شکل‌بندی‌های اجتماعی، روابط اجتماعی اساساً همچون سنگ‌بنای ساختارهای اجتماعی، در نظر گرفته می‌شود. در شیوه پژوهش شبکه‌ای سه رویکرد

وجود دارد که هریک به سوی بعد متفاوتی از شبکه اجتماعی جهت می‌گیرند.

(۱) رویکرد همبستگی اجتماعی بر محدوده شبکه شخصی و نوع روابط و تلاش‌هایی متمرکز است که میزان همبستگی یک شخص در درون جامعه را تعیین می‌کند. در اینجا مشخصه‌های روابط در شبکه به عنوان شاخص‌های میزان همبستگی اجتماعی به کار می‌روند. عوامل مهم عبارتند از: ترکیب و اندازه خانوار، سهم خانواده و دوستان، عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های مذهبی، دارای کار بودن یا بیکاری و غیره.

(۲) در رویکرد شبکه اجتماعی، تأکید بر ساختار رسمی شبکه، و بر روابط موجود در شبکه است. این نوع پژوهش در خصوصیات شبکه‌ای که شخص در آن مشارکت دارد ریشه دارد. این خصوصیات می‌تواند شامل صمیمیت شبکه (آیا اعضای شبکه یکدیگر را می‌شناسند)، نامتجانس بودن شبکه (از لحاظ خانوادگی، جنسیتی، موقعیت اجتماعی و غیره)، دامنه شبکه (لایه‌های اجتماعی که شبکه به آن دسترسی دارد)، و چند کاربردی بودن روابط باشد. در این رویکرد انزوای اجتماعی به یک حوزه محدود شبکه مرتبط نیست بلکه به خصوصیات مشخصی از ساختار شبکه ارتباط دارد.

(۳) در رویکرد حمایت اجتماعی تمرکز بر کیفیت روابط است. کیفیت تابع عملکردی است که یک رابطه برای شخص دارد، به ویژه میزان و نوع حمایتی که آن رابطه فراهم می‌کند. این رویکرد نمی‌تواند تمام شبکه شخصی را به تصویر بکشد، بلکه فقط روابطی را معین می‌کنند که در آن‌ها حمایت، مبادله می‌شود. این رویکرد، انزوای اجتماعی را به عنوان فقدان روابط حمایتی در شبکه شخصی می‌داند. مسأله مشترک در رویکرد شبکه این است که انزوای اجتماعی با اطلاعات کم و بیش واقعی در مورد شبکه شخصی افراد اندازه‌گیری می‌شود: دامنه شبکه، خصوصیات ساختاری یا حضور افرادی که می‌توانند صورت‌های مشخصی از حمایت اجتماعی را در اختیار بگذارند. انزوای اجتماعی به معنای داشتن شبکه‌ای شخصی با دامنه محدود یا ترکیب یک طرفه است، هرچقدر که شبکه شخصی کوچکتر، محصورتر یا همگن‌تر می‌شود یا زمانی که روابط حمایتی کم می‌شود، احتمال انزوای اجتماعی افزایش می‌یابد (هورتولانوس، مشیلز و میوسن، ۱۳۹۴: ۶۴).

طرفداران نظریه شبکه بر این باورند که وجود شبکه‌های اجتماعی به صورت حائلی

در مقابل عوامل فشارزای درونی عمل می‌کند به نحوی که با فراهم آوردن حمایت‌های عاطفی، دوستی‌ها و فرصت‌هایی برای اعمال اجتماعی معنادار، اثر بسیار مؤثری بر عزت نفس افراد و افزایش توان مقابله با مشکلات و افسردگی‌ها داشته و در نهایت به احساس سلامت منجر می‌گردد (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۷).

دومین رویکردی که برای مطالعه انزوای اجتماعی مهم است، سنت پژوهش تنهایی است. این رویکرد نه بر اطلاعات واقعی شبکه اجتماعی، بلکه بر کیفیت روابط در شبکه به همان صورت که خود انسان‌ها تجربه می‌کنند، متمرکز می‌شود. بنابراین این رویکرد در رابطه با تجربه ذهنی از شبکه شخصی است و بر فقدان تعاملات با ارزش و معنادار با دیگران تأکید می‌کند (هورتولانوس، مشیلز و میوسن، ۱۳۹۴: ۶۵).

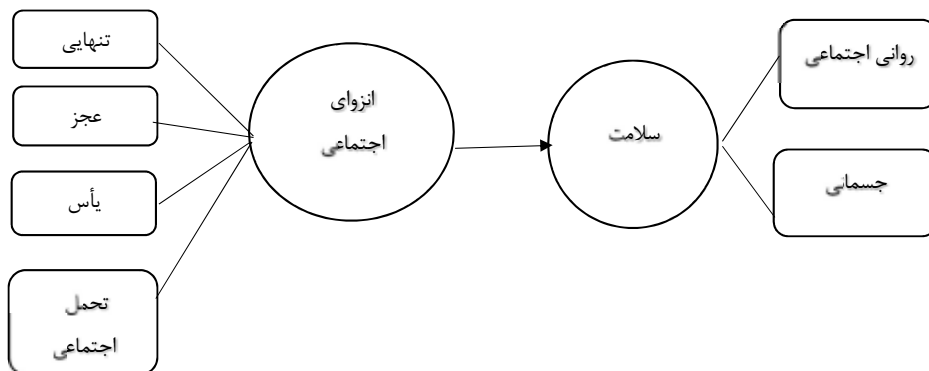
بدون تردید، انزوای اجتماعی افراد را از مشارکت غیررسمی و رسمی در جامعه محروم می‌سازد. مبادله اجتماعی و دلبستگی اجتماعی را کاهش می‌دهد. از تبادل پایدار و دائمی افکار و احساسات از کل به فرد و از فرد به کل جلوگیری می‌کند. موجب تضعیف یا قطع روابط و مبادلات نامتقارن گرم و همچنین روابط گفتمانی می‌شود. از احساس مشارکت در روابط گرم، صمیمی و انسانی جلوگیری می‌کند. فرصت‌های مناسب را برای با هم زندگی کردن، با هم کار کردن، با هم تجربه کردن و با هم بودن سلب می‌کند و نهایتاً روابط طولانی، پایدار و عمیق را غیرممکن می‌سازد (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۱۰). موارد یاد شده می‌توانند پیامدهای مختلفی از جمله احساس تنهایی، احساس عجز، یأس اجتماعی و کاهش تحمل اجتماعی را به دنبال داشته باشند.

کلرمن^۱ معتقد است احساس تنهایی از نقص در روابط نزدیک و اختلال در هم‌بندی‌های اجتماعی یا انسجام اجتماعی ناشی می‌شود. هالورسن^۲ اعتقاد دارد که احساس تنهایی عمدتاً با میزان روابط اولیه و در سطحی محدودتر با میزان و کیفیت روابط دومین و سومین یعنی مشارکت در بازار کار و فعالیت‌های مدنی ارتباط دارد. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که دل‌گرمی و تأیید احساسی شکلی از حمایت اجتماعی است که فرد تنها تصور می‌کند در رابطه‌اش با دیگران مفقود است. به اعتقاد چلبی، هر قدر در

1. Klerman

2. Halvorsen

سطوح مختلف شبکه روابط اجتماعی جامعه روابط امداد رسانی در ابعاد مختلف معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (همدردی) و منزلتی (اعاده کرامت انسانی) بیشتر باشد، به همان نسبت میزان یأس اجتماعی و احساس عجز کاهش می‌پذیرد. امداد رسانی در روابط حمایتی به افرادی که به هر دلیل در یکی از ابعاد مزبور محروم باقی مانده‌اند، فرصتی دوباره می‌دهد که استعداد های منحصر به فرد خود را شکوفا سازند تا بتوانند در جهت خیر جمعی گام بردارند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۸). تحمل اجتماعی نیز به سطح تعامل اجتماعی و تنوع شبکه‌های اجتماعی بستگی دارد. چلبی معتقد است تحمل اجتماعی با توسعه شبکه اجتماعی فرد افزایش می‌یابد و با تضعیف آن کاهش می‌پذیرد. پیوستن به انجمن‌های داوطلبانه که در آن طرح مسائل، ابراز عقیده و پیشنهادات، تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب بر مبنای اصل مجاب‌سازی (روابط گفتمانی) صورت می‌گیرد، تحمل اجتماعی را تقویت می‌کند (همان: ۲۸۹). پاکستون^۱ به شکل مشابهی استدلال می‌کند که عضویت در گروه‌ها و اجتماعات بسته و محدود، سطح تحمل اجتماعی را کاهش می‌دهد (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۱۱). بر اساس چارچوب نظری فوق، مدل نظری پژوهش به شکل زیر ارائه می‌شود و مورد آزمون قرار می‌گیرد:



شکل (۱) مدل نظری پژوهش

فرضیه اصلی

بین انزوای اجتماعی و سلامت شهروندان رابطه معکوس وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

بین ابعاد انزوای اجتماعی (تنهایی اجتماعی، احساس عجز، احساس یأس و کاهش تحمل اجتماعی) با سلامت روانی اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.

بین ابعاد انزوای اجتماعی (تنهایی اجتماعی، احساس عجز، احساس یأس و کاهش تحمل اجتماعی) با سلامت جسمانی رابطه معکوس وجود دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر پیمایشی است که بر اساس ماهیت داده‌ها کمی و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی است. جامعه آماری پژوهش را جمعیت سی تا هفتاد و چهار سال شهر مشهد^۱ تشکیل می‌دهند که تعداد آنها براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۸۸۰۶۷۳ نفر مرد و ۸۷۰۳۳۸ نفر زن را شامل شده است و سپس با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت احتمالی ۵٪ حجم نمونه ۳۸۴

۱. دلیل انتخاب سنین سی تا هفتاد و چهار سال این است که دو کهورت جمعیتی را شامل می‌شود جمعیتی که قبل از ۱۳۳۵ متولد شدند (۶۰ سال به بالا) و جمعیت‌هایی که در ۳۰ سال آینده به سن ۶۰ سال و بالاتر به تدریج می‌رسند.

نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چند مرحله‌ای، شامل (منطقه، ناحیه شهری، محله، بلوک و خانوار) است که در وهله اول از سیزده منطقه شهر مشهد با توجه به سطح توسعه یافتگی و برخورداری از شاخص‌های خدمات شهری مناطق با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده دو منطقه شهر که از منطقه میان توسعه یافته، منطقه ۱ و از منطقه محروم، منطقه ۵ انتخاب شدند و سپس در هر منطقه سه محله و از هر محله پنج بلوک و از میان بلوک‌ها، خانوارها به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند.



شکل ۲) نقشه مرزبندی مناطق، نواحی و محله‌های مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد

موقعیت شهر مشهد

کلان‌شهر مشهد مرکز استان خراسان رضوی است که در سال ۱۳۹۶ با احتساب نواحی منفصل توس و قرقی با ۳۵۱۴۷ هکتار و مساحت ۳۲۸ کیلومترمربع در شمال شرق ایران قرار داشته است. طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۲ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۳۸ دقیقه و

عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۷ دقیقه به صورت شرقی - غربی در حوضه آبریز کشف رود، بین رشته کوه‌های بینالود و هزار مسجد این شهر مستقر شده است؛ و ارتفاع شهر از سطح دریا ۹۹۹ متر هست (سالنامه آمار شهر مشهد ۱۳۹۶، ۱۳۹۷). این شهر به عنوان دومین کلان شهر بزرگ کشور، کارکرد مذهبی - زیارتی دارد. (بدری و طیبی، ۱۳۹۱: ۱۵۳) این شهر در زمان افشاریان، پایتخت ایران بوده است؛ و دومین شهر پهناور ایران، بعد از تهران است. (حیاتی، ۱۳۹۱: ۱۱۵). شکل گیری فضایی، زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی این شهر به طور کامل تحت تأثیر عوامل مذهبی بوده است. با توجه به آخرین سالنامه آمارنامه شهری مشهد ۱۳۹۶ که در سال ۹۷ منتشر شده است این کلان شهر از نظر خدمات شهری (۳۷ ناحیه) و از نظر نواحی شهرسازی (۴۰ ناحیه) و ۱۵۸ محله دارد (سالنامه آمار شهر مشهد، ۱۳۹۶: ۱۱۴). بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت مشهد بالغ بر ۳۰۵۷۶۷۹ نفر بوده است که از این جمعیت ۱۵۳۲۴۷۵ نفر مرد (۵۰٪) و در حدود ۱۵۲۵۲۰۴ نفر زن تقریباً (۵۰٪) بوده است. بر اساس مناطق ۱۳ گانه شهری مشهد مناطق ۲، ۳ و ۱۰ شهری به ترتیب دارای بیشترین تراکم جمعیتی و مناطق ۸ و ۱۲ به ترتیب دارای کمترین تراکم جمعیتی است (گزیده شاخص های جمعیتی شهر مشهد، ۱۳۹۶).

جدول ۲) مشخصات شهری و جمعیتی مناطق ۱۳ گانه کلان شهر مشهد بر اساس سرشماری ۱۳۹۵

منطقه	سال تأسیس	تعداد نواحی خدماتی	فروانی جمعیت هر منطقه	درصد	مرد	درصد	زن	درصد	تعداد خانوار	بعد خانوار
منطقه ۱	۱۳۶۳	۲	۱۶۷۰۱۳	۵/۴۶	۸۱۶۱۹	۵/۳۲	۸۵۳۹۴	۵/۵۹	۵۵۲۳۱	۳
منطقه ۲	۱۳۶۲	۴	۵۱۳۳۶۵	۱۶/۷۸	۲۵۷۰۰۴	۱۶/۷۷	۲۵۶۳۶۱	۱۶/۸۰	۱۵۷۵۹۲	۳/۳
منطقه ۳	۱۳۶۲	۴	۴۱۷۹۵۰	۱۳/۶۶	۲۱۰۹۰۴	۱۳/۷۶	۲۰۷۰۴۶	۱۳/۵۷	۱۲۵۶۵۹	۳/۳
منطقه ۴	۱۳۷۳	۳	۲۶۱۹۳۸	۸/۵۷	۱۳۱۳۴۹	۸/۵۷	۱۳۰۵۸۹	۸/۵۷	۷۶۶۲۳	۳/۴
منطقه ۵	۱۳۷۴	۲	۱۷۵۸۴۹	۵/۷۴	۸۷۲۶۴	۵/۶۸	۸۸۵۸۵	۵/۸۰	۴۸۶۶۲	۳/۶
منطقه ۶	۱۳۷۰	۳	۲۳۲۶۱۶	۷/۶۰	۱۱۶۷۰۸	۷/۶۱	۱۱۵۹۰۸	۷/۵۹	۶۷۰۳۶	۳/۵
منطقه ۷	۱۳۷۴	۳	۲۵۶۵۷۵	۸/۲۸	۱۲۹۸۰۸	۸/۳۵	۱۲۶۷۶۷	۸/۲۰	۷۷۵۲۸	۳/۳
منطقه ۸	۱۳۷۰	۳	۸۹۲۱۶	۳/۰۲	۴۴۲۴۹	۲/۹۹	۴۴۹۶۷	۳/۰۵	۲۸۹۶۶	۳/۱
منطقه ۹	۱۳۷۰	۳	۳۲۷۰۶۱	۱۰/۶۹	۱۶۱۹۰۳	۱۰/۵۶	۱۶۵۱۵۸	۱۰/۸۲	۱۰۳۰۹۳	۳/۲
منطقه ۱۰	۱۳۷۱	۳	۲۹۶۸۲۳	۹/۷۰	۱۴۸۸۵۶	۹/۷۱	۱۴۷۹۶۷	۹/۷۰	۹۲۰۱۸	۳/۲
منطقه ۱۱	۱۳۷۹	۲	۲۰۰۱۶۱	۶/۵۴	۱۰۲۴۲۹	۶/۶۸	۹۷۷۳۲	۶/۴۰	۶۰۶۰۹	۳/۳
منطقه ۱۲	۱۳۸۷	۳	۱۰۵۲۶۳	۳/۴۴	۵۳۲۴۲	۳/۴۷	۵۲۰۲۱	۳/۴۱	۳۲۵۱۷	۳/۲

منطقه ثامن	۱۳۷۸	۲	۱۳۸۴۹	۰/۴۵	۷۱۴۰	۰/۴۶	۶۷۰۹	۰/۴۴	۴۵۲۱	۳/۱
تأسیس شهرداری (۱۳۹۷)	جمعیت کل	۳۷	۳۰۵۷۶۷۹	۱۰۰	۱۵۳۲۴۷۵	۱۰۰	۱۵۲۵۲۰۴	۱۰۰	۹۳۰۰۴۵	۳/۳

منطقه یک شهری

شهرداری منطقه یک مشهد وسعتی معادل ۱/۴۷۹ هکتار دارد. این منطقه به لحاظ مرکزیت شهری از نظر تجاری، اداری، جمعیت و ترافیک بیش از اندازه ای را در خود جای داده است. این منطقه از ۲ ناحیه تشکیل شده است که تراکم جمعیت در هر هکتار برابر ۱۱۳/۱ نفر بوده است (شهرداری منطقه یک شهر مشهد، ۱۳۹۸). مشخصات محدوده قانونی منطقه در جدول و نقشه ذیل بیان شده است.

جدول (۳) مشخصات محدوده قانونی منطقه یک شهرداری مشهد

شمال	میدان استقلال، بلوار فردوسی، میدان فردوسی، بلوار سپهبد قری، خیابان توحید، میدان شهدا
جنوب	بلوار شهید محمد منتظری، میدان فلسطین، بلوار ملک آباد، میدان آزادی
شرق	خیابان دانشگاه، میدان دکتر شریعتی، خیابان کوهسنگی
غرب	میدان آزادی، بزرگراه آزادی، میدان استقلال



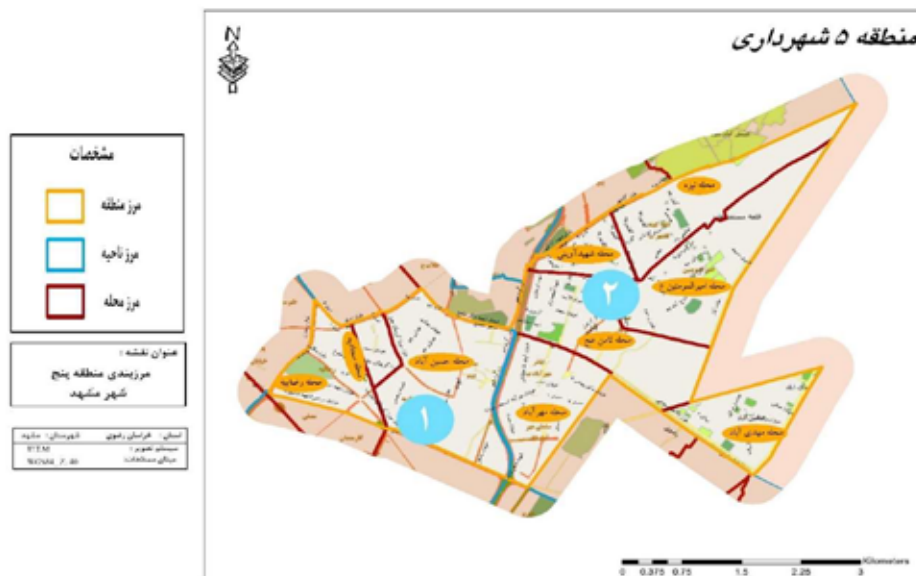
شکل ۳) نقشه مرزبندی محله‌ها و نواحی منطقه ۱ شهر مشهد

منطقه پنج شهری

این منطقه از ۲ ناحیه تشکیل شده است که وسعت آن برابر با ۱/۴۳۸ هکتار هست. تراکم جمعیت در هر هکتار برابر ۱۲۲/۳ نفر بوده است تشکیل شده است (شهرداری منطقه پنج شهر مشهد، ۱۳۹۸). مشخصات محدوده قانونی منطقه در جدول و نقشه ذیل بیان شده است.

جدول ۴) مشخصات محدوده قانونی منطقه پنج شهرداری مشهد

شمال	تقاطع امت با مفتح (حدفاصل مفتح تا صدمتری، بلوار شهید اوینی- حدفاصل صدمتری تا عیش‌آباد
جنوب	پنج راه تا پل سرخس- میدان شهید عباسپور تا ابتدای خیابان کارگر
شرق	خیابان کارگر (کال امیرآباد)- بلوار میامی- میدان اروند- ابتدای جاده کنه بیست- فرخ‌آباد- عباس‌آباد- خط لوله گاز- شهرک مستضعفین
غرب	بلوار وحدت، حدفاصل پنج راه تا چهارصد دستگاه (وحدت ۲)



شکل ۴) نقشه مرزبندی محله‌ها و نواحی منطقه ۵ شهر مشهد

جدول ۵) سطح بندی مناطق شهر مشهد بر اساس برخورداری از شاخص‌های خدمات شهری

ردیف	وضعیت برخورداری	مناطق
۱	توسعه یافته	۹-۱۲
۲	میان توسعه یافته	۱۱-۱۰-۸-۷-۲-۱
۳	فرو توسعه یافته	۶ و ثامن
۴	محروم	۵-۴-۳

جدول ۵ سطح بندی مناطق شهر مشهد بر اساس برخورداری از شاخص‌های خدمات شهری را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید منطقه یک شهر مشهد به لحاظ وضعیت برخورداری از شاخص‌های خدمات شهری، در ردیف مناطق میان توسعه یافته و منطقه پنج در ردیف وضعیت محروم قرار دارد (حاتمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳).

جدول ۶) محلات انتخاب شده

مناطق و نواحی	محلات
منطقه ۱، ناحیه ۲	سجاد، آبکوه، ارشاد
منطقه ۵، ناحیه ۲	ثامن، مهرآباد، مهدی آباد

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{(N.d^2) + (t^2.p.q)} = \frac{1751011 \times 1.96 \times 1.96 \times 0.5 \times 0.5}{(1751011 \times 0.05 \times 0.05) + (1.96 \times 1.96 \times 0.5 \times 0.5)} = 384$$

در پژوهش حاضر برای محاسبه اعتبار ابزار اندازه گیری از روش اعتبار محتوایی استفاده شده است. به این ترتیب که نظر کارشناسان و صاحب نظران و استادان در این حوزه پرسیده و در مرحله بعد، پس از تعیین صحت و سقم عبارات، مقیاس ها و پرسش ها به صورت پرسشنامه ای (پرسشنامه استاندارد سلامت SF_36 و پرسشنامه محقق ساخته انزوای اجتماعی) تنظیم و مورد بررسی قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. مقیاس سنجش سلامت شهروندان در دو بعد؛ شامل سلامت جسمی و روانی - اجتماعی سنجش شده که نمرات بین ۰ تا ۱۰۰ را در بر گرفته است و نمره بالاتر به منزله سلامت بالاتر است. اعتبار و پایایی این پرسشنامه در جمعیت ایرانی تأیید شده است و ضرایب همسانی درونی خرده مقیاس های هشت گانه آن بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۵ و ضرایب بازآزمایی آن ها با فاصله زمانی یک هفته بین ۰/۴۳ تا ۰/۷۹ گزارش شده است. همچنین، این پرسشنامه می تواند در تمام شاخص ها، افراد سالم را از بیمار تفکیک کند. داده های مورد استفاده پس از جمع آوری و تدوین، به کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید و سپس به منظور وجود رابطه احتمالی بین متغیرهای فرضیات، از روش های آماری همچون ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t و رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

جدول ۷) پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر / مولفه	تعداد گویه ها	آلفای کرونباخ	KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری
سلامت	۳۶	۰/۸۵	۰/۹۰۲	۰/۶۱۵	۴۳۵	۰/۰۰۱
بعد روانی اجتماعی	۱۴	۰/۸۹	۰/۸۸۵	۲۲۸۷/۵۵۴	۴۲۸	۰/۰۰۱
بعد جسمانی	۲۲	۰/۸۷	۰/۹۱۰	۳۴۴۷/۵۲۸	۳۰۰	۰/۰۰۱
انزوای اجتماعی	۱۸	۰/۷۹	۰/۶۴	۴۳۲/۲۱	۳۹۱	۰/۰۰۱

تنهایی اجتماعی	۶	۰/۸۸	۰/۸۵	۵/۴۰۳	۴۲۱	۰/۰۰۱
عجز	۴	۰/۷۵	۰/۷۴۱	۲۳۴۱/۲۳۴	۳۸۳	۰/۰۰۱
یأس	۵	۰/۷۲	۰/۶۱	۳۱۵/۵۱	۳۱۰	۰/۰۰۱
تحمل اجتماعی	۴	۰/۷۸	۰/۸۴	۲۰۱۸/۶۱	۳۴۶	۰/۰۰۱

بر اساس اطلاعات جدول بالا ملاحظه می‌شود که ضریب KMO برای سؤالات سلامت و انزوای اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۹۰۲ و ۰/۶۴ است که حاکی از کفایت نمونه است. همچنین مقدار بارتلت در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است که نشان می‌دهد تفکیک عامل‌ها بر اساس بارهای عاملی به درستی اجرا شده و بین عامل‌ها همپوشانی وجود ندارد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

جدول ۸) تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه
سلامت	سلامت مفهوم وسیعی دارد و تعریف آن تحت تأثیر میزان آگاهی و طرز تلقی جوامع با شرایط گوناگون جغرافیایی و فرهنگی قرار می‌گیرد، ضمن اینکه سلامتی یک روند پویا است و با گذشت زمان نیز مفهوم آن تغییر خواهد کرد. قدیمی‌ترین تعریفی که از سلامتی شده است عبارتست از بیمار نبودن. از دیدگاه سازمان جهانی بهداشت سلامت عبارتست از برخورداری از آسایش کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری و نقص عضو (پورموسوی و صفوردی، ۱۳۹۴: ۴).	برای سنجش سطح سلامت شهروندان شهر مشهد از پرسشنامه استاندارد SF-۳۶ استفاده شده است که بوسیله ویر و شربون ساخته شده و از طریق ۳۶ سؤال، سلامت شهروند را از ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه توسط کوششی و دیگران (۱۳۹۵) استفاده شده است.	گویه‌های بعد سلامت جسمانی در حالت کلی وضعیت سلامتی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در مقایسه با یکسال گذشته وضعیت سلامتی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ کاستن از ساعات کار یا فعالیتهای روزمره به دلیل احساس بیماری داشتن کارایی و عملکردی کمتر از حد انتظار محدودیت در انتخاب شغل یا کار دلخواه به دلیل مشکلات جسمانی ناتوانی و مشکل در انجام کارهای روزانه یا وظایف شغلی
			گویه‌های بعد سلامت روانی اجتماعی کم نمودن از ساعات کاری یا فعالیتهایی که قبلاً انجام می‌دادید کارایی و عملکردی کمتر از آنچه که از خودتان انتظار داشتید کم شدن دقت و تمرکز تا به کار یا فعالیتهای روزمره در مقایسه با گذشته احساس شادی و نشاط می‌کردم فردی عصبی بودم احساس افسردگی شدیدی داشتم که احساس می‌کردم هیچ چیزی نمی‌تواند مرا از این وضع خارج کند احساس راحتی و آرامش داشتم احساس می‌کردم انرژی و توان زیادی دارم احساس یأس و ناامیدی می‌کردم احساس می‌کردم که از کار افتاده و ناتوان شده‌ام در طول یک ماه گذشته ناراحتی‌های جسمانی یا روانی تا چه حدی مانع رسیدگی به امور خانه و دیدار با فامیل و دوستان و همسایگان شده است؟ در طی یک ماه گذشته ناراحتی‌های جسمانی و مریضی یا مشکلات عصبی و روانی و بی‌حوصلگی تا چه حدی باعث شده است که شما نتوانید فعالیتهای اجتماعی مانند دیدار با دوستان یا رفت و آمد با فامیل یا حضور در مکان‌های عمومی را تجربه نمایید.

انزوای اجتماعی	انزوای اجتماعی افراد را از مشارکت غیر رسمی و رسمی در جامعه محروم می‌کند؛ مبادله اجتماعی و دلبستگی اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ از تبادل پایدار و دائمی با افکار و احساسات از کل به فرد و از فرد به کل جلوگیری می‌کند؛ موجب تضعیف یا قطع روابط و مبادلات نامتقارن گرم و روابط گفتگویی می‌شود؛ از احساس مشارکت در روابط گرم، صمیمی و انسانی جلوگیری می‌کند؛ فرصت‌های مناسب را برای با هم زندگی کردن، با هم کار کردن، با هم تجربه کردن و با هم بودن را سلب می‌کند؛ روابط طولانی، پایدار و عمیق را غیر ممکن می‌سازد. (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۲: ۱۰).	طبق نظریات چلبی، سنجش متغیر انزوای اجتماعی، با سنجش تک تک ابعاد آن آغاز شده است که عبارت بوده اند از: یأس اجتماعی، احساس عجز، تحمل اجتماعی پایین و احساس تنهایی. این پرسشنامه توسط مدرسی یزدی، فرهمند و افشانی (۱۳۹۶) استفاده شده است.
	گویه‌های بعد تنهایی اجتماعی من به مصاحبت و همراهی نیاز دارم. افرادی هستند که می‌توانم با آنها صحبت کنم. کسی را ندارم که با او صحبت کنم. قادر نیستم تنهایی را خیلی تحمل کنم. کاملاً احساس تنهایی می‌کنم. بیشتر وقت‌ها دوست دارم تنها باشم. گویه‌های بعد عجز می‌توانم به دوستانم اتکا کنم. قادر نیستم با کسانی که در بیرون هستند ارتباط برقرار کنم. روابط اجتماعی من مصنوعی است. گویه‌های بعد یأس اجتماعی به جمعی که تعلق دارم اطمینان چندانی ندارم. چون به دیگران اطمینان ندارم، تنهایی را بیشتر دوست دارم. احساس می‌کنم با اعضای خانواده ام نزدیک و صمیمی نیستم. خانواده ام صمیمانه به من عشق می‌ورزند. خواهان دلبستگی به دیگران هستم. گویه‌های بعد کاهش تحمل اجتماعی دوستانم به من احترام می‌گذارند. خیلی محبوب هستم. رابطه من و دوستانم بسیار مهم است. مردم مرا تحسین و ستایش می‌کنند.	

یافته‌های پژوهش

الف) توصیف یافته‌های جمعیت شناختی

جدول ۹) توزیع فراوانی مشخصات جمعیت شناختی پاسخگویان

میانگین سن	درصد مردان	درصد زنان	میانگین اعضای خانواده	میانگین هزینه ماهیانه
۴۱/۳۹	۰/۶۸	۰/۳۲	۴	۱۶۳۶۴۱۵
وضعیت اشتغال	۵۱/۷ شاغل تمام وقت	۰/۲۱ شاغل نیمه وقت	۱۴/۳ شاغل پاره وقت	۰/۱۳ بیکار
نوع بیمه	۳۲/۳ خدمات درمانی	۶۴/۷ تأمین اجتماعی	۰/۳ سایر بیمه‌ها	-
وضعیت تأهل	۰/۷۹ متأهل	۰/۱ بدون همسر در اثر طلاق	۰/۱ بدون همسر در اثر فوت	۰/۱۹ هرگز ازدواج نکرده

به طور کلی از بین ۳۸۴ شهروندی که مورد بررسی قرار گرفتند، میانگین سن پاسخگویان ۴۱/۳۹ سال بوده، ۳۲٪ را زنان و ۶۸٪ از جمعیت نمونه را مردان تشکیل داده‌اند. میانگین تعداد اعضاء خانواده‌های نمونه مورد بررسی ۴/۱۵ نفر بوده است. بیش از نیمی از پاسخگویان ۵۱/۷٪ شاغل تمام وقت، ۲۱٪ شاغل نیمه وقت، ۳٪ شاغل پاره وقت و ۱۳٪ نیز بیکار بودند. از نظر نوع شغل، ۳۹/۳٪ از پاسخگویان دارای شغل دولتی بودند. ۴۸/۷٪ شغل آزاد داشتند. ۱۲٪ از پاسخگویان، شغل خود را اظهار نکرده‌اند. میانگین میزان هزینه متوسط ماهانه پاسخگویان ۱۶۳۶۴۱۵ تومان بوده، ۳۲/۳٪ از پاسخگویان از بیمه خدمات درمانی و ۶۴/۷٪ نیز از بیمه تأمین اجتماعی استفاده

می‌کنند. همچنین ۳٪ از پاسخگویان از سایر بیمه‌های درمانی استفاده می‌کنند. اکثر پاسخگویان یعنی ۷۹٪ ازدواج کرده دارای همسر هستند و گروه‌های ازدواج کرده فاقد همسر در اثر طلاق و ازدواج کرده فاقد همسر در اثر فوت هر کدام ۱٪ از آمار را تشکیل می‌دهند و ۱۹٪ از پاسخگویان نیز هرگز ازدواج نکرده‌اند.

جدول ۱۰) آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	دامنه امتیازات	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سلامت	۰ - ۱۰۰	۷۷/۱۷	۱۶/۳۰	۲۲/۶۴	۱۰۰
سلامت روانی اجتماعی	۰ - ۱۰۰	۷۳/۶۹	۱۸/۳۷	۲۱/۰۷	۱۰۰
سلامت جسمانی	۰ - ۱۰۰	۷۹/۳۹	۱۶/۴۹	۱۹/۳۲	۱۰۰
انزوای اجتماعی	۰ - ۱۰۰	۵۲/۰۳	۱۶/۱۹	۲۰	۱۰۰

جدول ۱۰ آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. میانگین نمرات سلامت پاسخگویان ۷۷/۱۷۶ از نمره ۱۰۰ بود که بالاتر از حد متوسط و در سطح مناسبی است. همچنین در بین مؤلفه‌های سلامت، میانگین مؤلفه روانی اجتماعی ۷۳/۶۹۶، و میانگین مؤلفه جسمانی (فیزیکی) ۷۹/۳۹۰ است. همچنین متغیر انزوای اجتماعی با میانگین ۵۲/۰۳ نشان می‌دهد که انزوای شهروندان مشهدی در سطح متوسطی می‌باشد.

جدول ۱۱) توزیع فراوانی ابعاد انزوای اجتماعی شهروندان منطقه ۱

وضعیت	تنهایی اجتماعی		عجز		یأس		کاهش تحمل اجتماعی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
پایین	۱۱۲	۲۹/۵	۱۲۱	۳۱/۵	۸۵	۲۲/۲	۱۰۷	۲۷/۸
متوسط	۱۸۷	۴۸/۴	۲۰۴	۵۳/۲	۲۶۷	۶۹/۵	۲۳۵	۶۱/۳
بالا	۸۵	۲۲/۱	۵۹	۱۵/۳	۳۲	۸/۳	۴۲	۱۰/۹
مجموع	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰

جدول ۱۱ توزیع فراوانی ابعاد انزوای اجتماعی این تحقیق را برای ما نشان می‌دهد. در توصیف بعد تنهایی اجتماعی می‌توان گفت که ۲۲/۱٪ پاسخگویان تنهایی خود را در حد بالا، ۴۸/۴٪ پاسخگویان در حد متوسط و ۲۹/۵٪ در حد پایین اعلام کرده‌اند. بنابراین تنهایی اجتماعی در اکثر پاسخگویان در حد متوسط می‌باشد. در توصیف بعد احساس عجز، می‌توان گفت که ۱۵/۳٪ پاسخگویان عجز خود را در حد بالا، ۵۳/۲٪

پاسخگویان در حد متوسط و ۳۱/۵٪ در حد پایین اعلام کرده اند. بنابراین احساس عجز در اکثر پاسخگویان در حد متوسط می باشد. در توصیف بعد یأس می توان گفت که ۸/۳٪ پاسخگویان یأس خود را در حد بالا، ۶۹/۵٪ در حد متوسط و ۲۲/۲٪ در حد پایین اعلام کرده اند. و در نهایت در توصیف بعد کاهش تحمل اجتماعی، ۱۰/۹٪ پاسخگویان تحمل اجتماعی خود را در حد بالا، ۶۱/۳٪ در حد متوسط و ۲۷/۸٪ در حد پایین اعلام کرده اند.

جدول ۱۲) توزیع فراوانی ابعاد انزوای اجتماعی شهروندان منطقه ۵

وضعیت	تنهایی اجتماعی		عجز		یأس		کاهش تحمل اجتماعی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
پایین	۶۴	۱۶/۶	۳۵	۸	۷۳	۱۹	۱۸	۵
متوسط	۱۹۸	۵۱/۵	۱۴۸	۳۸	۲۱۸	۵۶/۷	۱۹۹	۵۵
بالا	۱۲۲	۳۱/۹	۲۰۱	۵۴	۹۳	۲۴/۳	۱۶۷	۴۰
مجموع	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰

جدول ۱۲ توزیع فراوانی ابعاد انزوای اجتماعی شهروندان منطقه پنجم شهر مشهد را نشان می دهد. در بعد تنهایی اجتماعی می توان گفت که ۳۱/۹٪ پاسخگویان تنهایی خود را در حد بالا، ۵۱/۵٪ پاسخگویان در حد متوسط و ۱۶/۶٪ در حد پایین اعلام کرده اند. بنابراین می توان گفت تنهایی اجتماعی در اکثر پاسخگویان در حد متوسط می باشد. در توصیف بعد احساس عجز، ۵۴/۰٪ پاسخگویان عجز خود را در حد بالا، ۳۸/۰٪ پاسخگویان در حد متوسط و ۸/۰٪ در حد پایین اعلام کرده اند. بنابراین احساس عجز در اکثر پاسخگویان در حد بالا می باشد. در توصیف بعد یأس اجتماعی می توان گفت که ۲۴/۳٪ پاسخگویان یأس خود را در حد بالا، ۵۶/۷٪ در حد متوسط و ۱۹/۰٪ در حد پایین اعلام کرده اند. در نهایت در بعد کاهش تحمل اجتماعی، ۴۰/۰٪ پاسخگویان تحمل اجتماعی خود را در حد بالا، ۵۵/۰٪ در حد متوسط و ۵/۰٪ در حد پایین اعلام کرده اند.

جدول ۱۳) توزیع فراوانی ابعاد سلامت شهروندان منطقه یک و پنج

منطقه ۵				منطقه ۱				وضعیت
جسمانی		روانی اجتماعی		جسمانی		روانی اجتماعی		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۸/۸	۳۴	۱۶/۸	۶۴	۱/۷	۶	۳/۵	۱۳	پایین
۵۶/۴	۲۱۶	۴۸/۱	۱۸۵	۲۹/۱	۱۱۲	۳۷/۷	۱۴۵	متوسط
۳۴/۸	۱۳۴	۳۵/۱	۱۳۵	۶۹/۲	۲۶۶	۵۸/۸	۲۲۶	بالا
۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۸۴	مجموع

همچنین یافته‌های جدول ۱۳ نشان می‌دهد ۵۸/۸٪ پاسخگویان در منطقه یک شهر مشهد سلامت روانی اجتماعی خود را در حد بالا، ۳۷/۷٪ در حد متوسط و ۳/۵٪ سلامت روانی اجتماعی خود را در حد پایین اعلام کرده‌اند. در بعد سلامت جسمانی هم ۶۹/۲٪ پاسخگویان، سلامت جسمی خود را در حد بالا، ۲۹/۱٪ در حد متوسط و ۱/۷٪ در حد پایین اعلام کرده‌اند که به نسبت مشابه در منطقه پنجم شهر مشهد از وضعیت سلامت روانی اجتماعی و جسمانی مطلوب تری برخوردار می‌باشند.

به لحاظ اجتماعی می‌توان گفت افراد ساکن در منطقه ۵ به دلیل قرار گرفتن در منطقه‌ای محروم‌تر در مقایسه با نمونه انتخاب شده از منطقه ۱، احساس محرومیت نسبی بیشتری می‌کنند. این احساس محرومیت، نوعی حس طردشدگی در آنها ایجاد می‌کند و احساس می‌کنند که از سوی جامعه به آنها توجهی نمی‌شود و به همین دلیل، احساس انزوای اجتماعی و ابعاد آن در افراد ساکن در منطقه ۵ نسبت به افراد ساکن در منطقه ۱ بیشتر است. مشکلات اقتصادی - اجتماعی در بین ساکنین منطقه ۵ (به عنوان منطقه‌ای کمتر برخوردار در شهر مشهد) بیش از هر چیزی سلامت اجتماعی آنها را در معرض تهدید قرار می‌دهد و به همین دلیل در مقایسه با ساکنین منطقه ۱، از سلامت اجتماعی پایین تری برخوردارند.

بنابراین با توجه به مقایسه وضعیت انزوای اجتماعی و سلامت شهروندان مناطق (۱ و ۵) و سطح توسعه یافتگی و برخورداری از شاخص‌های خدمات شهری منطقه یک شهر مشهد، از میزان انزوای اجتماعی کمتر و سطح سلامت (روانی اجتماعی و جسمانی) بهتری نسبت به شهروندان مناطق پنج برخوردار می‌باشند.

ب) یافته‌های استنباطی

جدول ۱۴) نتایج آزمون پیرسون در مورد رابطه میان متغیرهای مستقل و سلامت

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقیاس متغیرها	نوع همبستگی	مقدار رابطه	سطح معناداری	تأیید یا رد فرضیه
انزوای اجتماعی	سلامت	فاصله ای	پیرسون	-۰/۶۱۹	۰/۰۰۱	تأیید
تنهایی اجتماعی	روانی - اجتماعی	فاصله ای	پیرسون	-۰/۵۷۳	۰/۰۰۱	تأیید
	جسمانی	فاصله ای	پیرسون	-۰/۵۱۴	۰/۰۰۱	تأیید
احساس عجز	روانی - اجتماعی	فاصله ای	پیرسون	-۰/۴۶۸	۰/۰۰۱	تأیید
	جسمانی	فاصله ای	پیرسون	-۰/۴۲۲	۰/۰۰۱	تأیید
یأس اجتماعی	روانی - اجتماعی	فاصله ای	پیرسون	-۰/۴۸۷	۰/۰۰۱	تأیید
	جسمانی	فاصله ای	پیرسون	-۰/۴۰۵	۰/۰۰۱	تأیید
تحمل اجتماعی	روانی - اجتماعی	فاصله ای	پیرسون	-۰/۳۹۸	۰/۰۰۱	تأیید
	جسمانی	فاصله ای	پیرسون	-۰/۳۶۲	۰/۰۰۱	تأیید
سن	سلامت	فاصله ای	پیرسون	۰/۰۱۳	۰/۸۲۲	عدم تأیید

جدول ۱۴ با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطه بین متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته (سلامت) نشان می‌دهد. با استناد به نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها که در جدول فوق منعکس شده است، رابطه معنادار و منفی میان انزوای اجتماعی با سلامت (-۰/۶۱۹) وجود دارد: به هر اندازه میزان روابط اجتماعی افراد کاهش یابد، بر میزان انزوا و انفعال در شبکه روابط آنها افزوده می‌گردد و این مهم سلامت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین بین ابعاد انزوای اجتماعی (تنهایی اجتماعی، احساس عجز، یأس اجتماعی و تحمل اجتماعی) با ابعاد سلامت (روانی اجتماعی و جسمانی) رابطه منفی و معناداری مشاهده گردید. در نهایت میزان همبستگی متغیر سن شهروندان با میزان سلامت آن‌ها ۰/۰۱۳ است که همبستگی ضعیفی را نشان می‌دهد و از نظر آماری نیز تایید نشده است ($P > ۰/۰۵$).

سلامت اجتماعی و انزوای اجتماعی دو متغیری هستند که مطابق با تحلیل‌های نظری، انتظار می‌رود رابطه معکوسی با هم داشته باشند. به عبارت دیگر هر چه فرد انزوای اجتماعی کمتری را حس و تجربه کند از سلامت بیشتری برخوردار است. احساس انزوای

اجتماعی باعث شکل‌گیری تفکرات منفی در فرد شده که حس بدبینی و عدم اعتماد را نیز تقویت می‌کند. مجموعه این عوامل باعث می‌شود که فرد احساس انزوای اجتماعی بیشتری کند و در نتیجه سلامت اجتماعی‌اش بیشتر به مخاطره بیفتد. همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد این وضعیت مختص به سن یا گروه سنی خاص نیست و در همه گروه‌های سنی، کم و بیش تفاوت معناداری ندارد.

جدول ۱۵) آزمون مقایسه میانگین میزان سلامت شهروندان با متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
جنسیت	مرد	۸۱/۶	۱۲/۸	۷/۴۵	۰/۰۰۱
	زن	۶۷/۷	۱۸/۸		
وضعیت تأهل	متأهل	۷۶/۸۲	۱۶/۷۶	-۱/۷۹۹	۰/۰۷۵
	مجرد	۸۰/۵۹	۱۳/۳۷		
وضعیت اشتغال	شاغل	۷۸/۷۵	۱۶/۰۱	۴/۲۵	۰/۰۰۱
	غیرشاغل	۶۶/۲	۱۸/۱۴		

نتایج حاصل از مقایسه میانگین سلامت شهروندان زن و مرد نشان داد که مردان با میانگین نمره سلامتی برابر با ۸۱/۶ به طور معناداری سطح سلامت خود را بالاتر از زنان با میانگین نمره‌ای برابر با ۶۷/۷ ارزیابی کرده‌اند. در عین حال اختلاف معناداری بین میانگین نمرات شهروندان مجرد و متأهل مشاهده نشده است. در زمینه سطح سلامت در بین شهروندان شاغل و غیرشاغل نیز همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد، میانگین نمره سلامت شهروندان شاغل برابر با ۷۸/۷۵ و میانگین نمره سلامت شهروندان غیرشاغل برابر با ۶۶/۲ بوده است. این میانگین‌ها در سطح اطمینان ۹۹٪ با یکدیگر اختلاف معنادار داشته‌اند. بنابراین شاغلین از میانگین سطح سلامت بالاتری از افراد غیرشاغل برخوردار بوده‌اند.

زنان و افراد غیرشاغل به دلیل تعاملات اجتماعی کمتری که دارند احساس انزوای اجتماعی بیشتری در آنها وجود دارد که باعث می‌شود سلامت آنها نیز تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش یابد ولی مردان و همین‌طور افراد شاغل به دلیل سطح درگیری اجتماعی روزانه، از نشاط و سلامت بالاتری برخوردارند.

تحلیل رگرسیون چندگانه

رگرسیون، روشی آماری برای پیش بینی آزمودنی‌ها یا مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است و به محقق کمک می‌کند تا درجه اهمیت هر کدام از متغیرها را شناسایی نماید. برای مطالعه تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شده است.

جدول ۱۶) ضریب تعیین رگرسیون چند متغیر

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۶۱۴	۰/۳۶	۰/۳۵

همان‌طور که نتایج جدول ۱۶ نشان می‌دهد، R یا ضریب همبستگی چندگانه (۰/۶۱۴) بدین معناست که متغیرهای مستقل داخل معادله به طور همزمان ۰/۶۱ با متغیر وابسته (سلامت) ارتباط دارند. R^2 یا ضریب تعیین به دست آمده نشان می‌دهد ۳۶٪ از واریانس متغیر سلامت از طریق متغیرهای مستقل موجود در معادله تبیین می‌شود.

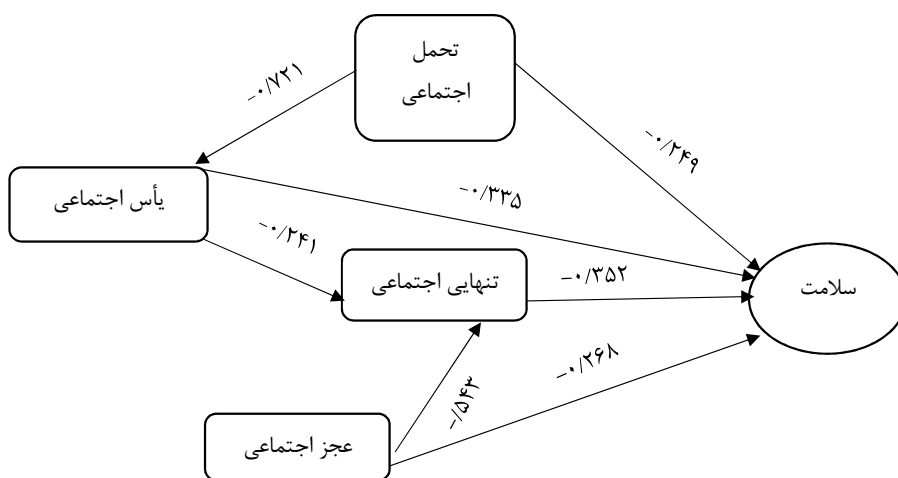
جدول ۱۷) متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون

متغیرها	ضریب بتا	مقدار تی	سطح معناداری
بعد تنهائی اجتماعی	-۰/۳۵۲	۵/۶۷	۰/۰۰۱
بعد یأس	-۰/۳۳۵	۶/۹۲	۰/۰۰۱
بعد عجز	-۰/۲۶۸	۴/۳۲	۰/۰۰۱
بعد کاهش تحمل اجتماعی	-۰/۲۴۹	۳/۱۹	۰/۰۰۱

در تحلیل رگرسیون چندگانه، ۶ متغیر تنهائی اجتماعی، یأس، عجز، کاهش تحمل اجتماعی، وضعیت اشتغال و جنسیت وارد معادله رگرسیونی شدند که طبق یافته‌های بدست آمده در جدول ۱۷، چهار متغیر تنهائی اجتماعی، یأس، عجز، کاهش تحمل اجتماعی در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند و متغیر وضعیت اشتغال و جنسیت از معادله خارج شد. طبق نتایج حاصل شده از تحلیل رگرسیون چندگانه، متغیر تنهائی اجتماعی با ضریب بتای -۰/۳۵۲ - بیشترین تأثیر را در کاهش سلامت شهروندان داشته است.

تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر سلامت

پس از بررسی روابط دو متغیره میان متغیرهای اصلی تحقیق، در این قسمت با بکارگیری تحلیل مسیر به بررسی این مسئله پرداخته می‌شود که کدام یک از متغیرهای انزوای اجتماعی، در تبیین سلامت نقش غالب تری دارند و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بیشتری بر سلامت بر جای می‌گذارند. در ادامه نتایج حاصل از اجرای تحلیل مسیر نمایش داده شده است که نتایج حاصل از اجرای مدل به شرح ذیل می‌باشد:



نمودار ۱) تحلیل مسیر آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر سلامت

نمودار ۱ تحلیل مسیر آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. همان طور که در مدل تحلیل مسیر (نمودار ۱) و نتایج تحلیل رگرسیون (جدول ۱۷) مشاهده می‌شود، متغیرهای تحمل اجتماعی، یأس، تنهایی اجتماعی و عجز بر سلامت تأثیر مستقیم دارند. شایان ذکر است در بین متغیرهای وارد شده در مدل تحلیل مسیر، متغیر تنهایی اجتماعی با ضریب $-۰/۳۵۲$ بیشترین اثر مستقیم و متغیر احساس عجز با ضریب $-۰/۱۹۱$ بیشترین تأثیر غیرمستقیم را بر سلامت داشته‌اند.

جدول (۱۸) ضرایب مسیر مستقیم، غیرمستقیم و کل تحلیل مسیر

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
تحمل اجتماعی	-۰/۲۴۹	۰/۱۸۰	-۰/۰۶۹
یأس اجتماعی	-۰/۳۳۵	۰/۰۸۴	۰-/۲۵۱
تنهایی اجتماعی	-۰/۳۵۲	-	-۰/۳۵۲
احساس عجز	-۰/۲۶۸	-۰/۱۹۱	-۰/۰۷۷

با در نظر گرفتن مجموع آثار (اثر کل) هر متغیر اعم از اثر مستقیم و غیرمستقیم می‌توان گفت متغیر تنهایی اجتماعی با اثر کل -۰/۳۵۲ بیشترین تأثیر را بر سلامت دارد. انسان موجودی است که تمایل به حضور در جمع را دارد. ضمن اینکه حضور در اجتماعات انسانی به دلایل مختلفی به ارتقای سلامت اجتماعی کمک می‌کند. از این رو هر چه فرد تنهایی اجتماعی بیشتری احساس کند سلامت او نیز به تبع آن، کاهش می‌یابد.

نتیجه

سلامت، پدیده‌ای است که مورد توجه و علاقه تمامی انسان‌ها، گروه‌های اجتماعی و جوامع بشری قرار گرفته است. امروزه زندگی شهری و اقتضائات آن، افراد را با فشارهای روانی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی مواجه کرده است که این مسأله، موضوع سلامت را کانون توجه بسیاری از مطالعات چون مطالعه حاضر قرار داده است.

تحقیق حاضر که با هدف بررسی نقش احساس انزوای اجتماعی در سلامت شهروندان شهر مشهد صورت گرفته است با روش پیمایش، تعداد ۳۸۴ نفر از شهروندان شهر مشهد را مورد مطالعه قرار داده است.

نتایج پژوهش در بعد توصیفی نشان دادند که میانگین انزوای اجتماعی در میان شهروندان مشهدی، ۵۲/۰۳ بوده است؛ بدین معنا که شهروندان، انزوای اجتماعی را در سطح متوسط تجربه می‌کنند. بالاترین میزان انزوای شهروندان مناطق یک شهر مشهد در بعد تنهایی اجتماعی و انزوای شهروندان منطقه پنج در بعد احساس عجز مشاهده می‌شود. همچنین در زمینه سلامت، یافته‌ها نشان داد که میانگین شاخص کل این متغیر، (۷۷/۱۷۶ از ۱۰۰) بالاتر از حد متوسط و در سطح مناسبی قرار داشت. از آنجا

که اکثریت جمعیت در نمونه مورد بررسی با توجه به ساخت جمعیتی ایران، جمعیتی بین ۳۰ تا ۴۵ سال بوده و میانگین سن جمعیت مورد مطالعه ۴۱/۳۹ بوده است انتظار می‌رفت سلامت از حد متوسط بالاتر باشد. مقایسه وضعیت انزوای اجتماعی و سلامت شهروندان مناطق (۱ و ۵) شهر مشهد نشان داد که منطقه یک به دلیل برخورداری از وضعیت توسعه یافتگی و خدمات شهری، از میزان انزوای اجتماعی کمتر و سطح سلامت (روانی اجتماعی و جسمانی) بهتری نسبت به شهروندان منطقه پنج برخوردار بودند.

در بعد تحلیلی، یافته‌ها نشان دادند که رابطه‌ای معنادار و منفی (۰/۶۱۹-) میان متغیرهای انزوای اجتماعی و سلامت وجود دارد. این یافته در تطابق با نتایج مطالعات کلانتری و دیگران (۱۳۹۴)، افشانی و شیرینی محمدآباد (۱۳۹۴)، روهد و دیگران (Rohde & et al, 2016) آلپس و نویل (Alpass & Neville, 2003)، مارتینا و استیونز (Martina & Stevens, 2006) و کورنول و وایت (Cornwell & Waite, 2009) است. طبق نظریات دورکیم مشارکت در امور گروه یا جامعه می‌تواند منجر به افزایش احساس و تعلق به گروه و جامعه شود و هر چه احساس نزدیکی و پیوند فرد با گروهش قوی‌تر باشد، احتمال انزوا و به خطر افتادن سلامتی فرد کاهش می‌یابد. از جانی با به کارگیری رویکرد شبکه، انزوای اجتماعی در رابطه با وسعت شبکه‌های روابط اجتماعی که هر فرد با آن درگیر است، تعریف شد؛ چرا که وجود شبکه‌های اجتماعی به صورت حائلی در مقابل عوامل فشارزای درونی عمل می‌کند که با فراهم آوردن حمایت اثر بسیار مؤثری بر عزت نفس افراد و افزایش توان مقابله با مشکلات و افسردگی‌ها داشته و در نهایت به احساس سلامت منجر می‌گردد.

همچنین بین ابعاد انزوای اجتماعی با ابعاد سلامت (روانی اجتماعی و جسمانی) رابطه منفی معناداری مشاهده گردید بطوری که سهم اثرگذار مؤلفه‌های آن بر سطوح سلامت شهروندان بدین قرار بوده است:

رابطه تنهائی اجتماعی با بعد روانی اجتماعی ۰/۵۷۳- و با بعد جسمانی ۰/۵۱۴-، احساس عجز با بعد روانی اجتماعی ۰/۴۶۸- و با بعد جسمانی ۰/۴۲۲-، یأس اجتماعی با بعد روانی اجتماعی ۰/۴۸۷- و با بعد جسمانی ۰/۴۰۵- و در نهایت بعد کاهش تحمل اجتماعی با بعد روانی اجتماعی ۰/۳۹۸- و با بعد جسمانی ۰/۳۶۲- بوده است.

همچنین نتایج سایر فرضیه‌ها نشان داد که بین وضعیت اشتغال از نظر سلامت تفاوت معناداری وجود داشت و افراد شاغل از سلامت بیشتری نسبت به افراد غیر شاغل برخوردار بودند که با نتایج حاصل از بررسی افشانی و شیری محمدآباد (۱۳۹۴)، یزدان پناه و نیک‌ورز (۱۳۹۴)، کییز و شاپیرو (Keyes & Shapiro, 2004) همسو است. از نظر جنسیت مردان نسبت به زنان از وضعیت سلامت بالاتری برخوردار بودند که با نتایج افشانی و دیگران (۱۳۹۳)، شربتیان (۱۳۹۱) همخوانی داشت. اما بین میزان سلامت شهروندان بر حسب سن تفاوت معناداری مشاهده نشد که در تضاد با نتایج تحقیقات سفیری و منصوریان راوندی (۱۳۹۲)، زکی و خشوعی (۱۳۹۲) بود و همچنین بین وضعیت تأهل و سلامت تفاوت معناداری مشاهده نگردید که با تحقیقات نوریان نجف‌آبادی و جهانگیر (۱۳۹۰) و حسینی و دودمان فیروزسالاری (۱۳۸۹) همسو بود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه تحقیق نشان داد متغیرهای مستقل تحقیق ۳۶٪ از واریانس تغییرات متغیر وابسته (سلامت) را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج تحلیل مسیر تحقیق نشان داد که متغیر تنهایی اجتماعی با ضریب $-0/352$ بیشترین اثر مستقیم را در سلامت شهروندان داشت. در مجموع، نتایج مطالعه حاضر بیانگر این است که روابط اجتماعی در جامعه مدرن برای عملکرد اجتماعی و روانی انسان‌ها ضروری بوده و افرادی که نمی‌توانند در جامعه مشارکت داشته باشند، قادر به ساختن و حفظ روابط معنادار نیز نیستند، گرفتار انزوای اجتماعی شده و از منابع حاصل از روابط محروم می‌گردند و فقدان این شبکه‌های حمایتی، منجر به افزایش اضطراب گشته و دوره‌های بحران، تنش و اختلالات روانی را به همراه می‌آورد. بنابراین با توجه به نتایج مؤلفه‌های تأثیرگذار از تحلیل رگرسیون در ارتباط با کاهش انزوای اجتماعی و تقویت سلامت شهروندان می‌توان پیشنهادهایی عملیاتی و کاربردی را برای حوزه برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی به طور خلاصه اینگونه نوشت:

➤ اجرای برنامه‌های جمعی و اجتماع محور در راستای کاهش انزوای اجتماعی توسط ادارات ذیربط نظیر سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری و ارشاد و دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری؛

➤ برنامه‌ریزی برای بهینه‌سازی استفاده از اوقات فراغت بویژه برای زنان و جوانان

توسط سازمان‌ها و نهادهای مرتبط؛

➤ افزایش فضاهای تعاملات اجتماعی در سطح شهر نظیر فرهنگ‌سراها و کتابخانه‌های عمومی.

منابع

- افشانی، سیدعلیرضا، و دیگران (۱۳۹۳). "بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد". *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال هشتم، ش ۱۴ (بهار و تابستان): ۸۳-۱۰۳.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ شیری محمدآباد، حمیده (۱۳۹۴). "بررسی رابطه میزان احساس انزوای اجتماعی و سلامت اجتماعی زنان شهر یزد". در: *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی*. کرج: ۲-۱۰.
- بدری، سیدعلی؛ طیبی، صدرالله (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مؤثر بر هزینه‌های گردشگری مذهبی (مطالعه موردی: شهر مشهد مقدس)". *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، سال اول، ش ۱ (تابستان): ۱۵۳-۱۷۷.
- پورموسوی، سیدموسی؛ صفاوردی، مرضیه (۱۳۹۴). "بررسی تأثیرات آلودگی بصری بر سلامت شهروندان تهران". در: *مجموعه مقالات اولین کنگره علمی-پژوهشی افق‌های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری، فرهنگ و مدیریت شهری ایران*. تهران: انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین: ۲-۱۳.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود؛ امیرکافی، مهدی (۱۳۸۳). "تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی". *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، ش ۲ (تابستان): ۳-۳۱.
- حاتمی‌نژاد، حسین، و دیگران (۱۳۹۶). "سطح‌بندی مناطق شهر مشهد بر اساس میزان برخورداری از خدمات شهری با استفاده از تکنیک ویکور". *فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی*، سال هفدهم، ش ۵۷ (بهار): ۱-۱۷.
- حسینی، سیداحمد؛ دودمان فیروزسالاری، سمانه (۱۳۸۹). "نقش حمایت اجتماعی

- در میزان سلامت روان کارمندان جوان شهرداری تهران". برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال اول، ش ۳ (تابستان): ۱۱۱-۱۴۴.
- حیاتی، سلمان (۱۳۹۱). "تحلیل شاخص‌های رشد هوشمند شهری در مشهد". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ذالی آرالو، محمد؛ علایی، محسن (۱۳۹۳). "بررسی میزان سلامت اجتماعی در میان معلمان دوره ابتدایی شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مرتبط با آن". *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال ششم، ش ۲۲ (بهار): ۱۲۳-۱۴۰.
- رکنی‌پور، طاهره؛ سیادت، علی (۱۳۹۲). "بررسی مفهوم از خودبیگانگی از منظر جامعه‌شناسی و روانشناسی". *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال اول، ش ۶۲ (بهار): ۷۱-۸۲.
- زکی، محمدعلی؛ خشوعی، مریم‌السادات (۱۳۹۲). "سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان". *مطالعات جامعه‌شناختی شهر*، سال سوم، ش ۸ (پاییز): ۷۹-۱۰۸.
- سالنامه آمار شهر مشهد ۱۳۹۶ (۱۳۹۷). معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد، با نظارت مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات. مشهد: شهرداری مشهد.
- سام‌آرام، عزت‌الله (۱۳۸۸). "بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور". *انتظام اجتماعی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۹-۲۹.
- سفیری، خدیجه؛ منصوریان راوندی، فاطمه (۱۳۹۲). "عنوان تبیین رابطه هویت جنسیتی و سلامت اجتماعی زنان و مردان جوان شهر تهران". *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و پنجم، ش ۱ (بهار): ۵۱-۷۰.
- سیف‌زاده، علی؛ حقیقتیان، منصور؛ مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۶). "رابطه انزوای اجتماعی و سلامت در بین سالمندان تهرانی". *آموزش و سلامت جامعه*، سال چهارم، ش ۳ (پاییز): ۱۹-۲۵.

- شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۱). "تأملی بر پیوند معنایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از سلامت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مشهد". *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، دوره دوم، ش ۵ (بهار): ۱۴۹-۱۷۴.
- شربتیان، محمد حسن؛ ایمنی، نفیسه (۱۳۹۶). "تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان منطقه چهار شهری تهران)". *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره هشتم، ش ۳۰ (بهار): ۱۰۵-۱۴۰.
- شهرداری منطقه پنج مشهد. [پیوسته] قابل دسترس در:
<https://zone5.mashhad.ir> [1397/5/3]
- شهرداری منطقه یک مشهد. [پیوسته] قابل دسترس در:
<https://zone1.mashhad.ir> [1397/5/3]
- فولادیان، احمد (۱۳۹۴). "بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد". *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال پنجم، ش ۱۷ (بهار): ۱۲۵-۱۴۴.
- کلانتری، عبدالحسین، و دیگران (۱۳۹۴). "انزوا و سلامت: بررسی ارتباط میان انزوای اجتماعی و سلامت روان شهروندان ۱۸+ سال تهرانی با عطف توجه به نقش میانجی‌گرانه حمایت اجتماعی". *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال چهارم، ش ۶ (بهار و تابستان): ۸۹-۱۱۶.
- کلانتری، عبدالحسین؛ حسینی‌زاده آرانی، سعید (۱۳۹۴). "دین، سلامت روان و احساس تنهایی: بررسی نسبت میان میزان دینداری و سلامت روان با احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)". *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و ششم، ش ۴ (زمستان): ۲۵-۴۴.
- کوششی، مجید، و دیگران (۱۳۹۵). "تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت سالمندان ۶۰ سال و بالاتر در مناطق شهری مشهد". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره سیزدهم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۰۹-۱۲۹.

- گزیده شاخص‌های جمعیتی شهر مشهد (۱۳۹۶). معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد، با نظارت مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات. مشهد: شهرداری مشهد.
- مدرسی یزدی، فائزه سادات؛ فرهنگد، مهناز؛ افشانی، سید علیرضا (۱۳۹۶). "بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دختران مجرد بالای سی سال شهر یزد)". *مسائل اجتماعی/ایران*، سال هشتم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۲۱-۱۴۴.
- ناطقی، زکیه؛ افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۹۵). "بیگانگی اجتماعی و گرایش به رفتارهای پر خطر (مطالعه موردی: شهر مشهد)". *پژوهشنامه مددکاری/اجتماعی*، سال سوم، ش ۱۰ (زمستان): ۱۰۷-۱۴۴.
- نجفی، محمود، و دیگران (۱۳۹۰). "مقایسه سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان بر حسب میزان احساس تنهایی". *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، سال دوم، ش ۵ (بهار): ۱۱۵-۱۳۴.
- نوریان نجف‌آبادی، محمد؛ جهانگیر، نرجس (۱۳۹۰). "رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و سلامت روانی (مطالعه موردی: معلمان شهرستان تیران و کرون)". *جامعه‌شناسی تاریخی*، سال سوم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۳۵-۵۹.
- همتی علمدارلو، قربان، و دیگران (۱۳۸۸). "مقایسه احساس تنهایی و سلامت عمومی در سالمندان ساکن خانواده و سرای سالمندان مناطق شمال شهر تهران". *سالمند/ایران*، سال سوم، ش ۲ (تابستان): ۵۵۷-۵۶۴.
- هورتولانوس، رلوف؛ مشیلز، انجا؛ میوسن، لودوین (۱۳۹۴). *انزوای اجتماعی در جامعه مدرن*. ترجمه لیلا فلاحی سرابی و صادق پیوسته. تهران: جامعه‌شناسان.
- یزدان‌پناه، لیلا؛ نیک‌ورز، طیبه (۱۳۹۴). "رابطه عوامل اجتماعی با سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان". *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و ششم، ش ۳ (بهار): ۹۹-۱۱۶.

- Alpass, F. M.; Neville, S. (2003). "Loneliness, health and depression in older males". *Aging & mental health*, Vol. 7, No. 3: 212-216.
- Cornwell, E. Y.; Waite, L. J. (2009). "Measuring social isolation among older adults using multiple indicators from the NSHAP study". *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, Vol. 64: 38-46.
- House, J. S. (2001). "Social isolation kills, but how and why?" *Psychosomatic medicine*, Vol. 63, No. 2: 273-274.
- Keyes, C. L. M.; Shapiro, A. (2004). Social Well-being IN the U.S.: A Descriptive Epidemiology, *Healthing Are You? A National Study OF Well-being of Midlife*. Chicago: University Of Chicago Press.
- Li, T.; Zhang, Y. (2015). "Social network types and the health of older adults: Exploring reciprocal associations". *Social Science & Medicine*, Vol. 130: 59-68.
- Martina, C. M. S.; Stevens, N. L. (2006). "Breaking the cycle of loneliness? Psychological effects of a friendship enrichment program for older women". *Aging and mental health*, Vol. 10, No. 5: 467-475.
- Meng, T., & Chen, H. (2014). "A multilevel analysis of social capital and self-rated health: evidence from China". *Health & place*, Vol. 27, 38-44.
- Mora, D. C., et al. (2014). "Social isolation among Latino workers in rural North Carolina: exposure and health implications". *Journal of immigrant and minority health*,

Vol. 16, No. 5: 822-830.

- Rohde, N., et al. (2016). "Estimating the mental health effects of social isolation." *Applied research in quality of life*, Vol. 11, No. 3: 853-869.
- Waterworth, P., et al. (2014). "The effect of social support on the health of Indigenous Australians in a metropolitan community". *Social science & medicine*, Vol. 119: 139-146.
- WHO (2007). Promoting Mental Health: A report of the world health organization. Melbourne: University of Melbourne, Department of Mental Health.

معرفی دو اقرابادین باقیمانده از قرن دوازدهم هجری (قربادین کبیر و قربادین صالحی)

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲

شماره صفحه: ۴۵-۶۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۰

ندا پورمحمود^۱

مصطفی گوهری فخرآباد^۲

چکیده

قربادین یا اقرابادین، به کتاب‌ها و آثاری اطلاق می‌شود که اطلاعات مربوط به انواع داروهای مرکب، چگونگی تهیه، موارد استفاده و همچنین شیوه کاربرد آن‌ها را دربردارد. پزشکان و داروشناسان مسلمان در جریان نهضت ترجمه آثار داروشناسی سرزمین‌های دیگر بویژه یونان را به عربی ترجمه کردند و در طی قرن‌های بعد دانشمندان مسلمان نیز کتاب‌های قربادین به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی تألیف کردند. در قرن دوازدهم هجری قمری/ هجدهم میلادی، هنوز دانش پزشکی دانشمندان گذشته بویژه در سرزمین هند پویایی داشت و تألیفات طبی و دارویی ارزشمندی به سبک قدیم به رشته تحریر درآمد که از جمله مهم‌ترین این آثار، دو کتاب *قربادین کبیر* اثر محمدحسین عقیلی علوی خراسانی و *قربادین صالحی* از صالح بن محمد صالحی قاینی هروی بود. هدف این پژوهش معرفی و بررسی محتوای این دو اثر شامل معرفی مؤلف، منابع مورد استفاده، بخش‌ها، نسخه‌های خطی و چاپی، جنبه‌های اشتراک و تمایز آن‌ها به روش توصیفی و با محوریت استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

قربادین کبیر که در نوع خود یکی از قربادین‌های جامع نوشته شده تا به امروز است و *قربادین صالحی* که در زمره‌ی ارزشمندترین قربادین‌ها به شمار می‌آید، به زبان فارسی است و به طور کلی به بیان ساخت داروهای مرکب در طب سنتی اختصاص دارد.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

Neda.purmahmud@gmail.com

۲. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی

Ghohari_Fa@um.ac.ir

این آثار می‌توان به اطلاعات جامعی در پزشکی و داروسازی ایران و دیگر سرزمین‌ها، روش‌های جدید در ساخت دارو و درمان بیماری‌ها، زمینه‌های ورود طب غربی به ایران، استفاده از واژگان تازه در نام‌گذاری برخی از داروها و ... دست یافت.

واژگان کلیدی: قرابادین، قرابادین کبیر، قرابادین صالحی

مقدمه

قرابادین، نامی کلی برای دسته‌ای از کتاب‌ها به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی است که شناخت انواع مختلف داروهای مرکب، چگونگی ترکیب و کاربرد آن‌ها را دربرمی‌گیرد. کلمه قرابادین، قراباذین، قرافاذین، آقرابادین، اقراباذین، قربدین و قربذین (نفیسی، بی‌تا، ج ۴: ۲۶۳؛ منشی طوسی و دیگران، ۱۳۷۰: ۴۵۲؛ بیگ افندی، بی‌تا، ج ۷: ۱۴۸) از ریشه سریانی کرافیدین^۱ و آن نیز برگرفته از واژه یونانی γραφίδιον به معنای رساله مختصر است (LEWIN. b, 1960: 344).

اطلاعات پزشکان و داروشناسان مسلمان درباره داروشناسی و کاربرد وسیع داروهای گیاهی، حیوانی و معدنی بویژه تا قرن سوم هجری/نهم میلادی بیشتر مبتنی بر ترجمه آثار پزشکی و داروشناسی مصر، ایران، هند و بویژه یونان بود (خبیری، ۱۳۹۶: ۹۵). اما به تدریج با گسترش قلمرو اسلامی پزشکان و داروشناسان خود را ملزم به آشنایی با داروهای گیاهی، حیوانی، معدنی و ترکیب آن‌ها با یکدیگر دانسته و علاوه بر نگارش کتاب‌هایی تحت عنوان *الادویه المفردة* یا *مفردات* برای شناسایی داروهای ساده و غیرترکیبی (عقیلی خراسانی شیرازی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۳) به قرابادین‌ها نیز به عنوان بخشی جدا از طب اهمیت دادند و با گذر زمان کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری با عنوان قرابادین پدید آوردند. در قرن دوازدهم هجری نگارش کتاب‌های قرابادین بیشتر در سرزمین هند جریان داشت. چراکه در اواسط دوره صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ ق/ ۱۵۰۲-۱۷۲۳ م) به سبب عوامل نامساعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و همچنین محدودیت‌های مذهبی بسیاری از دانشمندان بویژه پزشکان ایرانی به مناطق شرقی تر و به هند مهاجرت کردند. اگرچه

قربادین‌های ارزشمند دیگری نیز به غیر از سرزمین هند در دیگر نقاط جهان اسلام به رشته تحریر درآمد (الگود، ۱۳۵۷: ۸۵). از جمله مهمترین قربادین‌های نوشته شده در این قرن، دو کتاب قربادین از دو نویسنده اهل خراسان، به نام‌های *قربادین کبیر* اثر محمدحسین عقیلی علوی خراسانی و *قربادین صالحی* از صالح بن محمد صالحی قایینی هروی است. با عنایت به اهمیت این دو اثر و اینکه تاکنون پژوهش مستقل و کاملی درباره آن‌ها انجام نشده است، مطالعه و تحقیق در این موضوع ضروری می‌نماید. اگرچه این دو کتاب درباره به کارگیری انواع مواد گیاهی، معدنی و حیوانی در ساخت داروها است اما با مطالعه آن‌ها می‌توان به اطلاعات مهمی مانند زمینه‌های ورود طب غربی به ایران در کتاب *قربادین کبیر* و روش‌های نوین داروسازی در کتاب *قربادین صالحی* دست یافت که در جای خود به تفصیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

این مقاله برآن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- اقربادین‌های مورد مطالعه از بعد محتوایی و سبک بندی دربردارنده چه مباحثی است؟
 - ۲- وجوه اشتراک و تمایز این اقربادین‌ها چیست؟
- در ارتباط با کتاب *قربادین کبیر* و *قربادین صالحی*، امینی (۱۳۸۷) در مقاله خود تحت عنوان "قربادین" تنها نام این دو اثر و نویسنده آن‌ها را ذکر کرده است. همچنین رضوی برقی (۱۳۸۳) در مقاله "زیست‌نگاری و نوشتارهای عقیلی خراسانی"، انصاری (۱۳۶۹) در مقاله "برخی از منابع فارسی در پزشکی و داروشناسی"، و قهرمان (۱۳۸۴) در مقاله "تاریخ شناخت گیاهان دارویی" تنها نام *قربادین کبیر* و نویسنده آن را ذکر کرده‌اند.

در مقاله "قربادین (اقربادین) نویسی و جایگاه الاقربادین الکبیر شاپور بن سهل کوسج به عنوان اولین قربادین در تمدن دوره‌ی اسلامی"، به قلم بیگ باباپور و مرعشی (۱۳۹۴)، نویسندگان فهرستی اجمالی از مطالب *قربادین کبیر* و *قربادین صالحی* را آورده‌اند. بنابراین با توجه به کمبود اطلاعات درباره این دو اثر، این تحقیق در صدد آن است تا به معرفی مؤلفان و بررسی محتوای آن‌ها بپردازد.

۱- قرابادین کبیر

۱-۱- معرفی مولف

محمدحسین خان بهادر بن میر محمدهادی عقیلی علوی خراسانی شیرازی از پزشکان مشهور در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری / اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی بود. در ارتباط با سال تولد و وفات وی اطلاعات دقیقی در دست نیست. همچنین در اینکه وی تبار خراسانی یا شیرازی داشت نیز اختلاف نظر وجود دارد (مشار، ۱۳۴۰، ج ۲: ۹۱۲؛ سرمدی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۱۱).

با توجه به شواهد موجود در آثارش (عقیلی خراسانی شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۵۷؛ همان، ۱۲۶۰: ۶۸۲)، می‌توان نتیجه گرفت که وی در خراسان متولد شد، ساکن شهر شیراز بود و سپس به شبه قاره هند مهاجرت کرد و با توجه به این مسأله به نظر می‌رسد کتاب *قرابادین کبیر* را نیز در همین سرزمین نگاشت (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵). عقیلی خراسانی در علوم مختلفی همانند طب، نجوم، طبیعیات، ادب و همچنین در کثرت تألیفات از دیگر حکیمان زمان خود سرآمد بود (تبریزی، ۱۳۴۴: ۳۴۲) که این امر علاوه بر تلاش شخصی او، در نتیجه رشد در خانواده‌ای پزشک پرور و همچنین تحصیل نزد اساتید و پزشکانی برجسته بود که در کتب خویش از آنان یاد کرده است (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹-۲۶). از دیگر آثار مهم او می‌توان به *خلاصه الحکمه*، *مخزن الادویه* و *جوامع المعالجات* و ... اشاره کرد.

۲-۱- معرفی قرابادین کبیر

قرابادین کبیر، کتابی درباره شناخت داروها، چگونگی ترکیب، کاربرد و خواص آن‌ها، به فارسی است. این اثر به نام‌های *ذخائر التراکیب* (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵، ج ۱۷: ۶۳؛ مشار، ۱۳۵۲، ج ۲: ۲۸۹۸؛ نوشاهی، ۱۳۶۲: ۱۱۱؛ میر، بی‌تا: ۷۳؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۲۵: ۸۵؛ نجم‌آبادی، ۱۳۴۲: ۶۱۵)، *قرابادین مجمع الجوامع* (منزوی، ۱۴۲۴ق.، ج ۱: ۷۲۹)، *قرابادین عقیلی* (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۱) و *قرابادین علوی* (منزوی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۶۴۰) نیز معروف است.

قر/بادین کبیر در دو مجلد طی سال‌های ۱۱۸۵-۱۱۹۵ق/۱۷۷۱-۱۷۸۱م به رشته تحریر درآمد (مشار، ۱۳۴۰، ج ۲: ۹۱۲؛ تبریزی، ۱۳۴۴: ۳۴۲؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۲۵: ۸۵) و در واقع مجلد سوم و اولین بخش نگاشته شده از کتاب دیگر عقلی خراسانی تحت عنوان مجمع/الجوامع به حساب می‌آید (نوشاهی، ۱۳۶۲: ۱۱۱) که آن را به دستور استادش میر محمد علی حسینی (نجم‌آبادی، ۱۳۴۲: ۶۱۵؛ عرفانیان، بی‌تا، ج ۱۹: ۴۹۰) در پی تکمیل کتاب دایی پدرش یعنی حکیم میر محمد هاشم شیرازی (مرگ: ۱۱۶۲ق/۱۷۴۹م) که آن هم مجمع/الجوامع نام داشت و ناتمام مانده بود، تألیف کرد (عقلی خراسانی شیرازی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱؛ منزوی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۶۴۰).

۳-۱- منابع مؤلف

عقلی خراسانی در تألیف قر/بادین کبیر، علاوه بر استفاده از تجربیات شخصی و خانوادگی و همچنین کسب آگاهی از حکیمان معاصر خود و افراد مطلع در زمینه پزشکی و داروسازی، به مشاهیر کتاب‌های طبی از قبیل *الصیدنة فی الطب* منسوب به ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۲ق/۹۷۳-۱۰۵۱م)، *قانون* منسوب به ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ق/۹۸۰-۱۰۳۷م)، *الجامع لمفردات الادویة و الاغذیة* منسوب به ابن بیطار مالقی (۵۹۳-۶۴۶ق/۱۱۹۷-۱۲۴۸م)، *ما لایسع للطیب جهله* منسوب به ابن الکتبی (مرگ: ۷۵۴ یا ۷۵۵ق/۱۳۵۳ یا ۱۳۵۴م)، *اختیارات* بدیعی منسوب به علی بن حسین انصاری (۷۳۰-۸۰۶ق/۱۳۳۰-۱۴۰۳م)، *تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجائب* منسوب به داود الضریر الانطاکی (مرگ: ۹۹۰ یا ۱۰۰۵ یا ۱۰۰۷ یا ۱۰۰۸ق/ ۱۵۸۲ یا ۱۵۹۶ یا ۱۵۹۸ یا ۱۵۹۹م)، *تحفة المؤمنین* منسوب به حکیم مومن تنکابنی (قرن یازدهم هجری/ هفدهم میلادی)، *اختیارات قاسمی* منسوب به حکیم هندوشاه استرآبادی (قرن یازدهم هجری/ هفدهم میلادی) و ... توجه خاص داشته است (سرمدی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۰۱؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۲۵: ۸۵).

۴-۱- بخش بندی قرابادین کبیر

قرابادین کبیر در مجموع شامل يك مقدمه و بیست و هشت بخش است. مقدمه حاوی بیست فصل و بخش‌های کتاب که بر اساس حروف تهجی (الفبای عربی) تدوین شده است، هریک شامل چند فصل می‌شود. به بیان دقیق‌تر جلد اول این اثر حاوی مقدمه و بخش‌های "الف" تا "ج" و جلد دوم حاوی بخش "ح" تا "ی" و خاتمه کتاب تحت عنوان خاتمه در بیان ادویه جدید و خواص و منافع و طرق استعمال آنها است.

مقدمه در بیان کلیاتی شامل مفهوم غذا، دارو، غذاهایی که خاصیت دارویی دارند، پادزهر، سم، داروها و غذاهای سمی، مزاج و انواع آن، شناخت مزاج داروها و غذاها، علت ترکیب داروها، کیفیت و مقدار مناسب مواد در تهیه داروهای ترکیبی، شناخت مزاج داروهای ترکیبی، مقدار مصرف داروها، تاریخ انقضای داروهای مفرد و ترکیبی، علل اختلاف نظر پزشکان در بیان خواص داروها، راه‌های بدست آوردن داروها از طبیعت (معدنی، گیاهی، حیوانی) و طریقه نگهداری از آنها، آداب خوردن و نوشیدن، روش‌های کلی تهیه مواد اولیه دارویی شامل احراق^۱، تحمیس^۲، تشویه^۳، قلی^۴ و غسل^۵ برخی اصطلاحات پزشکی به ترتیب حروف الفبا، اسامی برخی بیماری‌ها به ترتیب حروف الفبا، اوزان و مکیال مخصوص اندازه‌گیری داروها در طب ایران و هند به ترتیب حروف الفبا و کلیاتی درباره علم نجوم و طبیعیات است. در آخرین فصل مقدمه، مولف شرحی از اسناد پزشکی دایی و پدر خود را ذکر می‌کند (عقیلی خراسانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴-۱۲۲).

در بخش اصلی این اثر، هر حرف به اصطلاح مؤلف در یک کتاب و هر کتاب بر حسب حرف دوم واژه‌ها در چند باب و هر باب در چندین فصل تدوین شده است. در این بخش‌ها مؤلف در ابتدا نحوه تلفظ و معادل نام داروها را که در کتاب اغلب به صورت معرب معرفی شده به زبان‌های دیگر همانند فارسی، هندی، ترکی، یونانی و ... آورده است. سپس به بیان منافع، مضرات، خواص درمانی، شیوه‌های مختلف ساخت، اجزاء

۱. حرارت دادن (دهخدا، ذیل "احراق")

۲. جوشاندن داروها (دهخدا، ذیل "تحمیس")

۳. حرارت دادن داروها (دهخدا، ذیل "تشویه")

۴. سوزاندن، برشته کردن داروها (دهخدا، ذیل "قلی")

۵. خیساندن و همچنین شستن مواد دارویی برای گرفتن ناخالصی از آنها (دهخدا، ذیل "غسل")

تشکیل دهنده و مقدار مناسب از هر جزء در تهیه داروهای ترکیبی می‌پردازد. در برخی موارد وی روش ساخت دارو از پزشکان مشهور آن روزگار را نیز ضمیمه مطالب خود کرده است. همچنین مقدار و زمان مناسب در مصرف هر دارو از دیگر مطالب بخش‌های این کتاب است (عقیلی خراسانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۲۲-۷۳۲، ج ۲: ۱۱۱۶-۷۳۴). به عنوان نمونه مؤلف درباره آبار^۱ چنین گفته است:

«اسم رصاص اسود^۲ محرق است و بیونانی امولیقون نامند و گویند که امولیقون اسم رومی آبار است و همچنین اسرنج^۳ و مرداسنج^۴ نیز از سوخته رصاص اسود حاصل میشود و بزعم شیخ الرئیس آبار اسم رصاص اسود است و بالجمله رصاص اسود است و بالجمله رصاص اسود محرق سرد و خشک است و ذرور^۵ مغسول آن جهت حرقت چشم و جوشش آن و جراحات خصیه^۶ و اعصاب و بواسیر و زخمهای کهنه و طلای آن با روغن کل سرخ جهت قروح^۷ مقعده و تحلیل صلابات از اورام و باسور^۸ و غیرهما بدان قسم که آن مقدار بسایند که غلیظ گردد و اگر در ظرف اسرب با آب کشنیز تازه بمالند بهتر است و با سرکه بجهت تحلیل ورمهای حاره نافع و بدلش اسرنج و خوردنش کشنده و اشیاف آبار^۹ از ادویه مقرره چشم است» (عقیلی خراسانی شیرازی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۲۲).

در ادامه نویسنده دستور عمل آبار را اینگونه بیان کرده است:

"دستور عمل آبار یعنی رصاص اسود محرق که آن را بفارسی سرب نامند بکیرند آن را و پهن کرده صفحه‌های باریک سازند و بر بالای هم چیده بر روی هر صفحه قدری کبریت بپاشند و قدر کبریت باید بازای هر صد مثقال پنج دانگ زیاده نباشد پس آتش کرده با پارچه آهنی برهم زنند تا خاکستر شود و چیزی از سرب نماند و از بخار آن محترز باشند که باعث غشی و هلاکت می‌گردد و بعضی بجای کبریت سفیداب می‌کنند" (همانجا).

۱. دارویی که از سرب و گوگرد تهیه می‌شد و در چشم پزشکی کاربرد داشت (دهخدا، ذیل "آبار")

۲. سرب سیاه (دهخدا، ذیل "رصاص اسود")

۳. سرب سوخته است که آن را بتفساندند تا سرخ شود و نمک بر آن کنند (دهخدا، ذیل "اسرنج")

۴. مردارسنگ (دهخدا، ذیل "مرداسنج")

۵. داروی خشک و سوده که بر روی چشم یا بر روی جراحات بریزند (دهخدا، ذیل "ذرور")

۶. بیضه (دهخدا، ذیل "خصیه")

۷. زخم (دهخدا، ذیل "قروح")

۸. بیماری است که در مقعد حاصل شود و جمع آن بواسیر است (دهخدا، ذیل "باسور")

۹. دوايي است برای چشم (دهخدا، ذیل "اشیاف آبار")

مؤلف از طب و روند آن در سرزمین‌های دیگر بی‌خبر نبوده و آخرین بخش کتاب را به معرفی و ذکر خواص، منافع و روش استفاده از داروهایی که از اروپا، امریکا، چین و ... به هند راه یافته بود اختصاص داده و این داروها را که شامل بلاسنتور یا شجرة النبی، عشبہ مغربیه یا سیارتیا، صافراس، خشبه صینیہ یا چوب چینی، مچوقان، جلاپا، غوت غنبا، پیارانگا، پیپتہ، رمجائی، ساگورانه می‌شود را ادویه جدیدہ نام‌گذاری کرده است. (عقیلی خراسانی شیرازی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۲۷۸-۱۲۷۹).

۱-۵- نسخه‌های خطی و چاپی

از کتاب *قراب‌الدین کبیر* چند نسخه خطی در کتابخانه‌های ایران و شبه قاره هند باقی مانده است (عرفانیان، بی‌تا، ج ۱۹: ۴۹۰؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۲۵: ۸۵؛ نوشاهی، ۱۳۶۲: ۱۱۱؛ منزوی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۶۴۰؛ همان، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۶۸۹-۶۹۰؛ شمس اردکانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۷۲). چاپ‌های متعددی نیز از آن در هند، ایران و پاکستان موجود است (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵، ج ۲۷: ۶۳؛ مشار، ۱۳۵۲، ج ۲: ۲۸۹۸؛ همان، ۱۳۴۰: ج ۲، ۹۱۲؛ میر، بی‌تا: ۷۷؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۲۵: ۸۵؛ منزوی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۶۴۰؛ نجم‌آبادی، ۱۳۴۲: ۶۱۵). از جمله چاپ‌های این کتاب در هند می‌توان به چاپ سربی در سال ۱۲۴۹ق (عقیلی خراسانی شیرازی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۵) و از مهم‌ترین چاپ‌های آن در تهران می‌توان به چاپ سال ۱۳۹۳ش به اهتمام نشر چوگان و چاپ مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، پزشکی اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی شیراز در دو جلد در قطع وزیری (ج اول در ۴۰۸ صفحه و ج دوم در ۳۸۴ صفحه) اشاره کرد. این اثر در سال ۱۳۹۴ش نیز به تصحیح مسعود غلامیه و مقدمه بیگ باباپور به کوشش انتشارات سفیر اردھال در یک دوره چهار جلدی در قطع وزیری در ۲۲۷۴ صفحه به چاپ رسیده است.

۲- قرابادین صالحی

۲-۱- معرفی مؤلف

صالح بن محمد بن محمد صالح قاینی هروی در اواسط قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری/هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی می زیسته است. درباره وی اطلاعات اندکی در منابع موجود است. بنا به نوشته خودش در پیشگفتار کتاب، وی تبار قائنی داشته، متولد هرات و ساکن بلخ بوده است و به نظر می رسد *قرابادین صالحی* را نیز در بلخ شهر محل سکونت خود نگاشته است (صالحی قاینی هروی، ۱۳۹۲: ۴۹).

۲-۲- معرفی قرابادین صالحی

قرابادین صالحی کتابی در شناخت داروها و چگونگی ترکیب آن‌ها به فارسی است. این کتاب در سال ۱۱۷۹ ق/۱۷۶۵ م نوشته شده و به نام *عمل صالح* نیز معروف است (همان: ۸). همچنین در برخی از منابع، این اثر را *تحفة الصالحین* نامیده‌اند (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵: ج ۱۷؛ ۶۴؛ مشار، ۱۳۵۲: ج ۱، ۸۲؛ نجم آبادی، ۱۳۷۱: ج ۱؛ ۵۰۳؛ منتصب مجابی، ۱۳۸۵: ۳۵۵). با توجه به این که صالحی قاینی هروی در بخشی از *قرابادین صالحی* بیان کرده که قصد دارد کتابی دیگر در مفردات گیاهان دارویی تحت عنوان *تحفة الصالحین* بنگارد (صالحی قاینی هروی، ۱۳۹۲: ۴۹) و از آنجا که نسخه خطی احتمالی از آن بدست نیامده، لذا اطلاق نام *تحفة الصالحین* به کتاب *قرابادین صالحی* درست به نظر نمی رسد (همان: ۳۴).

۲-۳- منابع مؤلف

صالحی قاینی هروی در نگارش این کتاب علاوه بر مطالبی که از منابع نامشخص آورده (مثلاً "این ترکیب از طبای هندی است" یا "این دارو از داروهای فارسیان است")، از آثار پزشکان اسلامی و ایرانی همانند آثار ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق/۹۸۰-۱۰۳۷ م)، جرجانی (۴۳۴-۵۳۱ ق/۱۰۴۲-۱۱۳۷ م) و ... استفاده کرده است. به عنوان نمونه، مولف آورده است: "مفرح شیخ ابوعلی سینا که اجزای این ترکیب چهل و سه جز است و

وزنش یکصد و هشت و درم..." (همان: ۳۶۱، ۴۵۷).

همچنین وی با کسب آگاهی از پزشکان معاصر خود و افراد مطلع در زمینه داروسازی و با استفاده از تجربیات سفرهای متعدد خود به شرق و غرب جهان اسلام، دست به نگارش این اثر زده است که اظهارات مؤلف در پیشگفتار برخی از حکایات مذکور در کتاب مؤید این مطلب است. به عنوان نمونه مؤلف در این باره آورده است: "تراکیب چند که در کتب موثقه متفرق و در بعضی نسخ بی ترتیب و مجربات که از افواه رجال حمیده فعال شنیده و آنچه در این مدت غم عدت و اوان الم توامان امتحان نموده و مجموعه سازد" (همان: ۴۹).

۲-۴- بخش بندی قرابادین صالحی

قرابادین صالحی مشتمل بر یک مقدمه و بخش مرکبات است. وی در مقدمه ابتدا اوزان و مکیال مخصوص اندازه گیری داروها را به ترتیب حروف تهجی (الفبای عربی) ذکر و آن‌ها را تعریف کرده، نحوه تبدیل کردن برخی از واحدهای اوزان به واحدهای دیگر را با ذکر مثال ارائه می دهد. به عنوان نمونه مؤلف آورده است: "تحویل درهم بمثقال، بر عدد دراهم چون سه سبع افزوده شود مراد حاصل گردد..." (همان: ۹). در بخش های بعدی مقدمه، به بیان روش های کلی تهیه مواد اولیه دارویی شامل: روش های احراق، اصلاح^۱، اغسال، تحمیس، تدبیر^۲، تشویه، تقلیه و تکلیس^۳ پرداخته است (همان: ۵۳-۶۷).

قسمت اصلی کتاب با عنوان "مرکبات" مشتمل بر بیست و هشت باب است که هر باب به یک حرف اختصاص دارد و در این باب‌ها به ذکر انواع مختلفی از داروهای مفرد و ترکیبی به ترتیب حروف تهجی پرداخته است. مؤلف در این بخش در ابتدا تلفظ نام دارو را آورده است و سپس به بیان جزئیاتی چون: معنی، تعریف، معادل های نام دارو به زبان های دیگر، منافع، خاصیت درمانی و مضرات استفاده بیش از حد دارو و در مواردی تجویز داروهای جایگزین، تعیین زمان های استفاده برای اثربخشی بهتر دارو، شیوه و

۱. ایجاد فعل و انفعالاتی بر روی مواد دارویی مضر برای بدن، تا قابل استفاده گردند (دهخدا، ذیل "اصلاح")

۲. خشک کردن داروها (دهخدا، ذیل "تدبیر")

۳. حرارت دادن داروها (دهخدا، ذیل "تکلیس")

مقدار مناسب مصرف دارو عمدتاً بر اساس عواملی همانند سن بیمار، شرایط آب‌وهوای محل زندگی وی و ...، روش‌های ساخت، تعداد اجزای تشکیل دهنده و مقدار مناسب آن‌ها در تهیه هر نسخه دارویی و مدت زمان لازم برای تهیه و قوام آمدن دارو، شیوه بسته بندی و ظرف مناسب برای نگهداری دارو می‌پردازد. به عنوان نمونه مؤلف درباره انکباب آورده است: "انکباب بکسر همزه و سکون نون و کسر کاف با موحد و الف ادویه چند را گویند که می‌جوشانند و سر را بخار آن دارند. انکباب جهت درد دندان و مواد آن پوست خشخاش، ثعلب^۱، گل بابونه مساوی بجوشانند و سر را بر آن گیرند تا عرق بر جبین نشیند..." (همان: ۷۱).

وی برخی داروها و ترکیبات دارویی را خود برای نخستین بار ساخته است و چنانچه نسخه دارویی مورد نظر خود را از منبع دیگری اتخاذ کرده باشد، بنا به گفته خود ابتدا آن ترکیب دارویی را با دقت آزموده، سپس به بیان آن پرداخته است. همچنین نام مرجع مورد نظر را ذکر کرده است. مثلاً در این مورد آورده است که: "انوش^۲ داروی ساده این ترکیب از اطباء هندیست و مفرحیست آزموده و نافع صرع و خفقان و ..." (همان: ۶۸-۵۳۳).

از جمله نویسندگانی که از کتاب *قربادین‌صالحی* در آثارشان مطالبی نقل کرده‌اند می‌توان به محمد بن الحسن المشهدی (م ۱۲۵۷ ق/ ۱۸۴۱ م) صاحب کتاب شرح طب الرضا (ع) اشاره کرد (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵، ج ۱۷: ۶۴). همچنین در قرن چهاردهم هجری/ بیستم میلادی قسمت‌هایی از مطالب کتاب *قربادین‌صالحی* به‌دست نویسنده‌ای ناشناس انتخاب و در اثری جدید تحت عنوان *قربادین‌صالحی* (منتخب) بازنویسی شده است (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۱۶۶).

۲-۵- نسخه‌های خطی و چاپی

از کتاب *قربادین‌صالحی* چند نسخه خطی در ایران و یک نسخه در پیشاور پاکستان موجود است (عرفانیان، بی‌تا، ج ۱۹: ۴۲۱؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۱۶۶؛ شمس اردکانی

۱. بیخی است به شکل خایه روباه (دهخدا، ذیل "ثعلب")

۲. نوعی پادزهر (دهخدا، ذیل "انوش دارو")

و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۰۳؛ ارجح و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۳۳؛ منزوی، ۱۴۲۴ق.، ج ۱: ۶۸۵). از دو نسخه مورد بررسی در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره‌های ۱۰۲۵۶ و ۷۸۱۶، نسخه شماره ۷۸۱۶ در مقایسه با نسخه شماره ۱۰۲۵۶ افتادگی‌هایی دارد. به‌عنوان نمونه فصل‌روغن‌ها در آن موجود نیست و کاتب آن فقط به ذکر این مطلب که «استخراج روغن‌ها و احکام آن‌ها به تفکیک ذکر شد» بسنده کرده است (صالحی قاینی هروی، ۱۳۹۲: ۳۸).

این اثر برای نخستین بار در سال ۱۲۸۴ق به اهتمام سید رضی حکیم‌باشی نظام (منزوی، ۱۳۴۸، ج ۱: ۵۸۱؛ نجم‌آبادی، ۱۳۴۲: ۲۱۷؛ مشار، ۱۳۵۲: ج ۱، ۸۲؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵: ج ۱۷، ۶۴) و همچنین در ۱۲۸۹ق. در تهران و در ۱۳۱۶ق. در کابل چاپ سنگی شده است (مشار، ۱۳۴۰، ج ۳: ۵۲۹).

در سال ۱۳۸۴ش مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، پزشکی اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی شیراز نسخه چاپ سنگی مربوط به سال ۱۲۸۴ق. را در قطع رحلی در ۳۴۷ صفحه منتشر کرد. پس از آن این اثر به اهتمام پرمیس بدر، عبدالعلی محقق زاده و محمدرضا شمس اردکانی تحصیح شد و در سال ۱۳۹۲ش در قطع رحلی در ۶۰۰ صفحه توسط نشر دانشگاه علوم پزشکی شیراز و نشر چوگان به چاپ رسید.

۳- جنبه‌های اشتراک و تمایز قرابادین کبیر و قرابادین صالحی

نویسندگان این دو اثر، با قلمی روان و ساده و با ذکر کامل جزئیات، مطالب مشابهی را از قبیل: شرح ترکیبات داروهای مرکب منطبق با مزاج‌های مختلف، شیوه‌های تهیه، مقدار، نحوه، روش، زمان مصرف، منفعت، مضرت و کاربرد داروها درباره درمان بیماری‌های گوناگون اعضای مختلف بدن، اوزان و مکیال مخصوص اندازه‌گیری داروها و گاهی شرح بیماری‌های مختلف و ... بیان کرده‌اند. تبویب کتاب با توجه به حروف تهجی از دیگر جنبه‌های اشتراک این دو کتاب است. شایان ذکر است که اکثر کتاب‌های قرابادین ساختار مشابهی دارند و وجه افتراق چندان برای آن‌ها متصور نیست. تفاوت قرابادین‌ها اغلب در زبان نوشتار و حجم آن‌ها است، بنابراین برای *قرابادین کبیر* و *قرابادین صالحی* نیز نمی‌توان وجه افتراق بارزی در نظر گرفت، جز اینکه در هر کدام نکات متمایزی وجود

دارد که در دیگری یافت نمی‌شود و در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

در کتاب *قربادین* کبیر مؤلف در این کتاب از واژه‌های نوساخته و نامأنوس بهره برده است؛ اسامی ناآشنایی که برای بعضی از داروها در این کتاب آمده و در کتاب‌های پیشین کمتر دیده می‌شود، نظیر: کلکلانجات، تنزوه‌ها، باسلیقونات، افرودیجان و ... اشاره کرد (عقیلی خراسانی شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۲). خاتمه این اثر که قسمت کمی از حجم کتاب را در مقایسه با بخش‌های دیگر به خود اختصاص می‌دهد، در بیان داروهایی است که مؤلف از آن‌ها به "ادویه جدید" تعبیر نموده است. وی همچنین داروهایی را ذکر کرده که از چین، اروپا و آمریکا به هند راه یافته‌اند.

در کتاب *قربادین صالحی*، صالحی قاینی هروی پیش از بیان مقدمه، ضمن انتقاد از وضعیت داروسازی و پزشکی روزگار خود مانند: عدم دغدغه پزشکان در شناخت ویژگی‌های مواد اولیه دارویی و تقلب عطاران در فروش دارو، خود را ملزم می‌داند تا با نگارش این اثر و رعایت دقت در ارائه دستورات ساخت داروها در آن، اطلاعات موثقی را در اختیار مخاطبان قرار دهد: "اطباء سعی در طلب معرفت ادویه نمی‌کنند و عطاران بتبدیل می‌فروشند، این فن موقوف بر شناختن ادویه و قوت و خاصیت اوست اما در این زمان در اکثر آنکه ادویه مبدله شایع و مرکبات ضایع گردیده..." (صالحی قاینی هروی، ۱۳۹۲: ۴۹).

صالحی هروی در نگارش کتاب خود تنها از منابع مکتوب گذشتگان در زمینه طب و داروسازی استفاده نکرده، بلکه از تجربیات کسانی که به مناطق مختلف آن روزگار سفر کرده‌اند، بهره برده است. وی همچنین قسمتی از اطلاعات کتابش را در نتیجه سفرهای متعددی که در حوزه تمدن اسلامی داشته و آشنایی با تجربیات طبی فرهنگ‌های ایرانی، هندی، رومی، عربی، سوری، افغانی و ... به دست آورده است. به‌عنوان نمونه مؤلف آورده است: "عطوس که عبارت از داروهای ساییده خشک است ... از حکماء هندی است ..." (همان: ۲۱۴).

با استناد به گفته مؤلف در مقدمه کتاب، وی پیش از بیان هر مطلب، سعی در آزمایش صحت محتوای آن داشته و پس از کسب اطمینان، به ذکر مطالب مورد نظر خود پرداخته است: "تراکیب چند که در کتب موثقه متفرق و در بعضی نسخ بی‌ترتیب و مجربات که از افواه رجال حمیده فعال شنیده و آنچه در این مدت غم عدت و اوان الم

توامان امتحان نموده و مجموعه سازد ... " (همان: ۴۹).

در سراسر کتاب نمونه‌های جدیدی از روش‌های داروسازی و درمان مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به رایحه درمانی اشاره کرد: "شوموم که زکام را در ساعت نفع کند و ناشف و جاذب رطوبات گرم و سرد آن باشد و چون عقرب گزیده با آب دهان تر کرده و ببوید، ادرار زرداب کند از بدن به طریق رعاف، در لحظه درد ساکن گردد" (همان: ۲۸۸).

وی برای دوری گزیدن از یکنواختی متن کتاب، مطالب آن را با آیات قرآن، احادیث پیامبران و امامان، حکایات و اشعار اخلاقی که همگی به جز آیات قرآن، اغلب به نوعی دارای محتوای دارودرمانی و پزشکی هستند، آراسته است. به‌عنوان نمونه: "از امام محمد باقر [ع] پرسیدند از دوا دادن طبیب نصرانی، یهودی و مجوسی فرمودند باکی نیست بدرستیکه شفا بید قدرت الله تعالی است" (همان: ۴۸، ۵۱، ۲۶۵، ۳۵۸، ۴۹۹).

۴- نتیجه

نگارش کتاب‌های قربادین در قرن دوازدهم هجری قمری/هجدهم میلادی در نتیجه مهاجرت اکثر دانشمندان و اطبا در طی قرن‌های دهم و یازدهم قمری/ شانزدهم و هفدهم میلادی به سرزمین هند، بیشتر در این سرزمین ادامه پیدا کرد؛ اگرچه نگارش این آثار در دیگر مناطق جهان اسلام نیز رواج داشت. کتاب *قربادین کبیر* از محمد حسین عقیلی علوی خراسانی - که در هند نوشته شده - و کتاب *قربادین صالحی* از صالح بن محمد صالحی قایینی هروی - که در محل سکونت مؤلف یعنی بلخ نوشته شده - هر دو به زبان فارسی از آثار تألیف شده در همین قرن است که به دلیل ذکر نسخه‌های متنوع، اطلاعات جامعی از طرز تهیه و خواص دارویی و درمانی مواد گیاهی، معدنی و حیوانی را در اختیار افراد می‌گذارند.

از لحاظ تبویب و محتوا، دو کتاب *قربادین کبیر* و *قربادین صالحی* دارای ساختار نسبتاً مشابهی هستند، بدینسان که در هر دو اثر، پس از بیان مقدمه، اشکال دارویی به ترتیب حروف تهجی ذکر شده‌اند. در مقدمه هر دو اثر به مسائلی کلی از قبیل: شناخت داروها و روش‌های تهیه آن‌ها، شناخت بیماری‌های بدن و ... پرداخته شده و در قسمت اصلی

کتاب، نحوه تلفظ، معادل نام، خواص و مضرات، چگونگی روش‌های ساخت، تهیه و ... داروهای مرکب بیان شده است. از آنجا که در اکثر قرابادین‌ها ساختار نگارش مطالب مشابه است، برای این دو قرابادین نیز نمی‌توان وجوه افتراق بارزی جز چند مورد محدود بیان کرد:

قرابادین کبیر به لحاظ جامعیت، اهمیت و شهرت گوی سبقت را از تمامی آثار نوشته شده تحت عنوان قرابادین ربوده است؛ چرا که این اثر، مجموعه‌ای از مهمترین کتاب‌های پزشکی کهن محسوب می‌شود. در این اثر نام‌های جدیدی برای برخی از داروها ذکر شده و مولف در خاتمه کتاب به بیان داروهای اروپا، آمریکا و چین که به هند وارد می‌شده‌اند، پرداخته است.

قرابادین صالحی نیز حائز اهمیت فراوانی است؛ چراکه صالحی قایمی هروی برای نگارش این کتاب علاوه بر استفاده از آثار ارزشمند پیشینیان، خود برای کسب تجربه و جمع‌آوری مطالب سفرهای متعدد به شرق و غرب جهان اسلام کرده و نسخه‌های دارویی و روش‌های درمانی جدیدی را پس از آزمایش‌های فراوان بر روی آن‌ها، به مطالب گذشتگان افزوده است.

منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۳۵۵). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. نجف: مطبعة الغری.
- ارجح، اکرم، و دیگران (۱۳۷۱). *کتابشناسی نسخ خطی پزشکی ایران*. زیر نظر رضا خانی جزنی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- الگود، سیریل (۱۳۵۷). *طب در دوره صفویه*. ترجمه محسن جاویدان. تهران: دانشگاه تهران.
- امینی، فرشید (۱۳۸۷). "قرابادین"، *کتاب ماه علوم و فنون*، ش ۱۱۰ و ۱۱۱ (بهمن و اسفند): ۸۲-۸۵.
- انصاری، نوش‌آفرین (۱۳۶۹). "برخی از منابع فارسی در پزشکی و داروشناسی". *تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی*، ش ۱۶ (فروردین): ۷۷-۸۶.

- بیگ افندی، عبدالله بن عیسی (بی تا). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*. تحقیق احمد حسینی شکوری. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- بیگ باباپور، یوسف؛ مرعشی، سید حسین (۱۳۹۴). "قربادین (اقربادین) نویسی و جایگاه الاقربادین الکبیر شاپور بن سهل کوسج به عنوان اولین قربادین در تمدن دوره ی اسلامی". *طب سنتی/اسلام و ایران*. ش ۱: ۷۱-۷۹.
- تبریزی، میرزا عبدالحسین خان رکن الحکماء فیلسوف الدوله (۱۳۴۴). *مطرح الانظار فی تراجم اطباء الاعصار و فلاسفه الامصار*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، گروه طب اسلامی.
- خبیری، مریم (۱۳۹۶). "بررسی دانش گیاه شناسی در دوره اسلامی بر اساس آثار تألیفی و ترجمه ای این دانش از قرن ۲-۱۰ ق.". پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه شهید بهشتی (تهران).
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). *فهرست واره دست نوشته های ایران (دنا)*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. *لغتنامه*.
- رضوی برقی، سید حسین (۱۳۸۳). "زیست نگاری و نوشتارهای عقلی خراسانی". *نامه انجمن*، ش ۱۴: ۶۴-۸۷.
- سرمدی، محمدتقی (۱۳۷۹). *دایرةالمعارف پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر*. تهران: سرمدی.
- شمس اردکانی، محمدرضا، و دیگران (۱۳۸۸). *فهرستواره مشترک نسخه های خطی پزشکی و علوم وابسته در کتابخانه های ایران*. تهران: صهبای دانش؛ دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- صالحی قاینی هروی، صالح بن محمدصالح (۱۳۹۲). *عمل صالح (قربادین صالحی)*. تهران: چوگان؛ دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ طب.
- عرفانیان، غلامعلی (بی تا). *فهرست نسخ خطی: علوم و فنون پزشکی*. مشهد: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

- عقیلی خراسانی شیرازی، میر محمد حسین بن محمد هادی (۱۲۶۰). مخزن الادویه: دائرة المعارف خوردنی‌ها و داروهای پزشکی سنتی ایران. تصحیح احمد کبیر و دیگران. کلکته: بی‌نا.
- ----- (۱۳۸۵). خلاصة الحکمة. تصحیح اسماعیل ناظم. قم: اسماعیلیان.
- ----- (۱۳۹۳). قربادین کبیر. تهران: چوگان.
- ----- (۱۳۹۴). قربادین کبیر. تصحیح مسعود غلامیه. تهران: سفیراردهال.
- قهرمان، احمد (۱۳۸۴). "تاریخ شناخت گیاهان دارویی". کیهان فرهنگی. ش ۲۵۵: ۲۹-۲۲.
- مشار، خانابا (۱۳۴۰). مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز تاکنون. تهران: بی‌نا.
- ----- (۱۳۵۲). فهرست کتاب‌های چاپی فارسی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ ش. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- منتصب مجابی، حسن (۱۳۸۵). بررسی متون طب شیعه در تاریخ پزشکی. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- منزوی، احمد (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ئی.
- ----- (۱۳۷۴). فهرستواره کتاب‌های فارسی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ----- (۱۴۲۴ق). فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان. بی‌جا: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- منشی طوسی، محمدتقی، و دیگران (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی - فارسی - انگلیسی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- میر، محمدتقی (بی‌تا). پزشکان نامی پارس. شیراز: دانشگاه پهلوی.
- نجم‌آبادی، محمود (۱۳۴۲). فهرست کتاب‌های چاپی فارسی طبی و فنون وابسته به طب. تهران: دانشگاه تهران.
- ----- (۱۳۷۱). تاریخ طب در ایران. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

-
- نفیسی، علی اکبر (بی تا). فرهنگ نفیسی. تهران: خیام.
 - نوشاهی، سیدعارف (۱۳۶۲). فهرست نسخه های خطی فارسی موزه ملی پاکستان (کراچی). / اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
 - B,lewin. (1960). *The Encyclopaedia Of Islam*. Netherlands: brill publishers.

پژوهشی در نقوش پرده‌نماهای شهرستان سربیشه (روستاها، مختاران، چنشت و دهشیب)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۱۲

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۰

شماره صفحه: ۶۳-۸۸

سیده مهدیه شواکندی^۱

حسین کوهستانی^۲

چکیده

هنرهای سنتی، تجلی زیبایی‌هایی نشأت گرفته از ذوق و سلیقه، باورها و اعتقادات مردمان مناطق مختلف و شاهی استوار بر توجه آنها به دنیای هزاررنگ پیرامون شان است. هنر سوزن‌دوزی نیز یکی از این هنرها است. در این میان، مردم شهرستان سربیشه با ترکیب عشق و صبوری، طرح‌های خیال‌پرور و چشم‌نواز خود در هنر سوزن‌دوزی را بر پرده‌هایی که زینت‌بخش خانه‌هایشان است، به کار بسته اند؛ هنری که از گذشته تا کنون به دست زنان هنرمند منطقه رقم خورده است و دارای نقوش منحصر به فردی است که از لحاظ بصری و تجسمی ساختاری منسجم و مشخص دارد. این پژوهش با هدف شناخت، تحلیل و معنایابی نقوش سوزن‌دوزی‌های پرده‌نماهای شهرستان سربیشه انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در منطقه سه روستای مختاران، چنشت و دهشیب است که از فراوانی بیشتر نقوش نسبت به روستاهای دیگر برخوردارند. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای است. اهداف پژوهش عبارتند از: بررسی و معرفی نقوش پرده‌نماهای شهرستان سربیشه، طبقه‌بندی تنوع نقوش پرده‌نماها و مقایسه تطبیقی نقوش و تأثیرات فرهنگ و رسوم منطقه بر روی این پرده‌نماها. با بررسی این موارد مشخص شد نقوش پرده‌نماها در سه روستای مورد مطالعه در چهار گروه (گیاهی، حیوانی، پرندگان و اشعار) رده بندی می شوند. این نقش ها با اعتقادات و فرهنگ مردم این منطقه گره خورده است و شناخت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

mahdiye.shavakandi@gmail.com

koohestani@birjand.ac.ir

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

آنها، بخش عظیمی از روایات غنی فرهنگ تصویری منطقه را برای ما روشن می‌سازد.

واژگان کلیدی: پرده‌نما، سوزن‌دوزی، نقوش، سربیشه

مقدمه

بعد از به وجود آمدن پارچه - که پوشش و حفاظی در برابر سرما و گرما محسوب می‌شد، اندیشه تزیین پارچه در ذهن بشر شکل گرفت. این تزیینات به مقتضای فرهنگ، آداب و سنن هر قوم دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. این دست دوخت‌ها علاوه بر جنبه تزیینی، نماینده اقلیم و در بعضی مواقع عقاید مذهبی جامعه پدیدآورنده آن بوده است؛ چنانکه قبل از اسلام برای این دوخت‌ها، علاوه بر جنبه تزیینی، جنبه طلسم‌گونه نیز قائل بوده‌اند. سوزن‌دوزی که هنر آراستن سطح پارچه با استفاده از نخ‌های الوان با کمک سوزن و قلاب است، یکی از انواع این دوخت‌ها محسوب می‌شود.

در منطقه مورد پژوهش، زنان سوزن‌دوز در جستجوی تزیینات مطلوب خویش، ضمن استفاده از شکل‌های زیبا و ساده، فضای حقیقی طبیعت را با فضای مجازی این آثار درهم آمیخته، ارتباط بصری مناسبی میان نقوش برقرار کرده و هنر خود را در قالب پرده جالباسی آراسته‌اند. از این‌رو هنر سوزن‌دوزی زنان روایت‌گر فرهنگ و هنر منطقه است. هر نقش نوعی مفهوم است که در گوشه و کنار فرهنگ و تاریخ نمایان می‌شود. نقوش سوزن‌دوزی در پرده‌نماهای خراسان جنوبی بخش جدایی‌ناپذیری از هنر زنان این منطقه محسوب می‌شود و نقش‌مایه‌ها می‌توانند به روشن شدن وجوهی از ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی این منطقه کمک کنند.

سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱- ارتباط بین نقوش پرده‌نماهای خراسان جنوبی و فرهنگ بومی منطقه به چه صورت بوده است؟

۲- چه چیزهایی الهام بخش نقوش تزیینی پرده‌نماهای مناطق مورد پژوهش است؟

فرضیه‌های پیش روی این تحقیق از این قرارند:

۱- نقوش پرده نماها با شناخت آگاهانه این مردمان از فرهنگ و طبیعت منطقه مورد بحث مرتبط بوده است.

۲- هنرمندان خراسان جنوبی در طراحی نقوش پرده نماها از محیط و طبیعت اطراف خود بیشترین بهره را برده‌اند.

تاکنون پژوهشی در خصوص بررسی نقوش این پرده‌نماها در منطقه سربیشه و تأثیر الهام‌بخش طبیعت بر طراحی این نقوش انجام نشده است، اما می‌توان به پژوهش‌های زیر در زمینه سوزن‌دوزی اشاره کرد:

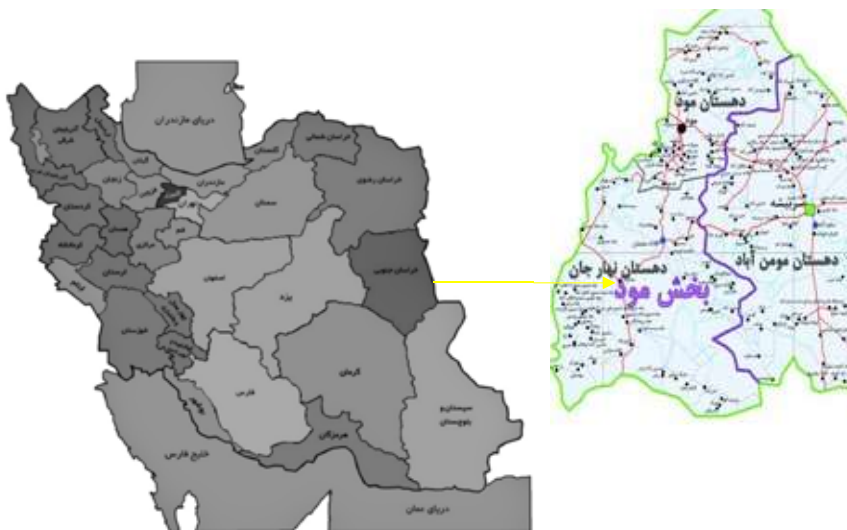
بهنیا (۱۳۸۱) در کتاب *بیرجند نگین کویر* - که یکی از منابع مردم‌شناسی بیرجند است - به این نوع سوزن‌دوزی‌ها اشاره کرده است. هنرمند (۱۳۸۹) در کتاب *سوزن‌دوزی‌های سنتی رایج در خراسان جنوبی* به شکلی مختصر به این هنر پرداخته است. منتخب صبا (۱۳۷۹) در کتاب *نگرشی بر روند سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران از هشت هزار سال قبل از میلاد تا امروز* موضوعاتی چون تاریخچه سوزن‌دوزی و انواع رودوزی‌ها را مطرح کرده است.

خاموشی (۱۳۸۹) در مقاله "تحول کاربرد تزیین در سوزن‌دوزی بلوچ و ترکمن" به شناخت انواع تزیینات به کار رفته در سوزن‌دوزی‌های اقوام ترکمن و بلوچ پرداخته‌اند. قاسمی، محمودی و موسوی حاجی (۱۳۹۲) نیز در مقاله "بررسی ساختار صوری نقوش طبیعی در سوزن‌دوزی زنان بلوچ" به شیوه توصیفی - تحلیلی این نقوش را مورد بررسی قرار داده‌اند. سیادت‌نژاد و صمصامی (۱۳۹۴) هم در مقاله "بررسی نقش‌های اسطوره‌ای در پرده‌نماهای خراسان جنوبی" به بررسی اسطوره‌ای این نقوش پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای سعی دارد به بررسی مفهوم نقوش پرده‌نماهای خراسان جنوبی بپردازد. نگارندگان در این پژوهش سعی دارند با مطالعه نقوش متفاوت مورد استفاده در سوزن‌دوزی‌های خراسان جنوبی که با الهام از طبیعت، باورها و اعتقادات مردم شکل گرفته، به مفاهیم نمادین که در قالب این هنر منتقل می‌شود، اشاره کنند. نقوش این پرده‌نماها شامل: بزکوهی، پرندگان غالباً نشسته بر درخت و گل و گلدان است که با استفاده از اشکال خاص و رنگ‌های مختلف تزیین یافته‌اند.

منطقه مورد تحقیق

منطقه مورد مطالعه سه روستای منطقه سربیشه خراسان جنوبی، شامل: روستاهای مختاران، چنشت و دهشیب است. مختاران یکی از روستاهای دهستان نهارجان شهرستان سربیشه و دهشیب یکی از روستاهای بخش مود این شهرستان است. چنشت نیز که در میان رشته کوه باقران قرار گرفته است، در گذشته جزو دهستان نهارجان بوده، ولی در حال حاضر از توابع شهرستان سربیشه محسوب می شود. روستای چنشت به لحاظ پوشش محلی به سرزمین رنگ‌های ایران معروف است و با وجود جاذبه‌های زیبای طبیعی، تاریخی و فرهنگی، یکی از روستاهای هدف گردشگری خراسان جنوبی است.



هنر سوزن‌دوزی و تاریخچه آن در ایران

سوزن‌دوزی، هنر آراستن سطح روئین پارچه ساده با بهره‌گیری از نخ‌های الوان و با کمک سوزن و قلاب است که دست‌اندرکاران آن به مدد بخیه‌های ظریفی که بر منسوجات ساده می‌نشانند، معمولاً تلفیق زیبایی از صبر، شکیبایی و هنر را به نمایش می‌گذارند (اسفندیاری، ۱۳۷۰: ۱۳). سوزن‌دوزی‌های ایرانی که به اشکال مختلف انجام می‌شود، یکی از گسترده‌ترین شاخه‌های ۱۰۹ رشته هنرهای دستی است و به جرأت

می‌توان گفت تنوع و تعددی که در این رشته مشاهده می‌شود، در هیچ‌یک از رشته‌های صنایع دستی وجود ندارد (هنرمند، ۱۳۸۹: ۷). بدین ترتیب، بررسی تحول پوشاک و تزیینات دوختی روی آن، نه تنها از نظر تاریخ و هنر قابل اهمیت است، بلکه از دیدگاه جامعه‌شناسی و فهم روانشناسی ملتها نیز بسیار مورد توجه است (بهشتی‌پور، ۱۳۶۴: ۸).

بر مبنای یافته‌های باستان‌شناسی در مناطق سیلک و تپه‌گیان و سایر مناطق باستانی ایران، آغاز ریسندگی و بافندگی و دوخت را هم‌زمان با خانه‌سازی و سفال‌سازی دانسته‌اند و عمری ده‌هزار ساله برای آن تعیین کرده‌اند. هم‌چنین مهرهای استوانه‌ای متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد کشف شده در تپه سیلک کاشان، مؤید رواج ریسندگی و بافندگی و دوخت در آن دوره می‌باشد. نخستین نشانه‌ای که از وجود پارچه منسوج در این دوران خبر می‌دهد، طی حفاریات به‌دست آمده در شوش که مربوط به هزاره دوم و اول پیش از میلاد است و در آن مجسمه‌های گلی که همراه با اجساد مردگان دفن می‌شد، ما را با انواع لباس‌ها و دوخت و دوزها آشنا می‌سازد که لباس ملکه ناپیرآسو، همسر اونتاش گال مؤید این مطلب است (سیدصدر، ۱۳۸۸: ۵۱۴).



تصویر (۱) لباس ملکه ناپیرآسو (ریاضی، ۱۳۸۲: ۱۶)

در دوره اشکانی و ساسانی نیز به طور قطع انواع سوزن دوزی در ایران رواج داشته و اگر چه نمونه‌ای از رودوزی‌های این عصر به دست نیامده، اما بسیاری از اطلاعات مربوط به سوزن دوزی‌های زمان ساسانیان از خلال مطالبی که پیرامون پوشاک و صنعت نساجی پیشرفته عصر ساسانی نوشته شده، قابل استخراج است. یکی از شواهدی که دلالت بر وجود سوزن دوزی در دوره ساسانیان دارد، نمونه‌ای از پارچه در موزه آرمیتاژ است که بر روی آن خروسی بزرگ با رنگ‌های مختلف درون دایره‌ای نقش گردیده و در قطعه‌ای دیگر باز هم با نقش خروس در موزه واتیکان نگهداری می‌شود. طرح گلدوزی‌های این دوره شبیه به نقوش حجاری‌ها و گچ‌بری‌ها و ظروف فلزی آن زمان بوده، موضوع نقوش زربفت‌های ساسانی بیشتر به صورت قرینه‌سازی درآمده و غالباً ترکیبی از ترنج‌هایی است که میان آنها موضوع معینی چون طاووس، خروس، اردک، اسب بالدار و حیوانات افسانه‌ای تکرار شده و مورد تقلید همسایگان دور و نزدیک ایران هم چون بیزانس قرار گرفته است (ریاضی، ۱۳۸۲: ۴۵).

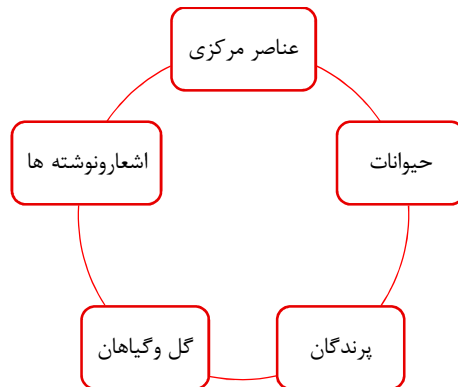


تصویر ۲) سوزن دوزی ساسانی (ریاضی، ۱۳۸۲: ۳۳۹).

هنر پرده دوزی خراسان جنوبی

سوزن دوزی در هنر خراسان جنوبی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این هنر را که شامل چشمه دوزی، آجیده دوزی و خامه دوزی است، همواره خانم‌ها انجام می‌دهند (هنرمند، ۱۳۸۹: ۸۳). از سوزن دوزی‌های رایج این منطقه پرده نماها هستند که بیشتر

جنبه مصرف شخصی دارند در خانه ها مورد استفاده قرار می گیرند. برای این کار زنان و دختران گرد هم آمده و با کمک گرفتن از مهارت و ایده های یکدیگر به سوزن دوزی می پردازند. مهم ترین مواد اولیه مصرفی رودوزی های ایرانی را، انواع پارچه و گونه های رنگی، فلزی و یا نخ هایی با روکش فلزی تشکیل می دهند. گفتنی است، مهم ترین کاربرد رودوزی های ایرانی، تزئین لباس و پوشاک بوده است، اما رودوزی های ایرانی برای تزئین جای قرآن، جانماز، جای مهر، انواع رومیزی، روبالشی و ... نیز کاربرد داشته است. در بیشتر استان ها و نیز برخی از مناطق کشورمان، با توجه به فرهنگ و خصوصیات اقلیمی، قومی و منطقه ای و نیز مواد اولیه در دسترس، رودوزی یا رودوزی های خاصی مرسوم و متداول شده است (یاوری، ۱۳۸۹: ۳۸۲). پرده های سوزن دوزی شده ای که به پرده جالباسی شهرت دارند، هنر فرعی در روستاهای بیرجند به حساب می آیند که در سایر نقاط خراسان هم دیده می شوند. این پرده نماها بر روی لباس های آویخته شده به جالباسی دیواری نصب می شدند که علاوه بر زیباکردن ظاهر خانه، لباس ها را از گرد و خاک و آلودگی محافظت می کردند. جنبه هنری این پرده نماها مربوط به نقوش رنگارنگ و اشعاری است که با حالت خاص روی آن ایجاد می شد. این پرده نماها علاوه بر جنبه تزئینی، به دلیل کاربرد اشعار اخلاقی و مذهبی، جنبه تعلیمی نیز داشتند.



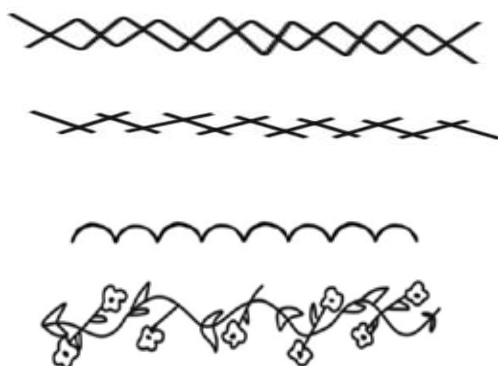
نمودار (۱) تحلیل بصری اشکال به کار رفته در پرده نماها (نگارندگان)

تحلیل نقوش پرده نماها

قدرتمند ترین زبان برای برقراری ارتباط، ارتباط بصری است و نقوش یکی از وسایل این ارتباطند. برخی از نقوشی که در این پرده نماها دیده می شود، نقوش هایی است که از گذشتگان منتقل شده، ریشه های مشترک داشته و انعکاس دهنده ی شرایط محیطی، اقلیمی و آب و هوای محل زندگی هنرمندان است. تنوع اشکال و رنگ های این پرده نماها گواه روشنی بر ذوق خلاق هنرمندان بومی این منطقه می باشد.

موتیف های حاشیه

جدول (۱) موتیف های حاشیه ای پرده نماها



در پرده نماهای منطقه مورد بررسی، در حاشیه دو طرف و بالا و پایین سطح پارچه، طرح های زیگزاگ، ضربدری، دالبر و ردیف گل ها که اغلب با استفاده از رنگ های عنابی، نارنجی و صورتی کار شده بود، خودنمایی می کند.

ریتم یکی از عناصر بصری است. حاشیه نقوش این پرده نماها با خطوطی ساده و تکرار شونده ترکیبی ریتمیک را در چشمان بیننده به وجود می آورند. این ریتم ها در نقوش باعث پویایی هرچه بیشتر تصاویر نقش بسته بر پرده ها می شود.

عناصر مرکزی (گل و گلدان)

عناصر مرکزی شاخص در نه پرده‌نمای مورد بررسی در سه روستای این پژوهش گل و گلدان است که اکثراً از رنگ‌های شاد در آنها استفاده شده است. این مسأله نشان می‌دهد این طرح بیش از دیگر طرح‌ها مورد توجه بوده و همگانی شده است. بدون شک نقشی که در مرکز تصویر قرار می‌گیرد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و قرار گرفتن آن در کانون توجه می‌تواند به جذابیت های بصری نقش کمک نماید.



تصویر ۳) تحلیل نقوش مرکزی پرده نماهای ۳ روستای مورد پژوهش



تصویر ۴) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان)



تصویر ۵) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان) تصویر ۶) پرده‌نمای روستای چنشت (نگارندگان)



تصویر ۷) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان) تصویر ۸) پرده‌نمای روستای مختاران (نگارندگان)

گیاهان

طبیعت بزرگ‌ترین منبع الهام‌بخش هنرمندان است. انسان‌ها در پیشبرد اهداف علمی و هنری خود همواره طبیعت را الگو قرار داده و از آن بهره جسته‌اند. نقوش گیاهی، جلوه‌های اشکالی به‌شمار می‌آیند که در عالم طبیعت وجود دارند و هر کدام معنی و مفهوم خاص خودشان را دارند. هنرمندان ایرانی با برداشت از طبیعت، به‌خوبی توانسته‌اند شکل‌های طبیعی را تغییر دهند و به‌صورت نقوشی درآورند که به سمت انتزاع و سادگی پیش می‌روند. هنرمندان سوزن‌دوز این منطقه نیز می‌کوشند تا زیبایی و طراوت طبیعت را به دنیای این پرده‌نماها هدیه کنند و هر آنچه را که در محیط زندگی خود می‌بینند، به‌صورت ساده در این پرده‌نماها نقش کنند. اصلی‌ترین نقوش این پرده نماها، حیوانات و گیاهانی هستند که برای آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است. گیاه یکی از قدیمی‌ترین نقوش ایرانیان به‌شمار می‌رود. این نقش^۱ حتی در منسوجات ساسانی نیز دیده می‌شود.

نکته قابل توجه در نقوش گیاهی این پرده‌نماها، استفاده از رنگ‌هایی است که بیانگر اصول زیبایی‌شناسی آنها در انتخاب و ترکیب نقوش بوده است. استفاده از رنگ‌های شاد و سرزنده، با نگرش زیباسازی محیط خانه و تطبیق آن با اشکال طبیعت پیرامون، از ویژگی‌های مهم این نقوش است. در برخی از این پرده‌نماها، هماهنگی و تقارن در نقوش نیز دیده می‌شود.

۱. بسیاری از فرهنگ‌ها گیاه را اصل و ریشه‌ی حیات می‌دانند (آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۰). در متون مذهبی آیین مزدیسنا، از برخی گیاهان مقدس نام برده شده است. بنا بر متن بندهش، گیاه چهارمین آفریده اهورامزدا در جهان مادی، بعد از آسمان، آب و زمین بوده و هدف از آفرینش آن، یاری رساندن به گوسپند سودمند بیان شده است (پهار، ۱۳۷۸: ۵۱).



تصویر ۹) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان) تصویر ۱۰) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان)



تصویر ۱۱) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان)



تصویر ۱۲) نقوش منفرد گل در پرده نماهای روستای دهشیب (نگارندگان)



تصویر ۱۳) نقوش منفرد گل در پرده نماهای روستای چنشت (نگارندگان)



تصویر ۱۴) نقوش منفرد گل در پرده نماهای روستای چنشت (نگارندگان)

درخت

نقش مایه درخت در انواع هنرهای ایرانی، از جمله تصاویری است که تکرار و مداومت آن، ذهن بسیاری را به خود مشغول داشته است. در تمامی سفال‌ها و منسوجات و نقاشی‌ها و حتی حجاری‌های تاریخ ایران، درخت جایگاهی ویژه و مقدس دارد (افروغ، ۱۳۹۲: ۱۰۴). این نقش یکی از مهم‌ترین نقش‌مایه‌های تجریدی و نمادین در هنر ایران است. حضور گسترده درخت در جای‌جای آثار هنری ایران قابل توجه است. درخت در تزیینات بسیاری از آثار هنری برجای مانده از دوره باستان خصوصاً ظروف سیمین و زرین، منسوجات، گچ‌بری‌ها و نقش‌برجسته‌های ساسانی، در میان دو طاووس به صورت رخ‌برخ طرح شده است. این نقش مایه در دوره اسلامی نیز بر اساس جهان‌بینی اسلامی، مطابق با مفهوم درخت طوبی^۱ در آثار هنری ظهور پیدا کرده است.



تصویر ۱۵) نقش درخت منطقه سربیشه (سیادت‌نژاد و صمصامی، ۱۳۹۴)

۱. در فرهنگ اسلامی از درخت طوبی و یا سدره‌المنتهی، به عنوان درختی بهشتی نام برده می‌شود که شاخه‌های متعددی از آن منتشر شده و خانه‌های بهشتیان مزین به یکی از شاخه‌های این درخت بهشتی است و هر چه بهشتیان اراده کنند، از خوردنی‌ها بر آن می‌روید (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۸: ۱۳۱). پس این درخت منشأ برکت و روزی بهشتیان است.

چهارپایان (بز کوهی)

پیکره‌های جانوری از قدیمی‌ترین نقوشی است که انسان در آثار خود ترسیم نموده است. این نقش‌مایه‌ها نیز در هنر ایران، همانند دیگر نقوش صرفاً جنبه تزیینی نداشته و گاهی بیانگر امید، ترس و توسل به نیرویی برای مبارزه با خطرهای طبیعت و حیات و گاه نیز بیانگر اعتقادات مذهبی و افسانه‌ها بوده‌اند. همین ارزش‌ها و بیان‌های مخصوص، گاهی نقوش جانوری را به نوعی علائم قراردادی و نمادین تبدیل کرده که در طی تاریخ از آنها برای انتقال پیام استفاده می‌شده است (خزایی و سماواکی، ۱۳۸۱: ۸). در پرده‌نماهای منطقه مورد پژوهش حیواناتی نظیر: بز، گوزن، آهو، شتر، شیر و پلنگ تصویر شده‌اند، اما کاربرد بزکوهی از همه بیشتر است.

نقش بز کوهی برای نخستین بار بر روی مهرهای استوانه‌ای شکل بین‌النهرین متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد دیده شد (هال، ۱۳۸۹: ۱۰۱). بز مظهر فراوانی و در شاخ آن قدرتی جادویی پنهان بوده است و چون میان شاخ پر پیچ‌وخم بزکوهی و هلال ماه نیز رابطه‌ای وجود دارد، از این‌رو، مردم باستان معتقد بودند شاخ بزکوهی در نزول باران مؤثر است (حاتم، ۱۳۷۴: ۳۶۴). نقش بزکوهی در دوران باستان، کارکردی بیش از یک نقش تزیینی داشته و نماد طلب باران و برکت بوده است. در پرده‌نماهای منطقه مورد مطالعه، بزکوهی به صورت تکی و یا در حال چرا کنار گل و گیاه ترسیم شده است. بی‌شک هویت نقوش چهارپایان ایران متأثر از شرایط محیطی، فرهنگی و آیین مردم است و می‌توان گفت برخی از پدیده‌های هنری، از شرایط اجتماعی نحوه‌ی زندگی و معاش مردم دوران خود متأثر بوده و نشانگر اهمیت بعضی موجودات و موضوعات در طبیعت اطراف اقوام سازنده است (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶).



تصویر ۱۶) پرده‌نماهای روستای چنشت (نگارندگان) تصویر ۱۷) پرده‌نماهای روستای دهشیب (نگارندگان)

پرنندگان

پرنندگان در فرهنگ‌ها و مناطق مختلف، دارای معانی متفاوت و گاه متضادی هستند؛ با این حال، کلیاتی در همه‌ی فرهنگ‌ها دیده شده است که کمابیش به هم شبیه‌اند. پرنده نماد گستره‌ی روح است، بویژه در هنگامی که پس از مرگ به آسمان صعود می‌کند. بسیاری از اقوام باستانی، پرنندگان بزرگ‌تر را با خورشید، خدایان و آسمان همراه می‌دانستند. با بررسی پرده‌نماهایی که نقش پرنندگان بر روی آن ترسیم شده است، درمی‌یابیم پرنندگان در این پرده‌نماها به صورت یک جفت (نر و ماده) و به حالت قرینه در مقابل هم ترسیم شده‌اند. این پرده‌نماها سرشار از پرنده‌گانی است که در لابه‌لای درختان یا بر بالای شاخسار درختان، در حال پرواز یا نغمه‌سرایی هستند. تنوع نقوش پرنندگان ترسیم شده بر روی این پرده‌نماها عبارتند از: طاووس، طوطی و هدهد.

طاووس

از دیرباز پرنندگان برای هنرمندان هر قوم نیز برای بیان مقاصد هنری، گاه به شکل نقش و گاه بصورت شعر مطرح بوده‌اند. به طور مثال در منطق الطیر عطار به طاووس اشاره شده است طاووس در فرهنگ ایرانی مظهر ثنویت و طبیعت دوگانه انسان هستند (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۵۲). به گفته عطار نیشابوری طاووس مظهر بهشت پرستان و راهنمای مردم به بهشت است. این پرنده در دوران باستان، در آیین زرتشت به عنوان مرغی مقدس مورد توجه بوده است (خزایی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). نقش طاووس را بر پرده‌نماها، علاوه بر جنبه‌ی

تزیینی، از جهت باورهای عامیانه نیز مد نظر قرار داد.



تصویر ۱۸) پرده‌نمای روستای چنشت (بشارتی، ۱۳۹۲: ۶۶)

تصویر ۱۹) پرده‌نمای روستای چنشت (نگارندگان)

طوطی

شاید معروف‌ترین و بارزترین جلوه این پرنده در ادبیات و فرهنگ ایران، داستان طوطی و بازرگان در مثنوی مولوی باشد. طوطی در این داستان، نماد روح پاک و مجرد و قفس نماد تن است. مولوی رهایی از این قفس را تنها در مردن پیش از مرگ دانسته است. در ترسیم نقش طوطی بر روی این پرده‌نماها، طوطی‌ها به شکل ساده رنگ‌آمیزی شده‌اند؛ گویا هنرمند در تلاش است تا به نمایش واقعی‌تر این پرنده، در ترسیم پرده‌نماها بپردازد.



تصویر ۲۰) پرده‌نمای روستای چنشت (نگارندگان)

هدهد

هدهد همان پوپک یا مرغ شانه‌به‌سر است که براساس اشارات قرآنی، نامه سلیمان را به نزد بلقیس می‌برد (قرآن، نمل: ۲۲). تیز فهمی او در شناسایی آب‌های زیرزمینی مشهور است. هدهد در منطق الطیر عطار، رهبر مرغان در سفر به پیشگاه سیمرغ است. هدهد نماد انسان کامل و مرغی است که در اثر هم‌نشینی و مصاحبت با سلیمان کامل شده

و مرغان دیگر او را برمی‌گزینند تا با همت او، این راه پر حادثه را طی کنند. این پرنده در آثار سهروردی نیز دیده می‌شود. در لغت موران هدهد رمز پیر و حکیم دل‌آگاهی است که میان بومان روزکور گرفتار شده است. در صفیر سیمرغ رمز نفس ناطقه است که استعداد سیمرغ شدن دارد و در قصه‌الغریبه، از آنجا که پیام‌رسان سلیمان در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا است، به‌عنوان پرنده پیام‌بر شهرت دارد (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۴۲۰).



تصویر ۲۱) پرده‌نمای روستای دهشیب (نگارندگان)

اشعار و متون نوشته شده بر پرده‌نماها

آخرین گروه از نقوش موجود در پرده‌نماها، متونی هستند که توسط هنرمند سوزن‌دوز بر زمینه سفید این پرده‌ها نگاشته شده‌اند. این متون ریشه در مذهب، ادبیات و آداب و رسوم مردم منطقه دارند. علاوه بر این متون، گاهی سال دوخت و امضای سوزن‌دوز نیز در بخشی از پرده‌نما خودنمایی می‌کند. جالب توجه است که اکثر اشعار، ضمن خوشامدگویی به مهمان، از محتوای غنی ادبی برخوردارند؛ اشعاری که سرشار از عاطفه، خیال و بزرگداشت مقام مهمان است. با توجه به اینکه این پرده‌نماها در اتاق‌های مهمان‌خانه نصب می‌شدند، از این طریق به اهمیت تکریم مقام مهمان نزد مردم منطقه پی می‌بریم. علاوه بر شعر، اسماء متبرک نیز بر روی این پرده‌نماها سوزن‌دوزی شده‌اند. این اسماء نشان از اهمیت ارزش‌های دینی و مذهبی نزد مردم منطقه دارد. در واقع، هنرمند سوزن‌دوز با گره زدن اندیشه، عاطفه، خیال و باورهای دینی، تصاویری همراه با نمادهایی از اقلیم، اسطوره و ادبیات را نقش می‌زند. با نگاهی اجمالی به این پرده‌نماها،

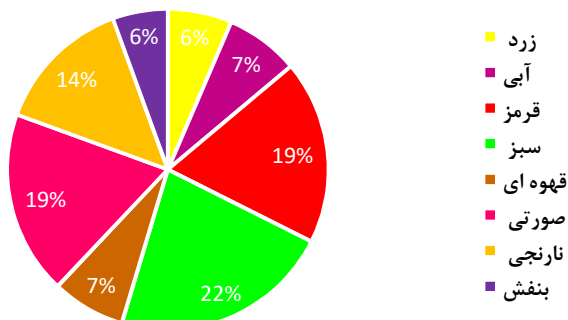
به وضوح می توان دریافت که هنرمند سوزن دوز در انتخاب نقوش و مکان گزینی آنها در گستره سفید پارچه، از حداکثر اندیشه بهره برده است.

جدول ۲) بررسی مضمون اشعار پرده نماها

مضمون شعر	اشعار و متون سوزن دوزی شده بر پرده نماها
خوشامدگویی به میهمان	امشب از لطف به دلداری ما آمده ای / خوش قدم باشی که بسیار به جا آمده ای
آرزوی شادمانی	الهی ای گل خندان همیشه شادمان باشی / ز دشمن بر کنار و در کنار دوستان باشی
خوشامدگویی به میهمان	شد مزین از قدوم مهمان کاشانه ام / خانه ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه ام
فرارسیدن سال نو	بهار و موسم گل صبح عید است / بیا بنشین که ایامی سعید است
آرزوی شادی برای صاحب خانه	الهی صاحب این خانه زنده باشد / دلش شاد و لبش پر خنده باشد
وصف حضرت علی	بر تخت خلافت بنشست آن شه یزدان / داماد نبی شیر خدا ساقی کوثر
فرارسیدن سال نو	نوروز شد و جمله جهان گشته معطر / از بوی خوش لاله و ریحان و صنوبر
حمد و ستایش خداوند	توحید گوی او نه بنی آدمند و بس / هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

بررسی رنگ نقوش در پرده نماها

در تهیه این پرده نماها، علاوه بر هماهنگی و استفاده از قوانین متداول این هنر، حضور رنگ های گرم و سرد به چشم می آید. از آنجا که مردم این منطقه، زیبایی رنگ ها و تفاوت بین آنها را در رنگ درختان، میوه ها و گل ها محل سکونت شان ادراک می کنند و پیوسته با این رنگ ها در ارتباطند، رنگ را به عنوان یک زیبایی حقیقی پذیرفته اند. زیبایی موجود در طبیعت به مثابه یک واقعیت زنده و صریح نیازی به اثبات ندارد. به همین دلیل در بررسی های انجام شده بر روی رنگ نقوش مورد استفاده در پرده نماهای منطقه سربیشه، آنچه ذهنیت هنرمند را در برابر طبیعت بکر و منحصر به فرد به تعجب وامی دارد، تنوع رنگ ها است. از آنجا که غالب نقوش پرده نماها ملهم از طبیعتند، بیشتر از رنگ های سبز، قرمز، صورتی و نارنجی در این پرده نماها استفاده شده است. گل ها معمولاً با رنگ های قرمز، صورتی، آبی و بنفش و غنچه ها با رنگ های زرد، صورتی و بنفش به شکل سایه روشن به تصویر کشیده شده اند. بررسی های انجام شده درخصوص ترکیب رنگی نقوش، تعادل استفاده از رنگ های گرم و سرد و عدم استفاده از رنگ سیاه را نشان می دهد.



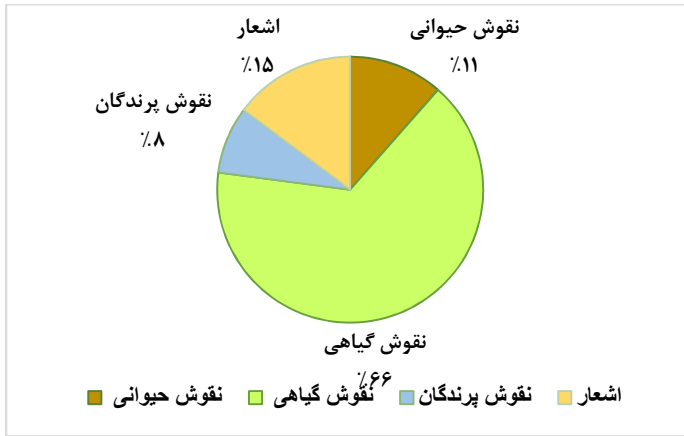
نمودار ۲) نمودار فراوانی رنگ‌ها در پرده‌نماهای منطقه سریشه

جدول ۳) نقش‌مایه‌های به کار رفته در پرده‌نماهای منطقه سریشه (نگارندگان)

نام نقش	پیشینه اسطوره‌ای نقش	اجرای نقش	نقش
بزکوهی	در اسطوره‌های ایران باستان از بین ایزدان که به شکل چهارپایان درآمده‌اند می‌توان به ورثرغنه (بهرام)، ایزد جنگاوری و پیروزی اشاره نمود که موجودی انتزاعی است و یکی از تجسم‌هایش بز نر جنگی بوده است (هیلنز، ۱۳۷۴: ۷۱).	 	 

		شاید معروف‌ترین و بارزترین جلوه این پرنده در ادبیات و فرهنگ ایران، داستان طوطی و بازرگان در مثنوی مولانا است (صباغ‌پور و شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۴۵). طوطی در این داستان نماد روح است. این پرنده در منطق‌الطیر عطار نیز آمده و نماد خودخواهان است (خسروی، ۱۳۸۷: ۷۶).	طوطی
		طاووس نماد بی‌مرگی، طول عمر و عشق است (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۵۲). این پرنده همچنین نابود کننده مار است و از این‌رو، آن را عامل حاصل‌خیزی زمین نیز به‌شمار می‌آورند (خزائی، ۱۳۸۶: ۲۴).	طاووس
		مدهد ممان پوپک یا مرغ‌شانه به‌سر است که بر طبق، نامه سلیمان را به نزد بلقیس می‌برد. تیز فهمی او در شناسایی آب‌های زیر زمینی، مشهور است. مدهد در منطق‌الطیر عطار، رهبر مرغان در سفر به پیشگاه سیمرغ است. مدهد در این اثر نماد انسان کامل است (عطار نیشابوری، ۱۳۸۷: ۱۷۰).	مدهد

		درخت نماد زندگی است و در اسطوره‌های ایرانی از آن به عنوان مرکز جهان، منشأ حیات، تجدید حیات و برکت و فراوانی یاد شده است و به نوعی با مفهوم سرچشمه‌ی زندگی و منشأ حیات که در قالب درخت زندگی نمادین شناخته می‌شود، ارتباط دارد (کاظم پور، ۱۳۸۸: ۲۴).	درخت
 	 	نماد گل و گلدان در واقع با اسطوره‌ی تکوین هستی پیوندی دارند. گلدان گلی که ارتباطی وسیع با زمین مادر و ایزد بانوی باروری دارد و همین معنا به طور مشابه در نقوش موزون و بدیع به صورت مختلف در طراحی‌ها دیده می‌شود	گل و گلدان



نمودار ۳) بررسی فراوانی نقوش پرده نماها در منطقه مورد مطالعه

با توجه به نمودار ۳، نقوش گیاهی در پرده نماهای منطقه پژوهش بیشترین فراوانی را دارد. این فراوانی با اقلیم و پوشش گیاهی منطقه بی ارتباط نیست؛ چرا که در فصل بهار، گل های رنگارنگ خودرو تپه ها و دامنه کوه ها را می پوشانند و سوزن دوزان با الهام از طبیعت منطقه، به ترسیم نقوش پرده نماها می پردازند و سعی می کنند با این نقوش زیبا و رنگارنگ، فضای خانه خود را بیارایند.

نتیجه

از آنچه گفته شد چنین برمی آید که پرده نماهای دست دوز مناطق مورد مطالعه زیرمجموعه ای از سوزن دوزی های دارای ویژگی های خاص در نقش هستند و به نظر می رسد معانی این نقوش، برگرفته از فرهنگ منطقه و ریشه های تصویری آنها برگرفته از گیاهان طبیعی محیط اطراف هنرمند است. این نقوش نمایانگر ذوق سرشار، زیبایی شناسی، آرزوها و فرهنگ تولیدکنندگان شان هستند. اگرچه هنرمند طبیعت را منبع الهام خود قرار داده است، اما خود را به تقلید صرف از طبیعت محدود نمی کند و دست به آفرینش هنری زده، پرده نماهایی خلق می کند که دارای ظرافت دوخت و تنوع رنگ است؛ ظرافت و تنوعی که حاصل ذوق و خلاقیت ذهنی او است. نتایج این پژوهش

مؤید این مطلب است که در منطقه، گل‌ها و گیاهانی که در این منطقه می‌رویند و حیوانی که مردم منطقه نظاره‌گر آنها بوده‌اند یا برای امرار معاش از آنها استفاده می‌کرده‌اند و مواردی از این قبیل، همه در ایجاد نقش‌های این هنر زیبا مؤثر بوده است. گاهی نیز نقش‌ها و نوشته‌ها وظیفه انتقال اندیشه‌های زنان و دختران منطقه را بر عهده دارند. تداوم و تکرار این نقوش در دست‌دوزها، نشان از اهمیت آن در اعتقادات، زندگی و نوع معیشت (دامداری) مردمان این خطه داشته و ارزش معنوی این هنرها را دوچندان می‌کند. در پایان، بیان رمزآلود نقوش این پرده‌نماها در نگاه اول نوعی سادگی و ماهیت ابتدایی را نشان می‌دهد، اما همین بیان ساده و ابتدایی نما در نگرشی عمیق‌تر، عرضه‌کننده ساختار بصری زیبا و مفاهیمی غنی است. نقوش تصویر شده بر روی این پرده‌نماها با اعتقادات و فرهنگ مردمان این منطقه گره خورده است و شناخت این تصاویر، بخش بزرگی از هنر غنی تصویری منطقه را برای ما روشن می‌سازد.

منابع

- قرآن کریم
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- اسفندیاری، صبا (۱۳۷۰). *نگرشی بر روند سوزن دوزی های ایران*. تهران: صبا.
- افروغ، محمد (۱۳۹۲). *نماد و نشانه شناسی در فرش ایران*. تهران: جمال هنر.
- افضل طوسی، عفت السادات (۱۳۹۱). "گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان". *فصلنامه علمی- پژوهشی نگره*، سال اول، ش ۲۱ (بهار): ۵۱-۵۷.
- بشارتی، سیما (۱۳۹۲). "بررسی مردم شناختی پرده های دست دوز زنان در شهرستان بیرجند". *پایان نامه کارشناسی ارشد نگارگری*، دانشکده هنر، دانشگاه اصفهان.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۸). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگه.
- بهشتی پور، مهدی (۱۳۶۴). *تاریخچه صنعت نساجی ایران*. تهران: اکونومیست.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *بیرجند نگین کویر*. تهران: دانشگاه تهران.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶). *رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۴). "نقش و نماد در سفالینه های کهن ایران". *فصلنامه هنر*، ش ۲۸ (بهار): ۳۶۱-۳۶۷.

تدوین مدل مفهومی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از نظریه داده بنیان (مورد مطالعه: دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور)

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۸

شماره صفحه: ۸۹-۱۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۵

اسداله عربخانی^۱

سید محمد سید میرزایی^۲

علیرضا کلدی^۳

چکیده

این مقاله ضمن بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی، به بررسی نقش این زنان در ارتباط با توسعه محلی می‌پردازد. در این مقاله از روش گراند تئوری و تکنیک‌های ارزیابی مشارکتی روستایی، مصاحبه نیمه ساخت یافته، مشاهده و قدم زدن در میدان و بحث گروهی استفاده گردیده و با روش گلوله برفی نسبت به انتخاب نمونه‌های آماری تا مرحله اشباع نظری (در نفر بیست و پنجم) در داده‌ها پرداخته و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده در میدان از طریق کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) با انتخاب مقوله مرکزی "توانمندسازی زنان روستایی"، اقدام به استخراج نظریه‌ای براساس داده‌های گردآوری شده از میدان پژوهش نموده است. سپس با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های خام گردآوری شده از میدان پژوهش، بر اساس اصول حاکم بر روش گراند تئوری یعنی رویه‌های تحلیل "سؤال کردن" و "مقایسه نمودن"، مفاهیم از دل داده‌های خام گردآوری شده از میدان تحقیق، استخراج گردید. سپس بر اساس همان روش، ابتدا در یک مرحله مقولات خرد از مفاهیم استخراج و در مرحله بعدی مقولات گسترده استخراج شده و سپس از طریق کدگذاری محوری سه مدل پارادایمی؛ پدیده عوامل

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، نویسنده مسؤول arabkhanias116@yahoo.com

۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

seyedmirzaie@yahoo.com

a. kaldi@Srbiau.ac.ir

۳. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

فردی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، پدیده عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی و پدیده عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، در راستای کدگذاری محوری ساخته شد و ضمن بیان روایت داستان مقوله محوری یا هسته‌ای "توانمندسازی زنان روستایی" در راستای کدگذاری انتخابی استخراج گردید و با توجه به عناصر تشکیل دهنده مقوله هسته‌ای، نظریه "توانمندسازی زنان روستایی به مثابه عاملی برای توسعه محلی" از داده‌ها استخراج و مدل مفهومی آن ترسیم گردید.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان روستایی، توسعه محلی، توسعه روستایی، مشارکت، رفاه اجتماعی

مقدمه

زنان به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی، بخش قابل توجهی از جمعیت جامعه را به خود اختصاص می‌دهند. آنان بیش از یک چهارم جمعیت کل جهان و حدود نیمی از جمعیت روستاهای ایران را تشکیل می‌دهند، هر چند از انعکاس فعالیت‌های آنان در آمارهای رسمی، خبری نیست و آنان جزء جمعیت غیرفعال اقتصادی طبقه‌بندی شده‌اند. کار مولد اما پرداخت نشده زنان روستایی نقش مهمی در افزایش درآمد خانواده و کاهش هزینه‌های تولید و تشکیل سرمایه دارد و از همه مهم‌تر بیانگر سهم آن‌ها در اقتصاد ملی کشور است، اما با این وجود از جمله محروم‌ترین گروه‌های جامعه هستند که همیشه به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر در تله‌ای از دام محرومیت مانند فقر گرفتارند. آمارها نشان می‌دهند که زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی ۶۰٪، در فعالیت‌های دامداری و عمده فعالیت‌های باغداری ۶۳٪، دارای نقش اساسی هستند اما این واقعیت‌ها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی به چشم نیامده است، و شاید به همین خاطر، به‌رغم اهمیت و نقش بارز زنان در ابعاد و جوانب مختلف زندگی روستایی و در تحولات و برنامه‌های اجرا شده به توزیع و ایجاد زیر ساخت‌های توسعه، سرمایه‌گذاری بسیار محدودتری در زمینه کلیه فعالیت‌های پشتیبانی برای آنان صورت گرفته است (عمادی، ۱۳۸۰: ۲۱). بنابراین، نقش زنان در برنامه‌های متعدد توسعه‌ای نادیده گرفته شده و این قشر مغفول مانده‌اند. بر همین اساس در مناطق شهری به صورت بسیار کم و در مناطق روستایی شاید بتوان

ادعا کرد که هیچ‌گونه تحرکی برای توانمندسازی آنان صورت نمی‌گیرد. برای فعال کردن زنان روستایی در توسعه بویژه توسعه پایدار محلی نیاز به توانمندسازی آنان است. بر همین اساس، باید ابتدا عوامل توانمندسازی زنان روستایی را شناسایی کرده تا بتوان نسبت به توانمند ساختن این قشر برای حضور در توسعه اقدام نمود. حال سؤال اساسی در این پژوهش این است که عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی چیست؟ به تعبیری دیگر شیوه‌های توانمندسازی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه چه می‌تواند باشد؟

اهمیت و ضرورت موضوع

زنان روستایی نقش مهم و تعیین کننده‌ای در روند توسعه روستایی دارند، تا آن‌جا که از جنبه اقتصادی، زنان روستایی تولید کننده بیش از نیمی از مواد غذایی هستند که در مناطق روستایی تولید می‌شود. زنان در واقع مدیران اقتصاد خانوار بوده، بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با آماده سازی، نگهداری و فرآیند مواد غذایی را بر عهده دارند و در امور مربوط به نگهداری از دام‌ها، تهیه مواد غذایی، جمع‌آوری سوخت و مدیریت اقتصاد خانوار، تولید صنایع دستی، اکوتوریسم^۱ روستایی، حفظ منابع طبیعی و ...، نیز نقش برجسته‌ای دارند. به‌طوری که این نکته به خوبی روشن است که سهم عمده‌ای از درآمد خانوارهای روستایی از طریق فعالیت زنان به دست می‌آید و در برخی موارد حتی سهم درآمد زنان در اقتصاد خانوار، بیش از سهم مردان است. در فرآوری مواد غذایی نیز، زنان نه تنها مدیریت تغذیه و تأمین مواد غذایی بلکه نقش اساسی را نیز در جمع‌آوری و تأمین سوخت برای تهیه و تولید مواد غذایی بر عهده دارند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که برای ایفای نقش بیشتر زنان روستایی در توسعه پایدار محلی باید آنان را توانمند ساخت و پیش زمینه این امر شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی آنان است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در دهستان عشق آباد شهرستان نیشابور است.

- شناسایی عوامل فردی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی؛
- شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی؛
- شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی؛
- ارائه یک مدل مفهومی از عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی.

سؤال تحقیق

عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در ارتباط با توسعه محلی در منطقه عشق آباد شهرستان نیشابور چیست؟

مبانی نظری

نظریات پیرامون نقش زنان در توسعه از نظریات فمینیستی و عمدتاً از نظریه بوزروپ^۱ تأثیر پذیرفته است. او نشان داده است که برنامه‌های توسعه به کار گرفته شده در کشورهای جهان سوم موفق نبوده و یا حتی در جهت عکس توسعه عمل کرده است. به اعتقاد بوزروپ برنامه‌ریزان به معنای واقعی به نابرابری جنسیتی پی نبرده‌اند. به اعتقاد او میان مسایل مربوط به زنان که لزوماً مشکل آفرین نیستند و مسایل جنسیتی که مرکز ثقل برنامه‌های توسعه در امور زنان است، باید تمایز قایل شد. مسایل جنسیتی بر اثر فاصله جنسیتی به وجود می‌آید و فاصله جنسیتی حاصل نظام تبعیض‌های موجود در جامعه است (لانگه، ۱۳۷۲: ۲۴).

در حوزه‌های آثار اقتصادی، اجتماعی مورد توجه فمینیست‌ها بر زنان سه دیدگاه یا نظر با هم رقابت می‌کنند. به نظر تیانو^۲، سه دیدگاه در این زمینه با هم در رقابت‌اند. در نظریه ادغام گفته می‌شود توسعه، با درگیر کردن هر چه بیشتر زنان در اقتصاد. زندگی

عمومی، به رهایی زنان و برابری جنسیتی می‌انجامد. در نظریه "حاشیه ای شدن" بیان می‌گردد توسعه سرمایه داری، زنان را بیش از پیش از ایفای نقش‌های تولیدی باز می‌دارد و به قلمرو خصوصی و خانه محدود می‌نماید. در این نوع توسعه، زنان کنترل خود را بر امکانات مادی از دست داده و از نظر مالی به مردان وابسته می‌گردند. در نظریه "بهره کشی" نیز بیان می‌گردد که مدرنیزه شدن به پیدایش نوعی نیروی کار ارزان زنانه منجر می‌شود. زنان در بخش تولید صنعتی نقش مهمتری پیدا می‌کنند، اما از آن جا که نیروی کار درجه دوم محسوب می‌شوند، در معرض بهره‌کشی قرار می‌گیرند (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۷۲-۷۵). برخی از فمنیست‌های دیگر هم معتقدند توسعه موقعیت زنان را وخیم‌تر کرده است، زیرا ورود اشکال تازه صنعت و برنامه‌های کمک رسانی، باور غربی در باره فمنیسم را تحمیل می‌کند. مردان برای کار ناچار به مهاجرت شده و ممکن است خانه را به کلی ترک کنند و مسئولیت عمده حفاظت از خانواده و تأمین نیازهای اقتصادی را علاوه بر زایش و پرورش فرزندان، بر دوش زنان بیفتد. شواهدی در تأیید نظریه ادغام وجود ندارد اما قراینی وجود دارد که نظریه حاشیه‌ای شدن را تأیید می‌کند. یعنی زنان از نقش‌های تولیدی محروم و در قلمرو خصوصی خانه محصور می‌شوند. به نظر می‌رسد این جریان در برخی از مناطق روستایی روی داده است. ولی در ظاهر در مناطق شهری و برخی دیگر از مناطق روستایی، فرآیند مدرنیزه شدن به ظهور شیوه‌های تازه بهره‌کشی انجامیده است که زنان را به نیروی کار ارزان و قابل مصرف در کارخانه و یا مزرعه تبدیل کرده است (همان: ۷۸).

نظریه توانمندسازی نیز بر مبنای تألیفات فمنیست‌ها و با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفته‌اند. این نظریه‌ها خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آن‌ها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند. نظریه‌های یاد شده خواهان رفع نابرابری در جامعه، تأمین همه احتیاجات اولیه زنان تقسیم کار در خانواده میان زن و مرد، امکان بهره‌برداری هر فرد از توانایی‌های خود و رفع تبعیض‌های قانونی بین زن و مرد هستند. لاینگه یکی از نظریه‌پردازان این گروه بر این اعتقاد است که برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را طی کرد که این مراحل عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل.

در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان (مانند تغذیه و درآمد) بررسی می‌شود. در این مرحله توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرند. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (مانند زمین، کار، سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش‌های مهارت‌زا (که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد) و حتی دسترسی خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند. مشارکت آنها باید با شمار آنها در جامعه متناسب باشد. برابری در کنترل به معنی توازن قدرت بین زنان و مردان است (لانگه، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

در نظریه گیدنز، عاملیت و ساختار، برای کوچکترین مساله مانند ذهنیت فرد تا نظام‌های جهانی قابل کار بست است، در نظریه ساختاری شدن، حیطه اصلی مطالعه علم اجتماعی نه تجربه فرد کنشگر و نه وجود هیچ شکلی از کلیت اجتماعی است، بلکه اعمال اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته‌اند. چارچوب تفکرات گیدنز بر حسب مسائل جامعه شناختی است. همین شالوده جامعه‌شناختی او را از سایر نظریه پردازان اروپایی که سعی دارند مسائل فلسفی را به وسیله ابزارهای جامعه‌شناختی حل کنند، متمایز می‌گرداند (کوهن، ۱۳۷۹: ۴۲۴). گیدنز ساختار را بر حسب قواعد و منابع تعریف می‌کند (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۳). او معتقد است جامعه‌شناسی فقط با در نظر گرفتن کردارهای اجتماعی به عنوان موضوع مطالعه می‌تواند بر دوگانگی سنتی کنش و ساختار فائق آید. این دوگانگی در واقع دو وجهی بودن است: یک "چیز" یا یک موضوع مورد مطالعه با دو وجه وجود دارد، بر اساس نظریه ساختاربندی، قلمرو پژوهش اساسی علوم اجتماعی نه تجربه کنشگر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی، بلکه کردارهای اجتماعی سامان یافته در زمان و مکان است (همان: ۱۴۴-۱۴۵). آمارتیا سن در کتاب توسعه به مثابه آزادی، فصلی را به زنان اختصاص داده است. این فصل تحت عنوان "نقش فاعلی زنان و تحولات اجتماعی"، به اهمیت بهداشت و سلامتی زنان با نقش فاعلی آنان اشاره می‌کند و تأثیر این نقش را در حوزه‌هایی مانند میزان فاعلیت زنان بر باروری و

تقویت بقای کودکان بررسی می کند.

آمارتپاسن این دو حوزه را نه تنها در جهت توانمندی زنان بلکه تأثیر آن را بر توسعه جوامع نیز مهم می شمارد. او نقش فاعلی زنان را از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی تا مشارکت های سیاسی قابل تعمیم می داند. سن فراگیری گسترده فاعلیت زنان را یکی از بخش های فراموش شده مطالعات توسعه می داند. به اعتقاد او در عصر حاضر هیچ چیزی مهم تر از درک کافی از مشارکت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان نیست. در واقع او توجه به این موضوع را بررسی جنبه مهم توسعه به مثابه آزادی می داند (سن، ۱۳۸۵: ۲۲۹).

اجلاس سازمان ملل روی توسعه و محیط زیست در ریو دوژانیرو در سال ۱۹۹۲ اتفاق مهمی برای زنان سراسر جهان بود. زیرا نقش زنان در دستیابی به نوعی متفاوت از توسعه را که به طور اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد، بازگشایی کرد و سهم اساسی آنان را در مدیریت محیط زیست و توسعه بیشتر مورد توجه قرار داد، در دستور کار ۲۱ این اجلاس، زنان به عنوان یک گروه اصلی که مشارکت آن ها در توسعه پایدار ضروری است، مورد توجه قرار گرفته اند (خسروی پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۶۵). بر اساس خط مشی اقدام در این اجلاس، توانمندسازی زنان، مشارکت کامل و برابری زنان، پایه هایی برای برابری صلح و توسعه پایدار هستند. براساس این خط مشی سیاست هایی که زنان و مردان را به طور یکسان دربرنگیرد، در بلند مدت موفق نخواهد بود (همان: ۵۸). در واقع توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود (روح افزا و اکرامی، ۱۳۸۸: ۱۷۰)، هر چند این تأکیدات طی چند دهه اخیر توجهاتی را به ضرورت بازنگری در برنامه ریزی های توسعه و تغییر در نگرش نسبت به نقش زنان در جامعه ایجاد کرده است، اما هنوز بسیاری از ابعاد این امر کاملاً مشخص نیست و هنوز زنان نتوانسته اند حتی در روند زندگی عادی روزمره خود، جایگاه خاصی در روند توسعه به دست آورند. در حقیقت به زنان به عنوان مجریان برنامه های توسعه ای که از سوی مردان

طراحی و تدوین شده به عنوان عامل اصلی نگرسته می‌شود. بنابراین، «مشارکت زنان را می‌توان به عنوان عامل اصلی در موفقیت برنامه‌ها به شمار آورد و از این لحاظ زنان باید در شکل دادن به برنامه‌ها دخالت نمایند و احساس نمایند که برنامه‌ها متعلق به آنهاست» (صفری شالی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). هم چنین، توانمندسازی فرایندی است که طی آن، زنان نسبت به سازماندهی خود توانمند می‌شوند، اعتماد به نفس خود را ارتقا می‌بخشند و از حقوق خود در ارتباط با انتخاب آزاد و کنترل بر منابع استفاده می‌کنند. در این فرایند، زنان جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود بهره‌مند می‌شوند. در رابطه با توانمندسازی زنان، مواردی چون اعطای استقلال مالی و رفع تبعیض از بازار کار را در افزایش توانمندسازی زنان مؤثر می‌دانند (کتابی، یزدخواستی، فرخ راستایی، ۱۳۸۲: ۲۵). در ساده‌ترین تعریف توانمندسازی، فرایندی است که طی آن افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی خود و شرایطی که بر آن حاکم است، آگاهی می‌یابند و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب با شناسایی نیازها و دارایی‌های خود برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان‌یافته انجام می‌دهند. بر اساس این نظر، سازمان‌های سنتی و محلی باید تقویت شوند. از این رو، به نظر می‌رسد، توانمندسازی، ترکیبی از نظریه رفاه، برابری و فقرزدایی می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

بنابراین، توانمندسازی در عرصه توسعه روستایی، یک انتخاب راهبردی است که می‌تواند گذار موفقیت‌آمیز توسعه روستایی را به ارمغان آورد (حیدری ساربان، یاری حصار، طالعی حور، ۱۳۹۳: ۲۷). عده‌ای نیز توانمندسازی را نوعی استراتژی مدیریتی برای تسهیم قدرت تصمیم‌گیری می‌دانند (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۶). بنابراین، توانمندسازی عبارت است از، کسب قابلیت‌هایی که طی آن فرد و جامعه توانایی کنترل یا تأثیرگذاری بر نیروهای تعیین‌کننده خود را به دست می‌آورند (دارابی، ۱۳۸۴: ۱۵). در کشورهای در حال توسعه، کشاورزی در مرکز اقتصاد ملی قرار دارد و زنان نقش اصلی را در تولید غذا به عهده دارند. بنابراین، نقش آن‌ها در تولیدات کشاورزی و فراوری به رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌انجامد. زنان اغلب به صورت کارگر خانواده و حقوق بگیر محسوب می‌شوند و کنترلی بر اغلب موارد و دیگر فرصت‌ها

ندارند و نقش آن‌ها در توسعه کشاورزی و توسعه اقتصادی و اجتماعی محدود می‌ماند. اگر چه زنان نقش قابل توجهی در اقتصاد خانواده خود دارند، اما هنوز مردان مدیریت خانواده و مالکیت دارایی‌ها را بر عهده دارند (Molyneux, 2011: 35). بنابراین، با توجه به نقش و اهمیت جایگاه زنان در توسعه، توانمندسازی آنان به عنوان رویکرد و راهبردی نوین مد نظر قرار گرفته است و توانمندسازی زنان به این معنی است که کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویش باشند، به استعدادهای خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، اهداف خود را بشناسند و با افزایش توانمندی خویش به اهداف مورد نظر دست یابند (بریمانی و نیک‌منش، ۱۳۹۱: ۶۹). مشارکت به معنای دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگیشان و محیط زیست خودشان است. مشارکت روستائیان در توسعه روستایی، به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی مطرح است. نگرش سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد و مشارکت تمام اقشار روستایی، اعم از زن و مرد و جوان و بزرگسال را پیش نیاز دستیابی به اهداف توسعه می‌داند (علی‌بیگی و بنی‌عامریان، ۱۳۸۷: ۳۴۶). بنابراین، مشارکت دادن زنان در برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه باعث می‌گردد که آنان اطلاعات و شناختی که در اثر سالیان متمادی در محیط زندگی خود به دست آورده‌اند به راحتی و بدون صرف هزینه‌ای در اختیار برنامه‌ریزان توسعه قرار دهند. و این امر می‌تواند در نهایت، در راستای توسعه پایدار بسیار مهم باشد (صفری‌شالی، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

پیشینه تحقیق

میشراپاندا (Mishra panda, 2000: 145)، در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده است که برای درک درست فرآیند توانمندسازی، دید سیستم‌ها را که در آن همه عناصر به هم پیوسته مانند مؤسسه خارجی (NGO)^۱، گروه هدف، برنامه توسعه، محیط‌های فوری

گروه هدف و مؤسسه خارجی و محیط بزرگ که گروه هدف و (NGO) را که در آن قرار دارند را باید مورد تحلیل قرار داد. آمشن کر (Umashankar, 2006: 5) در بخش نوات ایالت شمالی به این نتیجه رسیده است که دسترسی به اعتبار می تواند به توسعه پایگاه مالی زنان و توسعه کسب و کارهای کوچک که اغلب همراه با دسترسی به بازار است کمک کند. شیخ خطیبی (Shaikh khatibi, 2011: 29) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که یک رابطه بین توانمندسازی زنان و مدیریت وجود دارد و زنان می توانند به عاملان ارتقای پایداری تبدیل شوند. هم چنین، هیل (Hill, 2011: 23) در نمونه موردی غنا به این نتیجه رسیده است که توانمندسازی زنان روستایی باید مورد توجه دولت ها، جامعه مدنی و دیگر ذینفعان مورد توجه قرار گیرد و روش هایی را برای تسهیل مشارکت و رهبری کامل زنان در فرآیندهای تصمیم گیری بیان نموده اند. رادگبر (Rathgeber, 2011: 51) هم در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که بسیاری از فن آوری های جدید و نو ظهور برای توانمندسازی زنان پتانسیل خوبی را ایجاد می کند، اما به خاطر سطح تحصیلات کمتر، دسترسی کمتر آن ها به اعتبار، فقدان اجاره داری زمین آن ها و دیگر شیوه های تبعیض آمیز، مردان اغلب نافعان فن آوری های جدید و بهبود یافته هستند و فقیرترین زنان به استفاده از فن آوری های سنتی کاربر ادامه می دهند و یا اصلاً از هیچ فن آوری استفاده نمی کنند.

بدری و نعمتی (۱۳۹۰) در مطالعه موردی استان گلستان به این نتیجه رسیده اند که عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی رابطه تنگاتنگی با میزان موفقیت دهیاری در روستاهای کوچک دارد، علاوه بر این که دهیاری در روستاهای پرجمعیت نیز به دلیل دریافت سرانه اعتباری بیشتر موفق تر از روستاهای کوچک عمل کرده است. خانی و دیگران (۱۳۹۱) نیز در روستای کن و سولقان در شمال غرب تهران به این نتیجه رسیده اند که علاوه بر وجود همگرایی و واگرایی میان دو جنسیت در برخی موارد، به دلیل ماهیت ارتباط گردشگری، موجب کسب آگاهی بیشتر زنان و افزایش ارتباطات اجتماعی آنان شده است، اما به کاهش نابرابری های جنسیتی و جلب مشارکت عملی آن ها در فعالیت های مربوطه منجر نشده است. حسینی و رهنورد (۱۳۸۷) هم در تحقیقی به این نتایج دست یافته اند که مهمترین عوامل تأثیرگذار در توانمندسازی

عبارت است از: نگرش مدیریت، ساختار گروهی، ارزش‌های بین گروهی، و روابط اطلاعاتی. هم‌چنین یافته‌های تحقیق نجفی کائی و وصال (۱۳۹۴) حاکی از آن است که مدیران محلی با عملکردهای خود تأثیر قابل توجهی در زمینه‌های مختلف اعم از ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، افزایش درآمد، تقویت تعاونی‌ها و تشکلهای زنان و هم‌چنین توجه به مهارت‌های زنان روستایی در دهستان استرabad جنوبی داشته‌اند. به عقیده ایمانی جاجرمی و کریمی (۱۳۸۸)، مهمترین چالش اجتماعی مدیران روستایی، سهم اندک زنان و مشارکت آنان در مدیریت روستایی علی‌رغم جمعیت قابل توجه آنان در ساختار جمعیت روستاها است. هم‌چنین، نتایج تحقیق وثوقی و قاسمی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که توسعه اکوتوریسم میزان توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی و مالی و روانی زنان را به طور معناداری افزایش داده است. نتایج پژوهش کلدی و سلحشوری (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روان‌شناختی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی جسمی و توانمندسازی کلی تأثیر داشته است. کیمیائی (۱۳۹۰): ۶۳ نیز در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده است که اجرای برنامه توانمندسازی نه تنها به اشتغال، افزایش سطح درآمد و کاهش وابستگی زنان سرپرست خانوار منتهی می‌شود بلکه توانایی آن‌ها در حوزه‌های روان‌شناختی را نیز به دنبال دارد. چرمچیان لنگرودی و علی‌بیگی (۱۳۹۲: ۱۶۵) به این نتیجه رسیده‌اند که توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان ساری به وسیله شش عامل میزان ارتباطات، میزان گرفتن وام از منابع گوناگون، میزان مفید بودن روش‌ها و رهیافت‌ها، موانع، راهکارها و تحصیلات است. (فال‌سلیمان و دیگران، ۱۳۹۱) در پژوهشی نشان می‌دهند که زنان، با تشکلهای سازمان یافته در قالب گروه‌های توسعه روستایی در امر احیای مراتع در فعالیتهای بذرچینی از گیاهان بومی منطقه، احداث نهالستان، کاشت و آبیاری گونه‌ها، در تمام عرصه احیای مراتع مشارکت مستقیم داشته‌اند. نتایج پژوهش بریمانی و نیک‌منش (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است. هم‌چنین، سروش مهر، کلانتری و شعبانعلی فمی (۱۳۸۹: ۱۰۷) در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان، سه عامل مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی است

در پایان ذکر این نکته ضروری است که در این مطالعه هرچند نظریاتی برای کمک به موضوع و روشن شدن آن آورده شده است، اما این مطالعه در چارچوب این نظریات پیش نمی‌رود. زیرا این مطالعه بر آن است تا خود فارغ از هر نظریه‌ای و براساس مطالعه عمیق و با روش‌های کیفی با استفاده از ساخت نظریه بنیانی، نظریه را از دل مطالب جمع‌آوری شده در میدان به‌دست آورد.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش نظریه داده بنیان استفاده گردیده است. این روش با استفاده از جمع‌آوری سیستماتیک و منظم داده‌ها و توسعه روش‌ها به شکل قیاسی و بنیانی در ارتباط با یکدیگر به کار می‌رود. هدف نظریه داده بنیان ایجاد نوعی نظریه است که علاوه بر وفادار ماندن به واقعیت، تعیین کننده ناحیه مورد نظر نیز باشد. از این‌رو، این نظریه ذاتاً تعمیم‌پذیری آماری ندارد و در عوض دارای تعمیم‌پذیری مفهومی است. نظریه داده بنیان شامل سه عنصر اصلی است: مفاهیم، مقولات و قضایا که اساسی‌ترین واحدهای تحلیل هستند و از طریق مفهوم سازی داده‌ها ایجاد می‌شوند (Molyneux, 2011). در نظریه داده بنیان برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده و تبدیل آن به مفاهیم، مقولات و قضایا، از روش کدگذاری استفاده می‌گردد که بر اساس اصول کدگذاری یعنی "پرسیدن" و "مقایسه کردن" صورت می‌گیرد. تبدیل داده‌های خام به مفاهیم و نیز تبدیل مفاهیم به مقولات در کدگذاری باز و تبدیل مقولات به قضایا در کدگذاری محوری صورت می‌گیرد، که مورد اخیر در چارچوب عناصر ششگانه "شرایط علی"، "پدیده"، "زمینه"، "شرایط مداخله گر"، "راهبردهای کنش/ واکنش" و "پیامدها" صورت می‌گیرد. دست یافتن به "مقوله محوری" یا "هسته‌ای" از طریق کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد. در کدگذاری انتخابی تحلیل داده‌ها به وسیله خط داستان انجام می‌شود و پس از بیان خط داستان و شرح آن، مجدداً در یک مدل پارادایمی پدیده محوری یا هسته‌ای به همان سبک مقوله محوری، بررسی شده و با کنار هم گذاشتن عناصر آن، یک نظریه که عناصر اساسی پژوهش را در خود داشته باشد، ساخته می‌شود.

حوزه جغرافیای تحقیق: ۵ روستا از دهستان عشق‌آباد، از بخش میان جلگه

شهرستان نیشابور از استان خراسان رضوی. شهرستان نیشابور یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی مشهد بر سر راه مشهد-تهران واقع گردیده است. شهر تاریخی، فرهنگی نیشابور مرکز این شهرستان است. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های قوچان و مشهد و غرب به شهرستان سبزوار، از شرق به شهرستان مشهد و از جنوب به شهرستان کاشمر و تربت حیدریه منتهی می‌گردد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

جامعه مشارکت کنندگان: جامعه مشارکت کنندگان، ۲۵ نفر زنان روستایی ۵ روستا از دهستان عشق آباد، بخش میان جلگه شهرستان نیشابور استان خراسان رضوی است.

تعریف واژه‌ها

توانمندسازی: توانمندسازی را می‌توان فرآیندی دانست که طی آن، افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی یافته و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب با شناسایی نیازها و دارایی‌های خود، برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان یافته انجام می‌دهند. بر اساس این نظریه، هر فرد باید موقعیت آن را داشته باشد که از تمام توانمندی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

توانمندسازی زنان روستایی: توانمندسازی زنان روستایی نیز همچون مفهوم کلی توانمندسازی به معنای مقابله به وضعیت بی‌قدرتی زنان روستایی است. این مفهوم به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان روستایی اطلاق می‌شود. در طی این فرآیند زنان روستایی، برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در تعیین سرنوشت خود و غلبه بر نابرابری بنیانی شده و موجب می‌گردد که زنان روستایی برای انجام برخی کارها توانایی پیدا کنند که این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر شده و در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع می‌شود (همان: ۷۱۱).

توسعه پایدار: استفاده بهینه از کلیه منابع برای توسعه نسل امروز با حفظ حقوق نسل‌های آینده باشد. تعهدات این توسعه تا سال ۲۰۱۵ عبارت است از: ریشه کن کردن

فقر، همگانی کردن آموزش ابتدایی، ارتقای برابری جنسیتی و توانمند کردن زنان، کاهش میزاد مرگ و میر کودکان، بهبود بخشی بهداشت مادران، مبارزه با گسترش بیماری‌های خطرناک، اطمینان از پایداری محیط زیست و معکوس کردن تخریب آن (عربیون، ۱۳۸۵: ۸۶).

توسعه محلی: منظور از توسعه محلی همان توسعه بومی است. به تعبیری توسعه‌ای است که مبتنی بر بومی‌سازی و متکی بر دانش بومی به توانمندسازی جامعه و توان بخشی اجتماعی کمک می‌کند (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

مشارکت: در این جا، مشارکت به معنای دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگی‌شان و محیط زیست خودشان است. مشارکت روستاییان در توسعه روستایی، به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی مطرح است. نگرش سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد و مشارکت تمام اقشار روستایی، اعم از زن و مرد و جوان و بزرگسال را پیش نیاز دستیابی به اهداف توسعه می‌داند (طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴).

توسعه روستایی: فرایندی است که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خود اتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می‌کند که در آن‌ها قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان را تقویت کنند تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب تر تغییر دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۲).

رفاه اجتماعی: به معنای نظامی از خدمات، مؤسسات یا نهادهای اجتماعی است که به منظور کمک و خدمت به افراد به وجود آمده، تا سلامت، زندگی بهتر و زمینه روابط مناسب تری برای پیشرفت قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی انسان‌ها به منظور توسعه رفاه آن‌ها فراهم آورد (میجلی، ۱۳۸۷: ۴).

دانش بومی: دانش بومی دانشی است که ریشه در فرهنگ خاص و منطقه‌ای خاص داشته و از سال‌ها سال پیش شکل گرفته و به صورت عملی و از طریق آزمون و خطا مورد آزمایش قرار گرفته و به صورت شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده است. این دانش به صورت تجربی و استاد شاگردی بوده و کل نگر است

(یوسفی، ۱۳۹۰: ۲۵).

یافته‌های تحقیق

گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها: به منظور گردآوری داده‌ها ابتدا برخی از افراد مطلع در منطقه شناسایی شدند و سپس برای اجرای بهتر نظریه داده بنیانکار با ارزیابی سریع روستایی (RRA)^۱ شروع گردید. پس از برنامه‌ریزی و بسترسازی برای اجرای این روش مشارکتی، به گردآوری داده‌ها بر اساس سؤالات نیمه ساختار یافته که از قبل تنظیم شده بودند، مصاحبه شروع گردید. گردآوری داده‌ها با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف مانند بحث‌های گروهی، PRA^۲، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، مشاهده، قدم زدن در روستاها و ... ادامه یافت مصاحبه با تکنیک گلوله برفی انجام شد و در نفر ۲۵ به اشباع نظری رسید.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام گردآوری شده از میدان پژوهش، ابتدا، بر اساس اصول و شیوه کار در گراند تئوری به صورت کدگذاری باز، از درون کلیه داده‌های گردآوری شده از میدان، شامل یادداشت‌ها، تصاویر و فایل‌های صوتی، ۲۰۰ داده خام، شامل کلمات، پاراگراف‌ها و جملات، استخراج گردید و در جداولی تنظیم شدند که به دلیل زیاد شدن حجم از آوردن آن‌ها صرفاً به یک نمونه اشاره می‌گردد. سپس بر اساس اصول کدگذاری از دو شیوه "پرسیدن" و "مقایسه کردن" برای تبدیل داده‌های خام گردآوری شده به مفاهیم استفاده گردید. در همین راستا، از مجموع داده‌های خام گردآوری شده از میدان، ۴۱ مفهوم استخراج و برای تبدیل "مفاهیم" به "مقولات"، مفاهیم با رعایت ضوابط حاکم بر کدگذاری، مفاهیم به ۱۰ "خرده مقوله" تقسیم گردید. در ادامه مجدداً همان روند جهت تنظیم "مقولات گسترده" اجرا شد، که در این مرحله ۳ مقوله گسترده به دست آمد. در گام بعدی، کدگذاری محوری صورت گرفت. کدگذاری محوری فرآیند مرتبط کردن مقولات فرعی به مقولات اصلی تر را شامل می‌شود. این عمل شامل تفکر پیچیده استقرایی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام

1. Rapid Rural Appraisal

2. Participatory Rural Appraisal

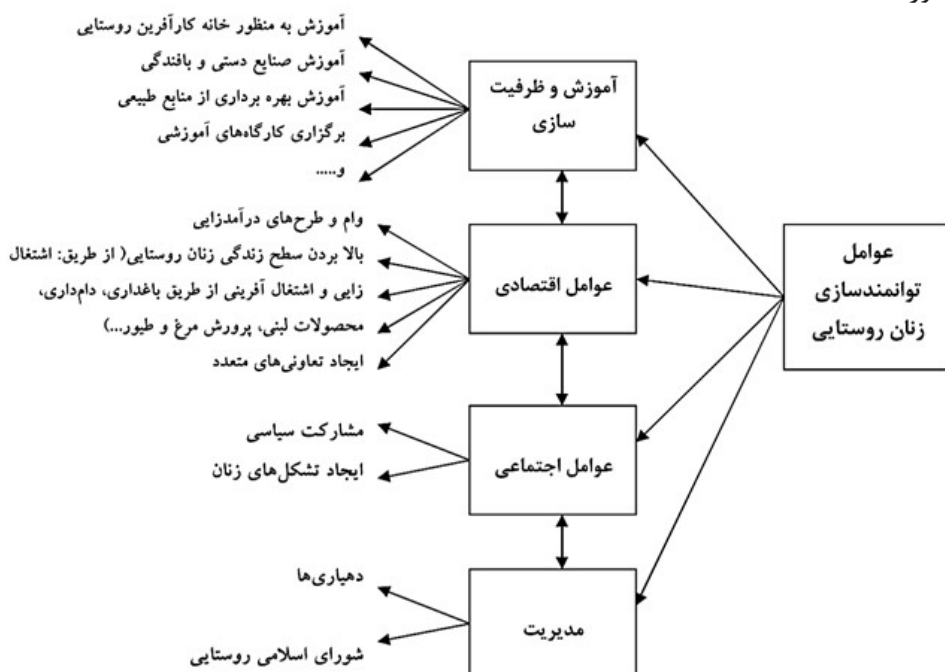
گرفته است و مقولات بر اساس "الگوی پارادایمی" ایجاد و کشف شدند. در این مرحله سه مدل پارادایمی پدیده عوامل فردی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، پدیده عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی و پدیده عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی ساخته شد و در الگوی پارادایمی مقولات فرعی هر پدیده با مقولات اصلی تر خود مرتبط گردید که به دلیل حجم مقاله از آوردن مدل ها خودداری می گردد.

جدول (۱) یک نمونه از داده های خام جمع آوری شده از میدان و مفهوم سازی و مقوله سازی

مقولات گسترده	مقولات خرد	مفاهیم	داده های گردآوری شده
عوامل مؤثر بر توانمندسازی	آموزش و ظرفیت سازی	توسعه خانه کارآفرینی روستایی	توانمندسازی در امور بافندگی زنان روستایی
			آموزش صنایع بافندگی به زنان روستایی
			اشتغال زایی برای زنان روستایی
			اشتغال آفرینی در صنایع دستی برای زنان روستایی
			فعالیت های آموزشی به منظور تأمین برای زنان روستایی
		توانمندسازی زنان روستایی	توانمندسازی زنان روستایی از طریق آموزش های مختلف
			برگزاری بازدیدهای آموزشی برای زنان
			برگزاری کارگاه های آموزشی
			توانمندسازی زنان روستایی در امور باغداری
			توانمندسازی زنان روستایی در امور صنایع بافندگی
			توانمندسازی زنان روستایی در امور دامداری
			توانمندسازی زنان روستایی در امور صنایع دستی
			توانمندسازی زنان روستایی در امور زراعت نوین
			توانمندسازی زنان روستایی در امور ریسندگی نوین
			آموزش دامپزشکی به زنان روستایی
			آموزش حفاظت محیط زیست به زنان روستایی
			آموزش منابع طبیعی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج استخراج شده از جداول و مدل‌های پارادایمی به صورت فشرده در نمودار ۱ آورده است.



نمودار شماره ۱- عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی منطقه مورد مطالعه

عوامل فردی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی: یکی از عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، آموزش و ظرفیت‌سازی است که شامل: آموزش به منظور توسعه خانه کار آفرینی روستایی (آموزش خیاطی زنان توسط دولت و سازمان‌های نیمه دولتی)، توانمندسازی در امور بافندگی و فعالیت‌های آموزشی به منظور تأمین شغل (ایجاد کارگاه آموزشی قالی بافی، گبه بافی، جاجیم بافی، کیف زنانه بافی) با مشارکت مردم، توانمندسازی از طریق آموزش دامپزشکی به بهره‌برداران، توانمندسازی از طریق آموزش حفاظت محیط زیست، برگزاری کارگاه زیست محیطی (انجام بازدید بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه از پروژه‌های مشارکتی سایر مناطق، برگزاری کارگاه

آموزشی کوتاه مدت پرداخت برای بهره‌مندی از مواهب طبیعی، برگزاری دوره آموزش مفاهیم محیط زیست و مرتع، انجام بازدید علمی جامعه زنان منطقه مورد مطالعه، برگزاری کارگاه چالش‌ها و تعارض قوانین، توانمندسازی از طریق تسهیلات مالی و وام (طرح‌های در آمد زایی و وام) است.

عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی: بعد دیگر موضوع، بالا بردن سطح زندگی زنان روستایی منطقه مورد مطالعه است که از طرق زیر صورت می‌گیرد: از طریق ارتقای توانمندسازی زنان (درآمد، اشتغال و مسایل فرهنگی و اجتماعی) شامل کسب درآمد از بافتن قالی، جاجیم بافی، گبه بافی، خیاطی، باغداری، زراعت جو، گندم و زعفران، توسط زنان منطقه مورد مطالعه، اشتغال‌زایی و اشتغال آفرینی از طریق محصولات لبنی (کسب درآمد از طریق فروش روغن حیوانی، کره حیوانی، شیر، ماست، دوغ، قره قروت، پشم)، ایجاد دام‌داری پرواری با پشتیبانی دولت و مشارکت مردم، ایجاد اشتغال از طریق پرورش مرغ و طیور با مشارکت مردم و با پشتیبانی دولت، برنامه‌ریزی توریسم روستایی (اکوتوریسم روستایی و اشتغال).

در کنار این موارد بایستی به ایجاد تعاونی‌ها توجه ویژه کرد که در این راستا مواردی چون: تأسیس صندوق برنامه‌ریزی و توسعه روستایی، اعطای وام‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به مردم، اعزام گروه تسهیل‌گری به روستا برای کمک به زنان روستایی نیز باید مد نظر قرار گیرد.

عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی

تشکل‌های زنان یکی از شیوه‌های مؤثر بر توانمندسازی زنان است. در این شیوه خدمات متعدد مؤثری به زنان ارائه داده خواهد شد که بر توانمندسازی آنان تأثیر می‌گذارد و موجب پیروزی بر موانع توانمندسازی آنان خواهد شد. از جمله این خدمات می‌توان به ارائه خدمات مشاوره‌ای به زنان روستایی، توانمندسازی آنان برای استفاده از سازمان‌های حمایتی، مهارت آموزی، مشارکت در انواع عرصه‌ها، ارائه خدمات اجتماعی به زنان روستایی اشاره کرد. برای دستیابی به اهداف توسعه همه‌جانبه، مشارکت روستاییان بویژه زنان روستایی در برنامه‌های توسعه بسیار ضروری است. زیرا بدون همکاری آنان،

هرگونه طرح توسعه با مشکل روبه رو خواهد شد. این گونه مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها باید در سطح توده مردم گسترش یابد. در حال حاضر، نه تنها زنان روستایی در تمام مراحل چرخه توسعه نقش ندارند، بلکه برخی از نهادهای مشارکتی جدید حالت نمایشی یافته‌اند. از این رو، باید در راستای توسعه محلی به علائق مادی (اقتصادی و اجتماعی) زنان روستایی که مهمترین عامل انگیزه‌ساز برای مشارکت است، توجه گردد.

مدیریت روستایی: یکی دیگر از عواملی که در جریان توانمندسازی زنان منطقه مورد مطالعه دخالت دارد، پدیده مدیریت روستایی است. نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که هر جا مدیریت محلی (مثلاً دهیارها) به کمک زنان شتافته‌اند، با موفقیت همراه بوده‌اند.

یکی دیگر از ابعاد مدیریتی روستایی در این پژوهش، شورای اسلامی روستایی است. نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از میدان تحقیق نشان می‌دهد که امکانات مادی و تخصصی ضروری، برای هزینه طرح توسعه و وجود نیروهای متخصص در منطقه وجود ندارد و یا اگر دارد، از ساختار مناسبی برخوردار نیست. برای مثال، نهاد مشارکتی محلی شورا در روستاها وجود دارد، ولی از ساختار مناسبی برخوردار نیست. هم‌چنین، امروزه زنان به‌طور فراملی مشغول سازماندهی هستند و مسایل مربوط به جنسیت را در این فرآیند حالت جهانی پیدا می‌کند. نتیجه حضور رقابتی زنان و مردان در عرصه‌های مشترک، افزایش عرصه نیروی کار بدون ایجاد تقاضا و فرصت‌های شغلی در بازار کار است که به افزایش نرخ بیکاری، افت دستمزد و مهاجرت نیروی کار منجر می‌گردد.

نقش زنان روستایی دهستان عشق آباد نیشابور در توسعه محلی: با عنایت به مطالب بالا و نیز نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از میدان این تحقیق درمی‌یابیم که اگر زنان را توانمند کنیم، آنان در توسعه محلی نقش مؤثری ایفا خواهند نمود. به تعبیری دیگر، اگر زنان روستایی منطقه مورد مطالعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و تولیدی، اجتماعی و مدیریتی توانمند گردند، به خوبی می‌توانند در کنار مردان در امر توسعه محلی مشارکت جدی و فعال داشته باشند. در بعد اجتماعی و مشارکت، اگر از طریق مشاوره و آموزش‌های لازم و ایجاد تشکلهای

متعدد بر توانمندسازی زنان افزوده گردد، آنان می‌توانند در توسعه محلی دارای نقش بسزایی باشند. به تعبیری اگر برای زنان روستایی منطقه مورد مطالعه در برنامه‌های توسعه محلی نسبت به گذشته نقش و سهم بیشتری در نظر گرفته شود آنان می‌توانند در آینده، خود را به‌عنوان یکی از دو ستون اصلی توسعه در منطقه مورد مطالعه مطرح کنند و این امر به کمک آموزش و توانمندسازی زنان و ایجاد تشکلهای زنان و هم‌چنین حمایت‌های مادی و معنوی از زنان دست یافتنی است. از این رو، مصلحین توسعه روستایی به‌عنوان کسانی که در امر توسعه دخالت دارند، باید به این موارد توجه نمایند

۱- برای مناطق روستایی به طور عام و زنان روستایی به طور خاص در برنامه‌های توسعه اولویت ویژه قائل شوند تا کم‌توجهی گذشته نسبت به حضور زنان در توسعه جبران گردد؛

۲- دوگانگی در برنامه‌های رفاهی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی زنان روستایی و شهری از میان برداشته شود؛

۳- زنان روستایی به‌طور هم‌زمان، هم در عرصه نظری و هم در عرصه‌های عملی باید نقش فعال‌تری را در جامعه برعهده بگیرند؛

۴- برای دستیابی به اهداف توسعه، از بین بردن تبعیض‌های قانونی ضروری است. در بعد اقتصادی، تولیدی و ایجاد اشتغال نیز زنان می‌توانند نقش عمده‌ای را در توسعه محلی در منطقه مورد مطالعه ایفا نمایند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زنان منطقه مورد مطالعه در صحنه فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی و اشتغال می‌توانند نقش تأثیرگذاری ایفا نمایند. زنان این منطقه در فعالیت‌های مختلف اقتصادی مشارکت دارند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مهمترین فعالیت‌های زنان منطقه مورد مطالعه عبارتند از: کشاورزی و باغداری، پرورش دام و طیور، خیاطی، صنایع دستی مانند قالی، تهیه و فروش محصولات لبنی و نیز نگهداری انواع محصولات و همین‌طور فعالیت‌های مربوط به مدیریت خانه نقش ویژه‌ای بر عهده دارند. آنان هم‌چنین در نظافت آغل و اصطبل، تیمار دام‌ها، انتقال فضولات دامی به بیرون و تهیه مواد سوختی نقش زیادی دارند. اما در نظر نگرفتن و نیز بی‌توجهی به توانمندسازی زنان و نیز کم‌رنگ بودن

مشارکت آنان در مراحل متعدد فعالیت‌های تولیدی، با وجود قابلیت‌ها و مهارت‌های زنان به هر دلیلی موجب کم شدن تولید در این روستاها خواهد شد.

در بعد مدیریت که موجب می‌شود زنان دستشان باز باشد، در بعد اقتصادی به بازار محلی در آمد تزریق می‌کنند، در بعد اجتماعی از فکر و ایده آنان استفاده می‌شود، در بعد روانی و فردی نیز خود اتکا می‌شوند.

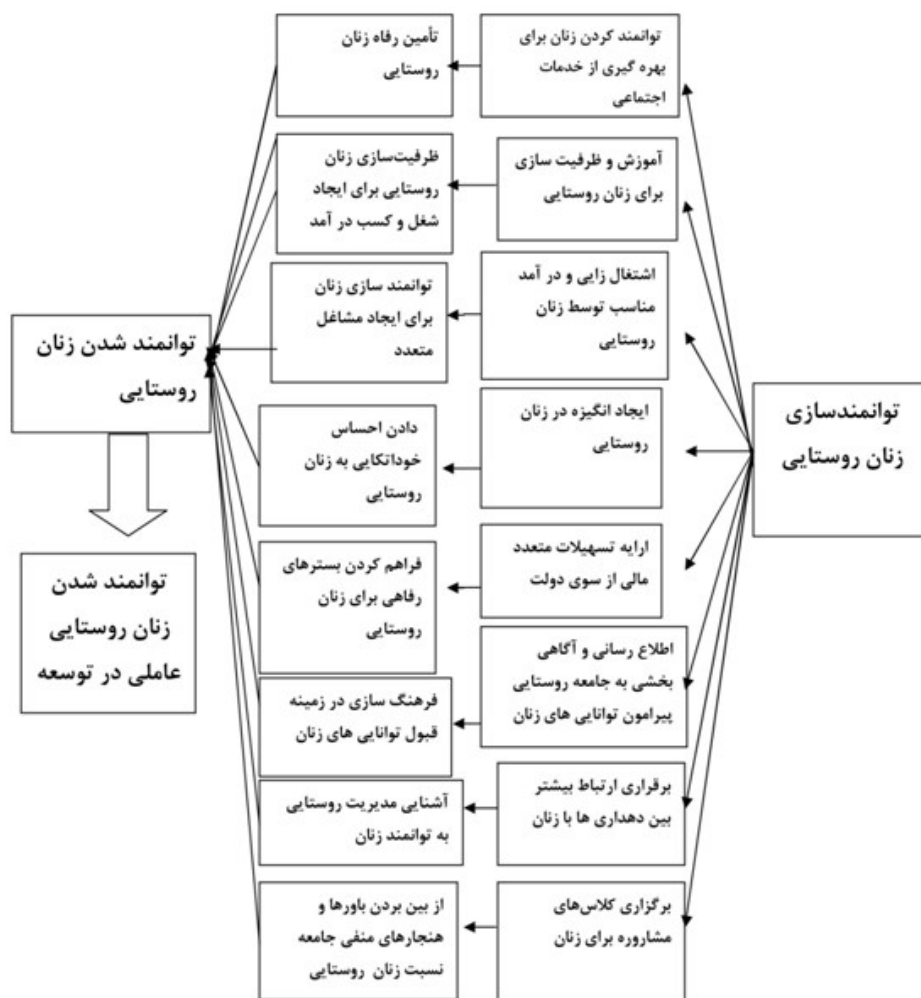
با توجه به عوامل بالا زنان روستایی عرصه‌های فعالیت تولیدی و اشتغال مناسبی در منطقه مورد مطالعه برای توسعه محلی پیش روی خود دارند که با این امر موجب ارتقای سطح زندگی خود در همه ابعاد خواهند شد.

اشتغال‌زایی و اشتغال‌آفرینی از طریق محصولات فرعی مرتعی، اشتغال‌زایی و اشتغال‌آفرینی از طریق مرغ‌داری و پرورش سایر طیور، ایجاد اشتغال از طریق ایجاد کارگاه‌های خیاطی، ایجاد اشتغال از طریق کشاورزی مکانیزه اعم از زراعت جو، گندم و صیفی‌جات، ایجاد دامداری پرواربندی که همه این‌ها با مشارکت زنان روستایی و البته با حمایت‌های دولتی و ایجاد زمینه مشارکت زنان در همه عرصه‌ها امکان‌پذیر است که در این راستا ایجاد تعاونی‌ها نیز توسط مشارکت‌کنندگان برای این امر پیشنهاد گردیده است، از ابعاد دیگر فعالیت و توانمندی‌های زنان روستایی است. این موارد حاکی از اهمیت نقش زنان در توسعه محلی در منطقه مورد مطالعه است.

کد گذاری انتخابی پدیده "توانمندسازی زنان روستایی": کدگذاری محوری سه مدل پارادایمی پدیده عوامل فردی توانمندسازی زنان روستایی، پدیده عوامل اقتصادی و پدیده عوامل اجتماعی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی ساخته شد، که از تلفیق و توأم کردن مقولات اصلی مدل‌های ذکر شده یک مدل پارادایمیک تحت عنوان "عوامل توانمندسازی زنان روستایی" ساخته شد و برای شکل‌گیری اولیه چارچوب مدل مورد استفاده قرار گرفت، که به دلیل زیاد شدن حجم مقاله از آوردن آن خودداری می‌گردد. حال با توجه به مطالب بالا و با پیگیری روند روایت داستان و برداشت مفهومی و نیز تکرار مقولاتی چون؛ نیاز به توانمندسازی زنان روستایی، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، مشارکت و توانمندسازی زنان روستایی، توانمندسازی زنان روستایی و نقش آن در توسعه محلی و غیره می‌توان "توانمندسازی زنان روستایی" را به‌عنوان

"مقوله محوری" یا "هسته ای" انتخاب کرد.

نظریه حاصل از تحقیقات میدانی: با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها که بیان شد، می‌توان در خصوص ارائه یک نظریه که تمام عناصر پژوهش را در خود داشته باشد اقدام کرد. در این راستا نظریه "توانمندسازی زنان روستایی به مثابه عاملی برای توسعه محلی" پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از میدان به دست آمد.



نمودار شماره ۲- مدل مفهومی نظریه توانمندسازی زنان روستایی به مثابه عاملی برای توسعه محلی

منابع

- ابوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۰). *جامعه شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی/ایران*. تهران: نشر نی.
- ایمانی جاجرمی، حسین؛ کریمی، علیرضا (۱۳۸۸). "چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی در مدیریت محلی". *توسعه روستایی*، دوره اول، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۹۰-۱۱۴.
- بدری، سیدعلی؛ نعمتی، مرتضی (۱۳۹۰). "چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارایه سیاست‌های راهبردی". *سیاست‌گذاری، سال دوم، ش ۲ (بهار): ۱۴۷-۱۸۰*.
- بریمانی، فرامرز؛ نیک‌منش، زهرا (۱۳۹۱). "بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی (نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس)". *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال یکم، ش ۱ (تابستان): ۶۹-۸۲.
- چرمچیان لنگرودی، مهدی؛ علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۹۲). "بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی". *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، سال چهارم، ش ۱ (بهار): ۱۶۵-۱۹۲.
- حسینی، نسرین؛ رهنورد، فرج‌اله (۱۳۸۷). "عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان". *پژوهش‌های زنان*، دوره ششم، ش ۱ (بهار): ۱۰۵-۱۱۸.
- حیدری ساربان، وکیل؛ یاری حصار، ارسطو؛ طالعی حور، وحید (۱۳۹۳). "ارزیابی اثرات اقتصادی اجرای طرح هادی در سکونتگاه‌های روستایی (نمونه مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان خرم‌آباد)". *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، سال هجدهم، ش ۴ (زمستان): ۲۵-۳۸.
- خانی، فضیله، و دیگران (۱۳۹۱). "ارایه الگوی توانمندسازی زنان روستایی استفاده کننده از ICT". *توسعه روستایی*، دوره چهارم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۸۵-۱۰۸.
- خسروی‌پور، بهمن؛ فروشانی، ناهید (۱۳۹۰). "مشارکت زنان و توسعه پایدار

- روستایی کار و جامعه". کار و جامعه. دوره چهل و دوم، ش ۲ (پاییز): ۵۶-۶۸.
- دارابی، حسن (۱۳۸۴). "تبیین پیامدهای فضایی فعالیت‌های عمرانی در پرتو مشارکت مردمی، (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان)". رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تربیت مدرس.
- روح‌افزا، فائزه؛ اکرامی، عطیه (۱۳۸۸). "ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار". فرهنگ. دوره بیست و دوم، ش ۷۰ (تابستان): ۱۶۹-۱۹۴.
- سروش مهر، هما؛ کلانتری، خلیل؛ شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۸۹). "بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان)". توسعه روستایی، دوره اول، ش ۲ (بهار): ۱۰۷-۱۲۴.
- سن، آمارتیا (۱۳۸۵). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- شاطریان، محسن؛ گنجی‌پور، محمود (۱۳۸۹). "تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای بخش ابوزیدآباد شهرستان کاشان)". پژوهش‌های روستا، دوره اول، ش ۳ (پاییز): ۱۳۱-۱۵۱.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۰). "نقش توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی در توسعه پایدار روستایی". در: مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر. زنجان: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی: ۱۱۳-۱۳۸.
- طالب، مهدی؛ عنبری، موسی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- عربیون، ابوالقاسم (۱۳۸۵). "ضرورتی در فرایند توسعه و ترویج". روستا و توسعه، سال نهم، ش ۱ (بهار): ۸۱-۱۱۰.

- علی بیگی، امیرحسین؛ بنی عامریان، لیلا (۱۳۸۷). "تحلیل مشارکت زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی (راهبردی در توسعه پایدار روستایی)". در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران. اهواز: مؤسسه عالی و پژوهش سیمای دانش: ۳۴۱-۳۵۴.
- عمادی، محمدحسین (۱۳۸۰). "تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت‌بخشی به زنان". در: مجموعه مقالات زن و مشارکت سیاسی و اجتماعی. تهران: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور مشارکت زنان: ۱۹-۲۳.
- فال‌سلیمان، محمود؛ و دیگران (۱۳۹۱). "بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در فرایند مدیریت و توسعه روستایی". پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، دوره اول، ش ۱ (بهار و تابستان): ۷۳-۹۱.
- کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخ راستایی، زهرا (۱۳۸۲). "توانمندسازی برای مشارکت در توسعه". فصلنامه پژوهش زنان، دوره اول، ش ۷ (پاییز): ۵-۳۰.
- کرایب، یان (۱۳۸۸). نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کلدی، علیرضا، سلحشوری، پروانه (۱۳۹۱). "بررسی حمایت‌های اجتماعی بر توانمندسازی زنان". مطالعات اجتماعی توسعه ایران، سال چهارم، ش ۴ (پاییز): ۲۲-۷.
- کوهن، ایراجی (۱۳۷۹). آنتونی گیدنز در متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.
- کیمیائی، علی (۱۳۹۰). "شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۰ (بهار): ۶۳-۹۹.
- لانگه، سارا (۱۳۷۲). "معیارهایی برای توانمندسازی زنان، نقش زنان در توسعه". روشنگران، دوره سوم، ش ۱۲ (پاییز): ۱۸-۳۲.
- محمدی، مهدی (۱۳۸۲). "توانایی‌های زنان در اقتصاد تولیدی عشایر". پژوهش زنان، دوره یک، ش ۶ (تابستان): ۱۰۹-۱۲۸.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان نیشابور. تهران: مرکز آمار ایران.
- میجلی، جیمز (۱۳۸۷). *رفاه اجتماعی در جهان*. ترجمه محمدتقی جغتایی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- نجفی کایی، علی اکبر؛ وصال، زینب (۱۳۹۴). "نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان استرآباد جنوبی شهرستان گرگان)". *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، سال دهم، ش ۲۰ (بهار): ۴۷-۵۶.
- وثوقی، لیلا؛ قاسمی، مهدیه (۱۳۹۳). "اکوتوریسم و توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: روستایی شیب‌دراز جزیره قشم)". *زن در توسعه و سیاست*، دوره دوازدهم، ش ۴ (زمستان): ۵۹۳-۶۱۰.
- یوسفی، جلال (۱۳۹۰). *دانش بومی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: راه سبحان؛ سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور.
- Hill, catherine (2011). "Enabling Rural Womens Economic Empowerment". *Institutions, opportunities, and participation, Ghana*, Vol. 1, No. 2-3: 20-23.
- Mishra panda, Smita (2000). "Womens Empowerment Through NGO intervention". *A frame work for Assessment, India*, Vol. 6, No. 1: 21 -45.
- Molyneux, Maxine (2011). "Gender and the Silences of Social Capital: Lessons from Latin America". *Development and Change*, Vol. 33, No. 2: 167-188.
- Rathgeber, M. (2011). "Rural Womens Access to Science and Technology in the context of Natural Resource Management". *Sociological Inquiry, Ghana, ottawa*, Vol. 74, No. 7: 50-52.

-
- Shaikh khatibi, Indira M. (2011). “Empowerment of Women through self help Groups and environmental management”. Experiences of NGOs in karnataka state, India, Vol. 34, No. 1: 29-40.
 - Umashankar, Deepti (2006). “Womens Empowerment: Effect of participation in self help Groups”. Sociological Inquiry, Vol, 34. No, 4: 1-6.

مطالعه تأثیر هوش معنوی بر اثربخشی گروهی (مورد مطالعه: سرپرستان هیأت‌های زیارتی شهر مشهد)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۳

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۲

شماره صفحه: ۱۱۷-۱۵۲

امیر غفوریان شاگردی^۱

سید مرتضی غیور باغبانی^۲

علی پورنگ^۳

رمضان غلامی^۴

چکیده

آن هوشی را که متناسب با باورها، هنجارها و ارزش‌هایی که در فعالیت‌های روزمره بر عهده می‌گیریم و بر زندگی اجتماعی اثربخش است، هوش معنوی می‌نامند. اثربخشی یکی از مقولات مهم در زندگی فردی و اجتماعی و هوش معنوی از جمله عوامل مؤثر بر آن است. هدف از تحقیق حاضر مطالعه تأثیر هوش معنوی سرپرستان بر اثربخشی گروهی هیأت‌های مذهبی زیارتی است. روش‌شناسی این تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی بوده، ابزار تحقیق پرسشنامه استاندارد شده فریدمن و یاربراق (۱۹۸۵) در خصوص متغیر اثربخشی و پرسشنامه کینگ (۲۰۰۸) برای متغیر هوش معنوی بوده است، میزان آلفای سؤالات اثربخشی و هوش معنوی هر کدام برابر با (۰/۸۳) بدست آمده است. جامعه مورد مطالعه سرپرستان هیأت مذهبی شهر مشهد در ایام عزاداری محرم و صفر بوده که بر اساس جدول مورگان حجم نمونه برابر با ۳۶۰ نفر مبتنی بر شیوه تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. یافته‌ها براساس نرم‌افزار SPSS مبتنی بر آماره‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد

۱. استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، نویسنده مسؤول

ghafourian@imamreza.ac.ir

۲. استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)

۳. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی - استراتژیک دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)

ali.pourang@gmail.com

۴. کارشناس ارشد مدیریت اماکن متبرک مذهبی دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)

r.gholami@imamreza.ac.ir

که میانگین هوش معنوی سرپرستان (۳/۱۵) و میانگین اثربخشی گروهی در بین جامعه مورد مطالعه (۳/۲۳) بوده است. از بین مؤلفه‌های هوش معنوی به ترتیب تفکر انتقادی وجودی (۰/۴۵۶)، ایجاد معنای شخصی (۰/۵۲۶) و توسعه موقعیت هوشیاری (۰/۵۰۲) بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری داشته است در حالی که آگاهی متعالی بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری نداشته است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های هوش معنوی مؤلفه ایجاد معنا با (۰/۳۲۴) بیشترین تأثیر را بر اثربخشی گروهی دارد. در نهایت هوش معنوی با (۰/۳۶) می‌تواند به تبیین اثربخشی گروهی سرپرستان هیأت مذهبی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: اثربخشی گروهی، هوش معنوی سرپرستان، هیأت‌های مذهبی زیارتی

مقدمه

هوش^۱ یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های فردی در بین افراد جامعه است و این امر از سال‌ها پیش مورد توجه آدمی بوده است. هر چند که این مطالعات بیشتر بر جنبه شناختی هوش، همانند حافظه، حل مسأله و تفکر تأکید داشته‌اند اما امروزه محققان بر جنبه‌های غیرشناختی هوش هم‌چون هیجان، اجتماعی و معنویت توجه بیشتری دارند. به عبارتی این جنبه‌ها می‌توانند موفقیت افراد را در زندگی پیش‌بینی کنند. نظریه‌های مختلفی در مورد ابعاد یا انواع هوش وجود دارد. هوارد گاردنر^۲ هوش را به عنوان توانایی تولید محصول مؤثر یا ارائه خدمات می‌داند. هوش مجموعه‌ای از مهارت‌ها است که برای حل مشکلات، توانایی برای حل مشکلات و کسب دانش جدید است. هر فرد دارای ترکیبی منحصر به فرد از انواع هوش است (Singh, Sinha, 2008: 2). زهر (Zohar, 2000: 90) مدعی است هر چند انواع هوش وجود دارد، اما تمام انواع هوش می‌توانند به یکی از سه سیستم عصبی اولیه در مغز مربوط شوند که عبارتند از: هوش عمومی^۳، هوش معنوی^۴ و

-
1. Intelligence
 2. Howard Gardner
 3. General Intelligence
 4. Spiritual Intelligence

هوش هیجانی.^۱ در همین راستا هوش معنوی، عملکرد همراه با بصیرت، ملایمت و مهربانی با حفظ آرامش درونی و بیرونی است. هوش معنوی مهم‌ترین و اصلی‌ترین زیربنای هوش است، زیرا مفهوم هوش معنوی مفهوم نسبتاً جدیدی است که در دهه گذشته میزان قابل توجهی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است (Vaughan, 2002: 16). کاربرد هوش معنوی زمانی است که افراد بخواهند از منابع و ظرفیت‌های معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و تفکر در موضوعات وجودی یا تلاش، برای حل مسائل روزانه استفاده کنند (Emmons, 2000: 4؛ King & De Cicco, 2009: 65). امونز (Emmons, 2000: 4) با توجه به مقیاس هوش گاردنر (۱۹۸۳) پنج کارایی را برای هوش معنوی در نظر می‌گیرد: ۱) ظرفیت متعالی کردن کارها با توجه به یکپارچگی جهان آفرینش، ۲) توانایی تجربه سطح بالایی از خودآگاهی، ۳) بررسی تجربیات روزانه با احساس مذهبی و معنوی، ۴) توانایی به کارگیری منابع معنوی در حل مشکلات و ۵) انجام رفتارهای پرهیزکارانه مانند فداکاری. امرم (Amram, 2007: 58) معتقد است «هوش معنوی شامل حس معنا، هدف و تقدس در زندگی و خوش بینی نسبت به بهبود شرایط دنیا است». فردی با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای الهام و شهود، دیدگاه کل به جهان هستی است که در جستجوی پاسخ برای پرسش‌های بنیادی زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم است. از طرفی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گروه‌ها اثربخشی است که تأثیر قابل توجهی بر عملکرد آن‌ها دارد. از لحاظ عملی یک گروه اثربخش کار محوله را به انجام می‌رساند و از اعضای خود در فرایند اجرا به خوبی مراقبت می‌کند (Shermerhoren, Hant & Azborn, 1999: 165). از سوی دیگر نتایج تحقیقات بسیاری حاکی از آن است که معنویت، یک عامل مؤثر بر افزایش موفقیت رهبری است. رهبران معنوی و ارزش‌مدار به کارها و فعالیت‌های پیروان در سازمان یا گروه به وسیله وصل کردن آنان به ارزش‌های عمیق درونی آنان معنی می‌دهند (خائف‌الهی، بهرام‌میرزایی و متقی، ۱۳۸۹: ۳۲). اخیراً با توجه به گسترش تحولات، هیأت‌ها و مجالس مذهبی سنتی کارکرد اصلی خود که تثبیت و

تقویت اعتقادات و نیز ایجاد آرامش و اطمینان است را از دست داده و دیگر پاسخگوی نیازهای آموزشی، اخلاقی و روانی آنها نمی‌باشد و همین امر سبب شد تا این افراد هیأت‌هایی مطابق با سلیقه و نیاز خود برپا کنند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۲: ۵۵). آستان مقدس رضوی به‌عنوان پایتخت معنوی ایران اسلامی سالانه پذیرای خیل عظیمی از دوستداران و شیفتگان اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد که از راه‌های دور و نزدیک برای زیارت و غبارروبی از جان و دل سختی راه را بر خود هموار نموده و برای پای‌بوسی راهی مشهدالرضا می‌شوند. از آنجا که کاروان‌ها و گروه‌های زیادی به زیارت امام رضا (ع) مشرف می‌گردند که یکی از موفق‌ترین این گروه‌ها هیأت‌های مذهبی - زیارتی می‌باشند. بر این اساس اگر هدف از زیارت را آرامش روح بدانیم، دستیابی به این اهداف با ارتقاء اثربخشی^۱ این کاروان‌های زیارتی بیشتر محقق می‌گردد و افزایش رضایتمندی اعضا، بهره‌گیری مناسب از برنامه‌ها، کاهش تعارض بین نهادهای مرتبط و غیره را می‌توان انتظار داشت. با توجه به رابطه معنویت و نوع فعالیت هیأت‌های مذهبی، شناسایی تأثیر عواملی هم‌چون هوش معنوی و ابعاد آن بر اثربخشی گروهی این هیأت‌های مذهبی، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

بیان مسأله

امروزه تعداد شرکت‌هایی که برای مدیریت محیط‌های پویا و پیچیده عصر حاضر به تشکیل گروه روی می‌آورند روز به روز افزایش می‌یابد. اکنون گروه‌سازی راه حلی برای مقابله با مشکلات ناشی از تطابق بیرونی به شمار می‌رود. این مهم از طریق گردآوری افکار و نظرات مختلف میسر است. گروه می‌تواند پاسخی مناسب برای پیچیدگی محیط باشد قراردادن افراد در گروه‌ها، تضمین نمی‌کند که آن گروه‌ها مؤثر خواهند بود (اشنایدر و بارسو، ۱۳۸۲: ۷۰). کار کردن افراد با یکدیگر، گوش دادن به هر عضو، توجه کردن به کلیه نظرات و تواضع و احترام به یکدیگر، همیشه یک چالش بوده است. با توجه به اهمیت هوش معنوی در جامعه امروز، ارتباطات خوب به چالش بزرگ‌تری

تبدیل شده است. شناخت، ارزش گذاشتن و حمایت از این تفاوت‌ها می‌تواند بهره‌وری هر فرد را در محل کارش حداکثر کند (Bibikova & Kotelnikov, 2006: 112). هوش معنوی کلید موفقیت در دنیای کنونی است. به منظور عملکرد مؤثر گروه‌های کاری، خود گروه باید هوش معنوی را توسعه دهد. در این راستا تمرکز گروه‌های کاری می‌باید در به حداکثر رساندن اثرات هوش معنوی بر گروه باشد (Thomas & Inkson, 2008). با افزایش هوش معنوی، سرپرستان و اعضای گروه می‌توانند مبنایی برای درک و احترام متقابل باشند و توانایی افراد را در شناسایی راه حل مشکلات خود بالا ببرند. لذا در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که آیا هوش معنوی سرپرستان بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد یا خیر؟ در همین راستا و در خصوص متغیرهای مورد تحقیق، مطالعات پیشین از جمله پژوهش خدابخش و بردیا (۱۳۹۴) که به بررسی رابطه هوش معنوی و هوش اخلاقی با استراتژی‌های مدیریت تعارض در مدیران و کارکنان بانک ملت استان مازندران پرداخته‌اند و جامعه آماری این تحقیق را کارکنان بانک ملت استان مازندران به تعداد ۷۶۹ نفر تشکیل می‌دهند. نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و اخلاقی با استراتژی‌های مدیریت تعارض در مدیران و کارکنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هم‌چنین استراتژی‌های راه حل‌گرایی بیشترین رابطه را با هوش معنوی و اخلاقی داراست. هوش معنوی کارکنان و مدیران برحسب جنسیت متفاوت بوده، ولی هوش اخلاقی و استراتژی‌های مدیریت تعارض عدم مقابله راه حل‌گرایی و کنترل برحسب جنسیت متفاوت نیست، در همین راستا نتایج سایر پژوهش‌های صورت گرفته در جدول (۱) ارائه می‌گردد:

جدول (۱) خلاصه نتایج پیشینه پژوهش

عنوان تحقیق، جامعه مورد مطالعه	نام محقق و سال انتشار تحقیق	روش اصلی تحقیق و خلاصه یافته‌ها
رابطه‌ی هوش معنوی و ادراک از جو سازمانی با سرمایه فکری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت	تفته (۱۳۹۷)	روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: بین هوش معنوی با سرمایه فکری کارکنان ارتباط معناداری وجود ندارد اما بین ادراک از جو سازمانی با سرمایه فکری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. دیگر نتایج بیانگر آن بود که ابعاد ادراک از جو سازمانی با سرمایه فکری کارکنان رابطه دارند. همچنین از بین متغیرهای پیش‌بین متغیر ادراک از جو سازمانی می‌تواند پیش‌بینی کننده متغیر سرمایه فکری باشد.
چگونگی رابطه‌ی هیأت‌های مذهبی و سبک زندگی	احمدی (۱۳۹۴)	روش اصلی تحقیق: الگوی تبیینی بوردو خلاصه یافته‌ها: می‌توان به رابطه‌ی متقابل و دوسویه‌ی فعالیت هیأت‌های مذهبی و سبک زندگی اشاره کرد. همچنین برنامه‌های مختلف هیأت، سرمایه‌های مذهبی شرکت‌کنندگان را افزایش می‌دهد.
ترسیم نقشه ارتقاء اثربخشی مدیران با بهره‌گیری از هوش معنوی و اخلاق حرفه‌ای در مراکز پایهای آموزشی شهر مشهد	امین بیدختی و قربانی (۱۳۹۴)	روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع زمینه یابی و همبستگی خلاصه یافته‌ها: بین هوش معنوی و اخلاق حرفه‌ای با اثربخشی مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، به طوری که عامل هوش معنوی تأثیر مثبت بر اثربخشی دارد.
رابطه هوش معنوی و هوش فرهنگی با اثربخشی گروهی	لعلی سربای، شکری و بنی فاطمه (۱۳۹۴)	روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: بین هوش فرهنگی و هوش معنوی با اثربخشی گروهی رابطه معناداری وجود دارد. بعد رفتار در هوش فرهنگی و بعد تفکر وجودی در هوش معنوی بیشترین اثر و ارتباط را با اثربخشی گروهی داشتند.
تدوین الگوی شاخص‌های هوش معنوی با توجه به نقش سبک‌های اسنادی و خودکنترلی	آرین پور، شهابی زاده و بحرینیان (۱۳۹۴)	روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: سبک اسناد بیرونی و پایدار موفقیت و سبک اسناد پایدار و کلی شکست، از طریق خودکنترلی به ترتیب پیش‌بینی کننده افزایش و کاهش تفکر انتقادی وجودی می‌باشند.
نقش واسطه‌گری هوش معنوی با بهزیستی روان‌شناختی و رضایت از زندگی در سالمندان شهرستان مهریز (یزد)	رحیمی پور و کریمی (۱۳۹۳)	روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: هر چه هوش معنوی افراد سالمند بیشتر باشد، بهزیستی روان‌شناختی و رضایت از زندگی در آنها بیشتر می‌شود و همچنین مؤلفه تولید معنای شخصی در هوش معنوی بیشترین تأثیر را بر بهزیستی روان‌شناختی دارد.
بررسی رابطه بین هوش معنوی و خودکارآمدی کارکنان	گلچین و سنجرى (۱۳۹۱)	روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: رابطه مثبتی بین هوش معنوی و خودکارآمدی وجود دارد. در بین ابعاد هوش معنوی، آگاهی متعالی، بیشترین همبستگی را با متغیر خودکارآمدی داشته است.
ارتباط میان هوش معنوی و تعهد سازمانی	ذبیحی و ساغروانی (۱۳۹۱)	روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: همبستگی مثبت و معناداری را میان هوش معنوی و تعهد عاطفی کارکنان، نشان داد.

روش اصلی تحقیق: کیفی و کمی خلاصه یافته‌ها: همبستگی معنویت با چهار شاخص اثربخشی گروهی مورد تایید قرار گرفت. این شاخص‌ها عبارتند از: اهتمام به امور همکاران، درک زیبایی‌های معنوی و تلطیف احساسات، اعتماد، قدرت یادگیری و رشد.	بنیادی نائینی و کامفیروزی (۱۳۹۱)	تأثیر معنویت بر شاخص‌های اثربخشی گروهی
روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: بین هوش معنوی و اقدامات بهداشت غذایی و در نهادهای عمومی در شرق کشور مالزی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.	Saad, et al. (۲۰۱۸)	تأثیر هوش معنوی بر اثربخشی رهبری و اقدامات بهداشت غذایی
روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: هوش معنوی تأثیر مستقیم و معناداری بر صلاحیت اجتماعی دارد. همچنین صلاحیت احساسی نیز تأثیر مستقیم بر صلاحیت اجتماعی دارد در حالی که این تأثیر معنادار نمیباشد. همچنین هوش معنوی تأثیر مستقیم با مقدار بسیار کمی معناداری بر صلاحیت رهبری دارد در حالی که صلاحیت احساسی و اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری بر صلاحیت رهبری دارند.	Siswanthi, kheiraldin & halim (۲۰۱۸)	تأثیر هوش معنوی، احساس و صلاحیت اجتماعی بر صلاحیت رهبری
روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: آموزش مولفه‌های هوش معنوی به طور واضحی احساس افسردگی، اضطراب و استرس نوجوانان را کاهش می دهد.	Ebrahimi, et) (al., ۲۰۱۵)	اثربخشی آموزش مولفه‌های هوش معنوی بر افسردگی، اضطراب و استرس نوجوانان
روش اصلی تحقیق: توصیفی از نوع همبستگی خلاصه یافته‌ها: اکوسیستم در درک یکپارچگی اثر بخشی سازمانی موثر خواهد بود به عبارتی دیگر بین هوش معنوی و اکوسیستم اثربخشی سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.	Upadhay, et) (al., ۲۰۱۵)	هوش معنوی و اکوسیستم اثربخشی سازمانی

با توجه به بررسی تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی هوش معنوی و اثربخشی گروهی، می‌توان مشاهده کرد که چه در ایران و چه در خارج از ایران، به‌طور جامع به بررسی ابعاد و مولفه‌های هوش معنوی و اثربخشی گروهی پرداخته نشده است. همچنین در هیچ کدام از پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج ایران، رابطه بین هوش معنوی با اثربخشی گروهی مورد توجه قرار نگرفته است و تنها پژوهشی که در طی بررسی‌های به‌عمل آمده‌ی محقق در این زمینه انجام شده است، پژوهش اوپادهای و پینتو در سال ۲۰۱۵ با عنوان "هوش معنوی و اکوسیستم اثربخشی سازمانی" است که در این پژوهش نیز تنها به اثربخشی سازمانی، پرداخته شده است.

چارچوب نظری

مفهوم اثربخشی

اثربخشی یکی از مقولات مهم در زندگی فردی و اجتماعی است. مفهوم اثربخشی در خلال قرون گذشته و بویژه در طی دهه‌های اخیر، تحولات زیادی یافته است و در حال

حاضر به عنوان شاخص و معیار مهمی برای سنجش موفقیت و نیل به اهداف سازمان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (صادقی، ۱۳۸۲: ۴). مفهوم اثربخشی را ابتدا پیتر دراکر^۱ در دهه ۱۹۵۰ به صورت علمی مطرح کرد (گرجی، ۱۳۸۷: ۳). سپس، اندیشمندان علوم انسانی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سعی نمودند تا با جامع‌نگری، معیار و تعریف مناسبی برای این مفهوم ارائه دهند و در این راستا توانستند به سوی کسب توافق بر روی اثربخشی و ارائه تعریفی مشترک برای آن، گام بردارند (انصاف، ۱۳۷۷: ۵۱). از دیدگاه ادگار شاین عوامل اثربخشی گروهی از این قرار است:

- ۱- اهداف: باید برای همه واضح و روشن بوده و همه در تعیین آن مشارکت داشته باشند.
- ۲- مشارکت: همه باید با هم مشارکت داشته باشند و به گفتگوهای یکدیگر گوش دهند.
- ۳- احساسات و عواطف: در گروه افراد باید احساسات و عواطف خود را ابراز نموده و این احساسات مورد توجه قرار گیرند.
- ۴- رهبری: هر فرد در گروه با توجه به نیاز گروه که خود تشخیص داده، داوطلبانه اقدام می‌کند. در گروه وابستگی به فرد خاص وجود ندارد.
- ۵- تصمیمات: تصمیمات در گروه نتیجه اجماع اعضا است. تصمیمات مورد آزمایش قرار می‌گیرند و انحرافات، مشخص شده و بهبود می‌یابند.
- ۶- اعتماد: اعضا به هم اعتماد دارند و به یکدیگر احترام می‌گذارند. افراد آزادانه تعاملات و ارتباطات منفی خود را بیان می‌کنند بدون اینکه از تلافی آن ترس داشته باشند.
- ۷- شناسایی مشکلات گروه: در هنگام بروز مشکل، قبل از این که عملی انجام شود، وضعیت مشکل به دقت شناسایی می‌شود و راه‌حل‌ها ریشه‌های اساسی مشکل را مورد توجه قرار می‌دهند.
- ۸- خلاقیت و رشد: گروه قابل انعطاف است و اعضای آن به دنبال راه‌های جدید هستند. افراد در حال تغییر و رشد هستند و به صورت فردی تقویت می‌شوند.

(ذکر یائی، سلطان پناه و فاطمی، ۱۳۹۶: ۱۸۵).

مؤلفه‌های اثربخشی گروهی در این پژوهش با اقتباس از مدل‌های اثربخشی گروهی (Schein, 1988؛ Friedman & Yarbrough, 1985) بشرح ذیل می‌باشد:

۱- اهداف^۱: اهداف باید برای همه واضح و روشن بوده و همه در تعیین آن مشارکت داشته باشند (Schein, 1988). ایجاد اهداف عملکردی واضح توسط گروه (فرهی، و دیگران، ۱۳۸۹).

۲- مشارکت^۲: همه باید با هم مشارکت داشته باشند و به گفتگوهای یکدیگر گوش دهند (Schein, 1988).

۳- احساسات و عواطف^۳: در گروه افراد باید احساسات و عواطف خود را ابراز نموده و این احساسات مورد توجه قرار گیرند (Ibid).

۴- رهبری^۴: هر فرد در گروه با توجه به نیاز گروه که خود تشخیص داده، داوطلبانه اقدام می‌کند. در گروه وابستگی به فرد خاص وجود ندارد (Ibid).

۵- تصمیمات^۵: تصمیمات در گروه نتیجه اجماع اعضا است. تصمیمات مورد آزمایش قرار می‌گیرند و انحرافات، مشخص شده و بهبود می‌یابند (Ibid).

۶- اعتماد^۶: اعضا به هم اعتماد دارند و به یکدیگر احترام می‌گذارند. افراد آزادانه تعاملات و ارتباطات منفی خود را بیان می‌کنند بدون اینکه از تلافی آن ترس داشته باشند (Ibid).

۷- منابع: همه منابع از جمله افراد، ساختمان‌ها، تجهیزات و ... بصورت مؤثری مورد استفاده قرار می‌گیرند (فرهی، و دیگران، ۱۳۸۹).

۸- استفاده از منابع سایر اعضا: در اجرای برنامه‌ها مدیران در درجه اول باید به منابع و بویژه به نیروی انسانی خود متکی باشد. لازمه اثربخشی، پذیرش اهداف سازمان

-
1. Goals
 2. Participation
 3. Feelings
 4. leadership
 5. Decisions
 6. Trust

است و تحقق اهداف بر استفاده از همه منابع در دسترس مدیران بستگی دارد (نیکنامی، ۱۳۷۵).

۹- شناسایی مشکلات گروه^۱: در هنگام بروز مشکل، قبل از اینکه عملی انجام شود، وضعیت مشکل به دقت شناسایی می‌شود و راه‌حل‌ها و ریشه‌های اساسی مشکل را مورد توجه قرار می‌دهند (Schein, 1988).

۱۰- خلاقیت و رشد^۲: گروه قابل انعطاف است و اعضای آن به دنبال راه‌های جدید هستند. افراد در حال تغییر و رشد هستند و به‌صورت فردی تقویت می‌شوند (Ibid).

مفهوم هوش معنوی

هوش معنوی در ادبیات دانشگاهی روان‌شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز^۳ و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط ایمونز^۴ مطرح شد (موحدی، زندوانیان و زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). جایگاه مفهومی هوش معنوی در روانشناسی دین است و همان‌طور که از عنوان هوش معنوی مشخص است، این مفهوم متشکل از مفاهیم هوش و معنویت است. گرچه مفهوم هوش در ابتدای طرح آن به صورت تک‌بعدی مورد توجه قرار گرفت و تنها به توانایی‌های شناختی و منطقی انسان‌ها اشاره داشت. مفهوم هوش از جمله مفاهیم اساسی روان‌شناسی است که از نظریه‌پردازان اصلی آن می‌توان به آلفرد بینه^۵، لوئیس ترمن^۶، دیوید^۷ و کسلر^۸ اشاره کرد. سازه هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت نزع گرفته است. آنچه که موجب شده است تا سازه معنویت به‌عنوان هوش‌مفهوم‌سازی شود، آن دسته از مشاهدات و یافته‌های علمی بیان‌کننده این واقعیت است که کاربست الگوهای

-
1. Diagnosis of Group Problems
 2. Creativity and Growth
 3. Stevens
 4. Emmons
 5. Bine Alfred
 6. Terman Luis
 7. David
 8. Kessler

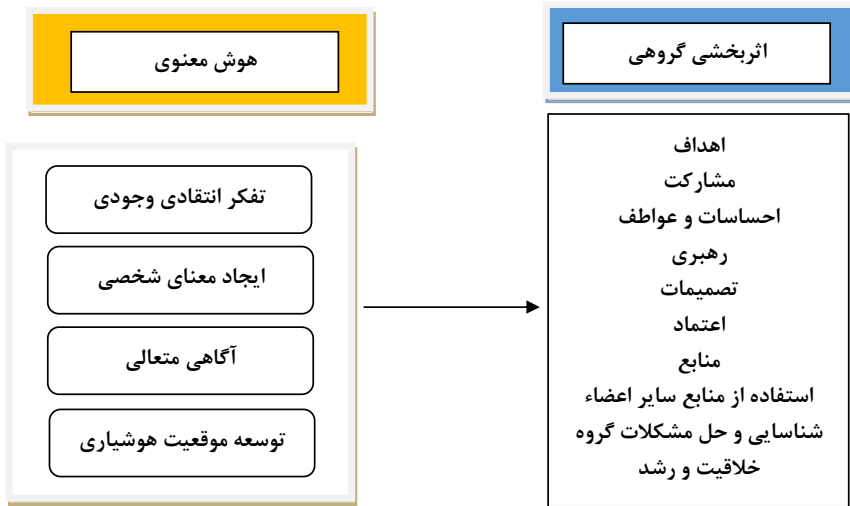
ویژه‌ای از افکار، هیجان و رفتار که معمولاً در زیرمفهوم دین و معنویت به آنها پرداخته می‌شود در زندگی روزمره می‌تواند موجب افزایش سازگاری و بهزیستی انسان شود (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۸: ۷۰).

سازمان جهانی بهداشت در تعریف ابعاد وجودی انسان، علاوه بر ابعاد جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی، به بعد معنوی نیز اشاره می‌کند (عسگری، حیدری و عسگری، ۱۳۹۴: ۲). ایمونز (Emmons, 1999) هوش معنوی را چارچوبی برای شناسایی و سازماندهی توانایی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای کاربرد انطباقی معنویت، تعریف کرده است. وی هوش معنوی را به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای بهره‌گیری از منابع دینی و معنوی می‌شناسد. زوهر (Zohar, 2000) هوش معنوی را هوشی می‌داند که ما به کمک آن مشکلات معنادار و ارزشی زندگی خود را حل می‌کنیم، هوشی که به ما کمک می‌کند تا اعمال و زندگی خود را در مفهومی ژرف‌تر و عمیق‌تر قرار دهیم و هوشی که به ما مدد می‌رساند برای ارزیابی این که کدام اقدام و مسیر زندگی معنای بیشتری از دیگری دارد، آنها در کتاب هوش معنوی خود، آن را به عنوان هوش بنیادی آورده‌اند (ذبیحی و ساغروانی، ۱۳۹۲: ۳۳). لوین (Levin, 2000) بیان می‌کند که هوش معنوی زمانی ابراز می‌شود که زندگی روزانه خود را با معنویت همراه کنیم. هوش معنوی به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌بخشد و به او توانایی چهارچوب‌بندی و تفسیر مجدد تجارب خود را می‌دهد، تا شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد (نقی‌زاده باقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۵). کینگ (King, 2008) هوش معنوی را آگاهی از حقایق، ارزش‌ها، اعتبار و اصول اخلاقی می‌داند. آمرام (Amram, 2009) معتقد است هوش معنوی شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعالی از ارزش ماده و اعتقاد به بهتر شدن دنیا می‌شود.

کاربرد هوش معنوی به طور گسترده آستانه تحمل افراد در دنیای متلاطم شهرنشینی و دنیای مادی را بالا می‌برد و به مدیریت تعارض و آرام ماندن محیط کار و زندگی کمک می‌کند (Min Tan, et al, 2013: 5). اهمیت هوش معنوی به این دلیل است که به افراد کمک می‌کند عمیق‌ترین و درونی‌ترین منبع وجودی‌شان که باعث توانایی رویارویی

با مشکلات و قدرت تحمل و سازگاری در آنها می‌شود را کشف کنند. هوش معنوی در محیط کار به کارکنان کمک می‌کند تا ارزش‌های شخصی آنها همراه با درک مشخصی از هدف سازمانی، همسو و مرتبط شود؛ این سطح بالایی از یکپارچگی را در کار نشان می‌دهد (مهدیان، عبودیور، نوروزی کوهدشت، ۱۳۹۶: ۳). کینگ (King, 2008) چهار مؤلفه را برای هوش معنوی معرفی کرده است: ۱- تفکر وجودی انتقادی: توانایی برای اندیشه انتقادی راجع به موضوع‌هایی مانند معناداری، هدف، وجود فراتر از وجود (واقعیت، مرگ، هستی)، توانایی رویارویی با استنتاج‌ها یا فلسفه‌های اصیل موجود، همچنین توانایی تفکر راجع به موضوعات غیرووجودی از یک دیدگاه وجودی. کلمه وجودی اغلب به صورت "در رابطه با زندگی" تعریف می‌شود. بنابراین، از یک دیدگاه بنیادین، تفکر انتقادی به تفکر در مورد موجودیت فرد اشاره دارد. بر اساس اشکال گوناگون و پیچیده موجودیت، می‌توان گفت که تفکر در مورد موجودیت فرد شامل تفکر درباره موضوعاتی نظیر زندگی و مرگ، واقعیت، هوشیاری، جهان، زمان، حقیقت، عدالت، بدی و دیگر موضوعات مشابه است. در بسیاری از تعاریف، چنین موضوعات وجودی، به عنوان "سوالات غایت" زندگی توصیف شده‌اند. ۲- ارائه مفهوم شخصی: دومین مؤلفه به صورت "توانایی هدایت معنادار شخصی و اهداف در همه تجربیات مادی و فیزیکی، در برگیرنده توانایی خلق هدف برای زندگی" تعریف شده است. مشابه تفکر انتقادی، مفهوم شخصی نیز به عنوان جزئی از معنویت ذکر شده و ملاحظه آن در مدل هوش معنوی نیاز است. مفهوم شخصی به صورت "داشتن یک هدف در زندگی، داشتن درک درستی از مسیر، درک نظم و ترتیب و دلیلی برای موجودیت" تعریف شده است. ۳- آگاهی متعالی: سومین مؤلفه به صورت "برای شناخت ابعاد و قابلیت‌های متعالی از خود (تحول درونی و بیرونی) از دیگران و جهان مادی (کل نگر و غیرمادی گرایانه)" تعریف شده است. تعالی به "فراتر از تجارب معمولی و مادی انسان" یا "وجودی که جدا از دنیای مادی است و در معرض محدودیت دنیای مادی قرار نمی‌گیرد" اشاره دارد. ۴- ایجاد موقعیت هوشیاری: جزء آخر هوش معنوی ایجاد موقعیت هوشیاری است که به صورت "توانایی برای ورود به مراحل سطح بالای معنوی مانند هوشیاری، شعور کیهانی، اتحاد، وحدت و یکپارچگی، مانند تفکر عمیق، نیایش و مراقبه و خروج از آن" تعریف شده

است. از یک دید عمومی هوشیاری به عنوان «آگاهی فرد نسبت به چیزی» یا «یک حالت انسانی» (که فرد نسبت به محیط آگاه بوده و به آن پاسخ می‌دهد) تعریف شده است. بنابراین چارچوب نظری تحقیق با توجه به مرور ادبیات موضوعی و سوابق مربوطه به شرح ذیل (شکل ۱) ارائه می‌گردد:



شکل ۱) مدل مفهومی تحقیق

بر اساس این الگوی نظری، فرضیه‌های زیر برای تحلیل ارائه می‌گردد:

فرضیه اصلی

- هوش معنوی سرپرستان بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه‌های فرعی

- تفکر انتقادی وجودی بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد.
- ایجاد معنای شخصی بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد.
- آگاهی متعالی بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد.
- توسعه موقعیت هوشیاری بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد.

روش تحقیق

با توجه به موضوع و فرضیه‌ها، روش تحقیق حاضر پیمایش از نوع توصیفی-همبستگی و کاربردی، قلمرو زمانی تحقیق سال ۱۳۹۴ و جامعه آماری سرپرستان هیأت‌های مذهبی هستند. تعداد سرپرستان ۵۷۰۰ و براساس جدول نمونه‌گیری مورگان حجم نمونه ۳۶۰ نفر انتخاب شدند. واحد مشاهده و تحلیل سرپرستان هیأت مذهبی‌اند، که بر اساس شیوه نمونه‌گیری در دسترس مد نظر قرار گرفتند. یافته‌ها مبتنی بر ابزار پرسشنامه استاندارد شده تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای متغیر اثربخشی از پرسشنامه فریدمن و یارباق (۱۹۸۵) و برای متغیر هوش معنوی از پرسشنامه کینگ (King, 2008) استفاده شده است، و میزان پایایی سؤالات این تحقیق برای اثربخشی (۰/۸۳۰۶) و برای هوش معنوی (۰/۸۳۶۰) بدست آمده است. میزان پایایی و ضریب نهایی آلفای هر یک از متغیرها و مولفه‌های آن در جدول (۲) بیان می‌شود:

جدول (۲) ضریب پایایی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر/ مولفه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری
اثربخشی گروهی	۲۲	۰/۸۳	۰/۹۱	۲۸۱۶/۳۵۱	۲۳۱	۰/۰۰۰۱
اهداف	۴	۰/۷۵				
مشارکت	۲	۰/۷۳				
احساسات و عواطف	۱	-				
رهبری	۳	۰/۷۲				
تصمیمات	۴	۰/۶۹				
اعتماد	۴	۰/۷۳				
منابع	۱	-				
استفاده از منابع سایر اعضا	۱	-				
شناسایی و حل مشکلات گروه	۱	-				
خلاقیت و رشد	۱	-				

۰/۰۰۰۱	۲۵۳	۲۴۸۶/۳۴۱	۰/۹۳۱	۰/۸۳	۲۳	هوش معنوی
				۰/۷۰	۷	تفکر انتقادی وجودی
				۰/۶۹	۵	ایجاد معنای شخصی
				۰/۷۳	۷	آگاهی متعالی
				۰/۷۱	۴	توسعه موقعیت هوشیاری

یافته‌ها براساس نرم افزار SPSS همراه با آماره‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سؤالات پرسشنامه حاضر در این تحقیق مبتنی بر روایی صوری مورد تأیید پژوهشگران و محققان این حوزه قرار گرفته است. بر اساس نتایج جدول ۲ مقدار آلفای هوش معنوی برابر ۰/۸۳۶۰ و برای اثربخشی گروهی برابر ۰/۸۳۰۶ بدست آمده است. با توجه به نتایج آزمون KMO برای متغیر هوش معنوی که مقدار آن برابر با ۰/۹۳۱ می‌باشد، نتیجه آزمون بارتلت ۲۴۸۶/۳۴۱ متغیر یاد شده در سطح خطای ۰/۰۵ بوده است. برای متغیر اثربخشی گروهی این مقدار آزمون KMO برابر با ۰/۹۱ بوده و مقدار آزمون بارتلت برابر با ۲۸۱۶/۳۵۱ در سطح خطای ۰/۰۵ بدست آمده است. در نهایت با توجه به مقادیر KMO و بارتلت می‌توان بیان کرد که گویه‌ها، ماتریس متغیرهای تحقیق همانی و واحد نیستند در نهایت داده‌های هوش معنوی و اثربخشی گروهی برای تحلیل عاملی تا حد متوسطی می‌تواند مناسب باشد به عبارت دیگر می‌توان گفت که مقادیر بدست آمده از متغیرها برای تحلیل و تفسیر یافته‌ها قابل قبول است. علاوه بر این، یافته‌های پاسخگویان براساس آمار توصیفی و استنباطی و با به کارگیری نرم افزار SPSS و استفاده از آماره‌هایی چون: رگرسیون، ضریب پیرسون، و ... در بخش ارائه یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول (۳) تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها و ابعاد تحقیق

متغیر	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه
اثربخشی گروهی	اهداف باید برای همه واضح و روشن بوده و همه در تعیین آن مشارکت داشته باشند (Schein, ۱۹۸۸). ایجاد اهداف عملکردی واضح توسط گروه (فرهی، و دیگران، ۱۳۸۹).	شامل شفافیت و مشارکت و پایبندی افراد به اهداف گروه است	۱- اهداف هیأت برای همه واضح و روشن است. ۲- همه اعضا در تأمین اهداف هیأت مشارکت داشته‌اند. ۳- همه اعضا به اهداف هیأت پایبند هستند. ۴- در تعیین اهداف هیأت، عواطف افراد مورد توجه قرار گرفته است.
	همه باید با هم مشارکت داشته باشند و به گفتگوهای یکدیگر گوش دهند (Schein, ۱۹۸۸).	مشارکت تمامی افراد در فعالیت‌ها و توجه به نظرات افراد گروه را شامل می‌شود.	۱- همه افراد در فعالیت‌های هیأت با هم مشارکت دارند. ۲- همه اعضای هیأت واقعاً به گفتگوهای یکدیگر گوش می‌دهند
	در گروه افراد باید احساسات و عواطف خود را ابراز نموده و این احساسات مورد توجه قرار گیرند (Schein, ۱۹۸۸).	شامل بیان آزادانه عواطف و احساسات افراد در گروه می‌باشد.	۱- در هیأت، احساسات و عواطف به طور آزادانه بیان می‌شود.
اثربخشی گروهی	هر فرد در گروه با توجه به نیاز گروه که خود تشخیص داده، داوطلبانه اقدام می‌کند. در گروه وابستگی به فرد خاص وجود ندارد (Schein, ۱۹۸۸).	احساس آزادی و اقدام داوطلبانه جهت تشخیص نیاز و عدم وابستگی به فرد خاصی در گروه را شامل می‌شود	۱- در هیأت، وابستگی به فرد خاص وجود ندارد. ۲- در هیأت‌ها، هر فرد احساس آزادی می‌کند. ۳- اعضا نیاز هیأت را تشخیص داده، داوطلبانه اقدام می‌کنند.
	تصمیمات در گروه نتیجه اجماع اعضا است. تصمیم‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرند و انحراف‌ها، مشخص شده و بهبود می‌یابند (Schein, ۱۹۸۸).	شامل اجماع اعضا با یکدیگر و آزمایش تصمیمات و تصحیح انحرافات و بهبود تصمیمات افراد در گروه است	۱- در هیأت، اعضا در بی اجماع هستند. ۲- در هیأت، تصمیمات مورد آزمایش قرار می‌گیرند. ۳- در هیأت، انحرافات تصحیح می‌گردد و تصمیمات بهبود می‌یابد. ۴- در هیأت، وقتی تصمیمی گرفته می‌شود کاملاً مورد حمایت قرار می‌گیرد.

متغیر	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه
اثربخشی گروهی	اعضاء به هم اعتماد دارند و به یکدیگر احترام می‌گذارند. افراد آزادانه تعاملات و ارتباطات منفی خود را بیان می‌کنند بدون اینکه از تلاقی آن ترس داشته باشند (Schein, ۱۹۸۸).	در بردارنده اعتماد و احترام متقابل افراد به یکدیگر و بیان آزادانه تعاملات منفی افراد در گروه است	۱- اعضای هیأت، به یکدیگر اعتماد دارند. ۲- اعضای هیأت آنچه را که برای بازگوکردن اکراه دارند، بازگو می‌کنند. ۳- اعضای هیأت به یکدیگر احترام می‌گذارند و واکنش‌های متقابل دریافت می‌دارند. ۴- اعضای هیأت به‌طور آزادانه می‌توانند تعاملات منفی خود را بیان کنند، بدون اینکه از عواقب آن ترس داشته باشند.
	همه منابع از جمله افراد، ساختمان‌ها، تجهیزات و... بصورت مؤثری مورد استفاده قرار می‌گیرند. (فرهی، و دیگران، ۱۳۸۹)	شامل کمک متقابل افراد به یکدیگر در گروه است.	۱- هرآنچه که من به هیأت کمک کرده ام متقابلاً از سوی هیأت نیز به من کمک شده است.
	در اجرای برنامه‌ها مدیران در درجه اول باید به منابع و بویژه به نیروی انسانی خود متکی باشد. لازمه اثربخشی، پذیرش اهداف سازمان است و تحقق اهداف بر استفاده از همه منابع در دسترس مدیران بستگی دارد (نیکنما، ۱۳۷۵).	شامل انتفاع افرادی که به گروه کمک می‌نمایند می‌شود.	۱- اعضایی که به هیأت کمک کرده اند در مقابل از هیأت منتفع شده اند.
	در گروه هنگام بروز مشکل، قبل از این که عملی انجام شود، وضعیت مشکل به دقت شناسایی می‌شود و راه حل‌ها و ریشه‌های اساسی مشکل، مورد توجه قرار می‌گیرد (Schein, ۱۹۸۸).	شامل شناسایی وضعیت مشکل، و مورد توجه قرار دادن راه حل‌ها و ریشه‌های اساسی مشکل قبل از وقوع یک مسأله در گروه می‌شود.	۱- در هیأت هنگام بروز مشکل، قبل از این که عملی انجام شود، وضعیت مشکل به دقت شناسایی، راه حل‌ها و ریشه‌های اساسی مشکل مورد توجه قرار می‌گیرد.
	گروه قابل انعطاف است و اعضای آن به دنبال راه‌های جدید هستند و به رشد هستند و به صورت فردی تقویت می‌شوند (Schein, ۱۹۸۸).	شامل تقویت فردی و تغییر و رشد افراد در گروه می‌شوند.	۱- اعضا به دنبال راه‌های جدیدند و در حال تغییر و رشدند و به صورت فردی تقویت می‌شوند.

متغیر	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه
فکر انتقادی و خردی	ظرفیت تفکر انتقادی وجودی نسبت به متافیزیک و مربوط به هستی، جهان، زمان، فضا، مرگ و غیره (King, ۲۰۰۸).	شامل تفکر درباره ماهیت هستی، اهداف و دلایل زندگی و آنچه بعد از مرگ اتفاق خواهد افتاد و فلسفه وجودی بشر می باشد.	۱- اغلب درباره ماهیت هستی، سؤال و تفکر می کنم. ۲- من زمانی را برای تفکر درباره اهداف و دلایل زندگی صرف می کنم. ۳- من قادرم، درباره آنچه بعد از مرگ اتفاق خواهد افتاد عمیقاً فکر کنم. ۴- من دارای اعتقاداتی درباره چیزهایی مثل زندگی، مرگ و هستی می باشم. ۵- من درباره معنای رویدادهای زندگی ام زیاد تفکر می کنم. ۶- من اغلب درباره فلسفه وجودی بشر و هدف جهان فکر می کنم. ۷- من به طور عمیق درباره اینکه نیروهای ماورایی وجود دارند فکر می کنم (مانند خدا و...).
ایجاد معنای شخصی	توانایی استفاده از تجارب فیزیکی و روحی جهت ایجاد معنا و هدف شخصی (Ibid).	شامل توانایی اتخاذ تصمیمات بر طبق اهداف در زندگی و پیدا کردن معنا و هدف برای تجارب روزانه و معنا برای تجربه شکست را در بر می گیرد.	۱- توانایی من در یافتن معنا و هدف زندگی، مرا در سازگاری با موقعیت های استرس آمیز یاری می دهد. ۲- من قادرم، برای زندگی ام هدف و دلیلی تعریف کنم. ۳- من وقتی شکستی را تجربه می کنم، قادرم برای آن معنایی بیابم. ۴- من قادرم تصمیماتی بر طبق اهدافم در زندگی اتخاذ کنم. ۵- من برای تجارب روزانه قادرم معنا و هدف پیدا کنم.
آگاهی و معنای	توانایی شناسایی جنبه های متعالی خویش، جهان و دیگران با استفاده از هوشیاری (Ibid).	شامل آگاهی بالا از جنبه های غیر مادی زندگی و شناخت جنبه های مختلف زندگی و آگاهی از رابطه عمیق بین فرد و دیگران می باشد.	۱- من جنبه هایی از وجود خودم را که از جسم مادی ام فراتر است، را می شناسم. ۲- برای من، مشکل است که چیزهایی به غیر از اجسام و مواد را حس کنم. ۳- من از رابطه عمیق تر میان خود و دیگران آگاهم. ۴- من خودم را به وسیله چیزهای عمیق تر از جسم مادی ام، تعریف می کنم. ۵- من از جنبه های غیرمادی زندگی ام، آگاهی بالایی دارم. ۶- من خصوصیاتی را در افراد شناسایی می کنم که با معناتر از جسم، شخصیت و یا هیجان های آنهاست (مثل فطرت پاک و یا توانایی خاص). ۷- شناخت، جنبه های مختلف در زندگی به من کمک می کند که احساس اشرف مخلوقات کنم.
فرآیند هوشیاری	توانایی ورود به موقعیت های معنوی بالاتر از جمله تفکر عمیق، نیایش و مراقبه و خروج از آن (Ibid).	حرکت آزادانه در بین سطوح هوشیاری و کنترل زمان در حالت های روحانی و ورود به حالت های بالاتر از هوشیاری است.	۱- من قادرم، در حالت های بالاتر از هوشیاری یا آگاهی (حالت های روحانی) وارد شوم. ۲- من می توانم، زمانی که در حالت های روحانی هستم، را کنترل کنم ۳- من قادرم آزادانه بین سطوح هوشیاری یا آگاهی حرکت کنم. ۴- من اغلب اعمال و انتخاب هایم را زمانی که در حالت های بالاتر از هوشیاری (حالت های روحانی) هستم، واضح تر درک می کنم.

یافته‌های توصیفی

بررسی نتایج متغیرهای جمعیت شناختی جامعه مورد مطالعه

جدول (۴) آماره‌های جمعیت شناختی متغیرهای تحقیق و ابعاد آن در نمونه تحت بررسی

متغیرهای زمینه‌ای	
تأهل	مجرد (۲۵ نفر) برابر با ۶٪ متأهل (۳۸۱ نفر) برابر با ۹۰/۷٪ بی پاسخ (۱۴ نفر) برابر با ۳/۳٪
قومیت	فارس (۲۰۷ نفر) برابر با ۴۹/۳٪ ترک (۱۵۵ نفر) برابر با ۳۶/۹٪ کرد (۱۶ نفر) برابر با ۳/۸٪ لر (۲ نفر) برابر با ۰/۵٪ سایر (۲۱ نفر) برابر با ۵٪ بی پاسخ (۱۹ نفر) برابر با ۴/۵٪
زمان تشرف	صبح (۱۸۳ نفر) برابر با ۴۳/۶٪ ظهر (۷۸ نفر) برابر با ۱۶٪ شب (۹۰ نفر) برابر با ۲۱/۴٪ سحر (۷ نفر) برابر با ۱/۷٪ بی پاسخ (۶۲ نفر) برابر با ۱۴/۸٪
تعداد سال‌های تشرف	کمتر از ۵ سال (۵۶ نفر) برابر با ۱۳/۳٪ بین ۶ تا ۱۵ سال (۱۴۱ نفر) برابر با ۳۳/۶٪ بین ۱۶ تا ۲۵ سال (۶۶ نفر) برابر با ۱۵/۷٪ بین ۲۶ تا ۳۵ سال (۵۸ نفر) برابر با ۱۳/۸٪ بین ۳۶ تا ۴۵ سال (۲۱ نفر) برابر با ۵٪ بالای ۴۵ سال (۲۵ نفر) برابر با درصد بی پاسخ (۵۳ نفر) برابر با ۱۲/۶٪
تحصیلات	زیر دیپلم (۱۰۰ نفر) برابر با ۲۳/۸٪ دیپلم (۱۶۳ نفر) برابر با ۳۸/۸٪ فوق دیپلم (۵۳ نفر) برابر با ۱۲/۶٪ / کارشناسی (۷۴ نفر) برابر با ۱۷/۶٪ کارشناسی ارشد (۱۸ نفر) برابر با ۴/۳٪ دکتری (۱ نفر) برابر با ۰/۲٪ حوزوی (۷ نفر) برابر با ۱/۷٪ بی پاسخ (۴ نفر) برابر با ۱٪
سابقه سرپرستی	کمتر از ۱۰ سال (۱۴۷ نفر) برابر با ۳۵٪ بین ۱۰ تا ۱۵ سال (۱۱۶ نفر) برابر با ۲۷/۶٪ بین ۱۶ تا ۲۰ سال (۴۵ نفر) برابر با ۱۰/۷٪ بالاتر از ۲۰ سال (۹۷ نفر) برابر با ۲۳/۱٪ بی پاسخ (۱۵ نفر) برابر با ۳/۶٪
سن	کمتر از ۳۰ سال (۳۵ نفر) برابر با ۸/۳٪ بین ۳۱ تا ۴۰ سال (۱۱۰ نفر) برابر با ۲۶/۲٪ بین ۴۱ تا ۵۰ سال (۱۳۴ نفر) برابر با ۳۱/۹٪ بالاتر از ۵۰ سال (۱۲۰ نفر) برابر با ۲۸/۶٪ بی پاسخ (۲۱ نفر) برابر با ۵٪
تعداد افراد تحت سرپرستی	کمتر از ۵۰ نفر (۳۷ نفر) برابر با ۸/۸٪ بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر (۱۳۷ نفر) برابر با ۳۲/۶٪ بین ۱۰۱ تا ۱۵۰ نفر (۸۱ نفر) برابر با ۱۹/۳٪ بالاتر از ۱۵۰ نفر (۱۴۶ نفر) برابر با ۳۴/۸٪ بی پاسخ (۱۹ نفر) برابر با ۴/۵٪

با توجه به نتایج یافته‌ها و در جدول ۴، به طور کل در جامعه مورد مطالعه تعداد افراد با قومیت فارس بیشتر بوده است، همچنین با توجه به سطح تحصیلات جامعه مورد مطالعه، استقبال از مقاطع تحصیلی دیپلم اهمیت زیادی داشته است. بیش از $\frac{3}{4}$ پاسخگویان این تحقیق متأهل بوده‌اند، در حدود $\frac{1}{3}$ پاسخگویان هم در گروه سنی بین ۴۱ تا ۵۰ قرار داشته‌اند. بیش از $\frac{1}{3}$ پاسخگویان در وضعیت تعداد افراد تحت سرپرستی بالاتر

از ۱۵۰ نفر بوده و در حدود ۳۵٪ پاسخگویان دارای سابقه سرپرستی کمتر از ۱۰ سال قرار داشته‌اند. و زمان تشریف نزدیک به نیمی از جامعه مورد مطالعه صبح بوده است.

جدول ۵) آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق و ابعاد آن

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
اهداف	۳/۴۰	۰/۵۸	۱	۴
مشارکت	۳/۴۱	۰/۶۴	۱	۴
احساسات و عواطف	۳/۳۶	۰/۷۵	۰	۴
رهبری	۳/۲۲	۰/۷۲	۰/۳۳	۴
تصمیمات	۳/۳۱	۰/۵۷	۱	۴
اعتماد	۳/۲۶	۰/۵۸	۱/۷۵	۴
استفاده از منابع	۲/۷۵	۱/۲۸	۰	۴
استفاده از منابع سایر اعضا	۲/۲۲	۱/۳۷	۰	۴
شناسایی مشکلات گروه	۳/۳۸	۰/۷	۱	۴
خلاقیت و رشد	۳/۱۸	۰/۸۹	۰	۴
اثر بخشی گروهی	۳/۲۳	۰/۵	۱/۶۸	۴
تفکر وجودی انتقادی	۳/۳۸	۰/۴۵	۱/۸۶	۴
تولید معنای شخصی	۳/۳۰	۰/۴۹	۱/۴	۴
آگاهی متعالی	۲/۸۷	۰/۵۲	۰/۸۶	۴
بسط حالت هوشیاری	۲/۹۸	۰/۶۶	۱	۴
هوش معنوی	۳/۱۵	۰/۴۵	۱/۶۱	۴

جدول ۵ بیانگر توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب دو متغیر اصلی و ابعاد آن می‌باشد. همان‌طور که مشخص است بالاترین مقدار میانگین در بین ابعاد هوش معنوی، از آن بعد تفکر وجودی انتقادی (۳/۳۸) و بعد از آن بعد تولید معنای شخصی (۳/۳۰) و بسط

حالت هوشیاری (۲/۹۸) است. همچنین بالاترین مقدار میانگین در بین ابعاد اثربخشی گروهی، از آن بعد مشارکت (۳/۴۱) و بعد از آن بعد اهداف (۳/۴۰) است. در نهایت براساس آزمون کولموگروف و اسمینروف که به نرمال بودن متغیرهای تحقیق می پردازد نتایج حاکی از آن است که متغیرهای تحقیق اعم از هوش معنوی و اثربخشی گروهی پایین تر از سطح معناداری ۰/۰۵ بدست آمده است که حاکی از آن است تطابق توزیع نمونه با توزیع نظری معنی دار بوده است بنابراین توزیع متغیرهای مورد نظر و مؤلفه های آن در سطح نرمال بوده است. به عبارت دیگر توزیع صفت در بین نمونه با توزیع آن در جامعه نرمال بوده و تفاوت معناداری بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار وجود ندارد.

جدول ۶) ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و فرعی تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نوع آزمون همبستگی	نتیجه آزمون	نوع رابطه
هوش معنوی	اثربخشی گروهی	۰/۵۷۳	۰/۰۰۰۱	پیرسون	تائید رابطه	مستقیم
تفکر وجودی انتقادی	اثربخشی گروهی	۰/۴۵۶	۰/۰۰۰۱	پیرسون	تائید رابطه	مستقیم
تولید معنای شخصی		۰/۵۲۶	۰/۰۰۰۱	پیرسون	تائید رابطه	مستقیم
آگاهی متعالی		۰/۳۹۴	۰/۰۰۰۱	پیرسون	تائید رابطه	مستقیم
بسط حالت هوشیاری		۰/۵۰۲	۰/۰۰۰۱	پیرسون	تائید رابطه	مستقیم

اهداف	۰/۴۵۳	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
مشارکت	۰/۳۴۹	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
احساسات و عواطف	۰/۴۳۸	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
رهبری	۰/۴۱۵	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
تصمیمات	۰/۵۴۴	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
اعتماد	۰/۴۴۹	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
منابع	۰/۲۸۲	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
استفاده از منابع سایر اعضاء	۰/۳۴۱	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
شناسایی و حل مشکلات گروه	۰/۴۴	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم
خلاقیت و رشد	۰/۲۹۵	۰/۰۰۱	پیرسون	تأیید رابطه	مستقیم

جدول ۶ میزان و شدت رابطه میان متغیرهای تحقیق (هوش معنوی و ابعاد آن و اثربخشی گروهی و مؤلفه‌های آن) را نشان می‌دهد. در کلیه موارد (رابطه‌ها) فرضیه‌های تحقیق تایید شده‌اند. مطابق جدول میزان همبستگی بین همه‌ی متغیرها با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ از ۰/۰۵ و نوع رابطه مستقیم نشان دهنده وجود رابطه بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن با اثربخشی گروهی و ابعاد آن بوده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین همه مؤلفه‌های هوش معنوی و اثربخشی گروهی وجود دارد. در نهایت همبستگی کل بین متغیر هوش معنوی و متغیر اثربخشی گروهی مورد سنجش قرار گرفت، که میزان همبستگی آن با شدت (۰/۵۷۳) و سطح معناداری ۰/۰۵ فرض تحقیق را تایید کرد. نتایج گواه این است که بین هوش معنوی و متغیر اثربخشی گروهی رابطه مستقیم با شدت نسبتاً قوی وجود دارد.

یافته‌های استنباطی

جدول ۷ نتایج اصلی رگرسیون خطی چند متغیره بر مبنای روش همزمان^۱ را نشان می‌دهند. برای این که میزان تأثیر شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر وابسته (اثربخشی

گروهی) تحلیل شود از این آزمون استفاده شده است. در این جدول، ضریب بتا اهمیت نسبی متغیرها را بیان می‌کند و بزرگ بودن بتا اهمیت و نقش آن را در پیش‌گویی متغیر وابسته مشخص می‌کند.

جدول ۷) رگرسیون خطی چند متغیره مؤلفه‌های متغیر مستقل با متغیر وابسته

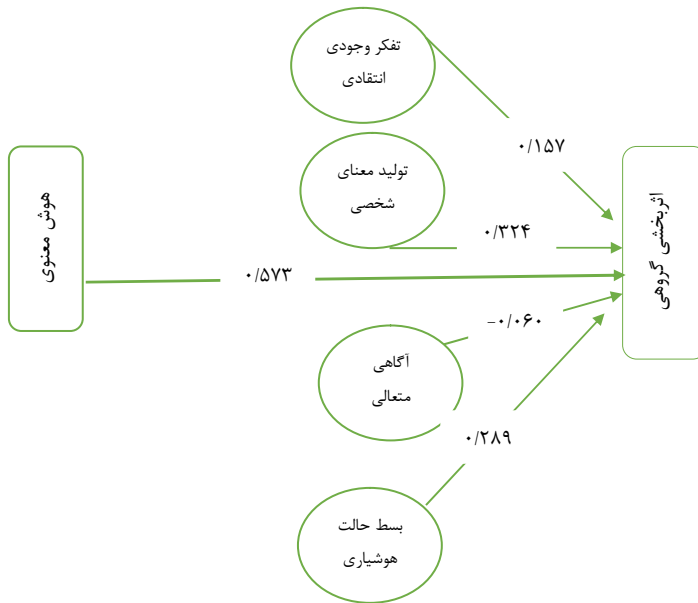
متغیرهای مستقل	ضرایب معیار نشده		ضرایب معیار شده	T	سطح معناداری	ضریب تولرانس	عامل تورم واریانس (vif)
	B	خطای معیار	بتا				
مقدار ثابت	۱/۰۹۷	۰/۱۹۶	-	۵/۵۹۴	۰/۰۰۰۱	-	-
تفکر وجودی انتقادی	۰/۱۷۱	۰/۰۸	۰/۱۵۷	۲/۱۴	۰/۰۳۳	۰/۴۴۶	۲/۱۴۶
تولید معنای شخصی	۰/۳۲۳	۰/۰۶۸	۰/۳۲۴	۴/۷۲	۰/۰۰۰۱	۰/۵۳۱	۱/۸۸۳
آگاهی متعالی	-۰/۰۵۶	۰/۰۷۳	-۰/۰۶۰	-۰/۷۶۵	۰/۴۴۵	۰/۴۱۳	۲/۴۲۳
بسط حالت هوشیاری	۰/۲۲	۰/۰۵۳	۰/۲۸۹	۴/۱۸	۰/۰۰۰۱	۰/۵۲۲	۱/۹۱۵
ضریب همبستگی (R)	مجذورات (R)		ضریب (R ^۲) تعدیل شده	خطای استاندارد شده	آماره F	سطح معناداری (Sig)	
۰/۶۰۹	۰/۳۷۱		۰/۳۶۱	۰/۴۱	۳۷/۰۸۵	۰/۰۰۰۱	

جدول ۷ نتایج رگرسیونی میزان تأثیر هوش معنوی بر متغیر اثربخشی گروهی را نشان می‌دهد که از میان این مؤلفه‌ها در مدل رگرسیونی، متغیرهای تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری به ترتیب با مقدار ضریب بتای (۰/۱۵۷، ۰/۳۲۴، -۰/۰۶۰، ۰/۲۸۹) به بهترین وجه متغیر وابسته اثربخشی گروهی را تبیین می‌کنند؛ که می‌توان نتیجه گرفت که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در این متغیرها میزان اثربخشی گروهی به ترتیب به میزان ۰/۰۸، ۰/۰۶۸، ۰/۰۷۳ و ۰/۰۵۳ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت، همچنین متغیر تفکر وجودی انتقادی با میزان بتای (۰/۱۵۷) سهم بسیار اندکی در تبیین متغیر وابسته دارد. مقدار t اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل را در مدل نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های جدول بالا،

در مبحث رگرسیون خطی در جهت هم خط نبودن متغیرهای مستقل از آماره تولرانس^۱ و عامل تورم واریانس^۲ استفاده شده است. با توجه به اینکه ضریب تولرانس بین (۰) تا (۱) در نوسان است و نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تا چه اندازه رابطه هم خطی با یکدیگر دارند، هر چه مقدار تولرانس بیش تر (نزدیک به عدد ۱) باشد میزان هم خطی کمتر است، و بر عکس هر چه مقدار تولرانس کم تر (نزدیک به صفر) باشد نشان می‌دهد که میزان هم خطی بالاست و خطای استاندارد ضرایب رگرسیون از تورم بالایی برخوردار است. با توجه به نتایج جدول فوق ضرایب تولرانس مؤلفه‌های متغیر مستقل شامل (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی، بسط حالت هوشیاری) به ترتیب به مقدار (۱) خیلی نزدیک نیستند از هم خط بودن برخوردارند لذا ضرایب رگرسیون تورم دارد. به عبارتی می‌توان گفت این مؤلفه‌ها از وضعیت خیلی قوی برای تبیین متغیر وابسته (اثربخشی گروهی) در زمان اجرای تحقیق برخوردار نبودند. همچنین مقدار عامل تورم واریانس به این اشاره می‌کند که هر چه این مقدار از عدد (۲) بزرگتر باشد، میزان هم خطی بیشتر است. علاوه بر این با توجه به نتایج جدول فوق مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها (۰/۶۰۹) است که نشان می‌دهد بین مجموعه مؤلفه‌های متغیر مستقل با متغیر وابسته رابطه همبستگی خیلی قوی در زمان تحقیق وجود دارد، اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با (۰/۳۶۱) است که نشان می‌دهد نزدیک به ۳۶ درصد از کل تغییرات، میزان اثربخشی گروهی در بین سرپرستان متأثر از مولفه های متغیر مستقل در این معادله است. همچنین مقدار آماره $F(۳۷/۰۸۵)$ و با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ است و می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از مؤلفه‌های متغیر مستقل و متغیر وابسته (اثربخشی گروهی) مدلی است که می‌تواند نه خیلی قوی متغیر وابسته را تبیین کند، هرچند که نتایج به دست آمده قابل تعمیم به جامعه آماری است و شاخص‌ها نقش خاصی در پیش‌بینی اثربخشی گروهی سرپرستان ندارند. در نهایت نمودار تحلیل مسیر تحقیق به شکل ۲ می‌باشد:

1. Tolerance

2. Variance Inflation Factor



شکل ۲) نمودار تحلیل مسیر

با توجه به نرمال بودن توزیع متغیرهای هوش معنوی و اثربخشی گروهی در نمونه تحت بررسی، برای تعیین همبستگی از آزمون معادلات ساختاری استفاده شد. کلیه شاخص‌های اصلی ارزیابی تناسب برازش مدل همراه با مقادیر آنها در جدول ۸ ارائه گردیده است و نشان‌دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد. براساس یافته‌های مندرج در این جدول مدل دارای برازش مناسب است. شاخص‌های برازش مدل عبارتند از: P-value, Df, chi-square, RMSEA, GFI, AGFI

یکی از بهترین شاخص‌های بررسی نیکویی برازش مدل، بررسی نسبت آماره کای دو بر درجه آزادی است. البته حد استاندارد برای مناسب بودن میزان این شاخص وجود ندارد. اما بسیاری از اندیشمندان بر این عقیده‌اند که این شاخص باید کمتر از ۳ باشد. در نهایت، حد مناسب بودن باید با تشخیص محقق و بر اساس نوع تحقیق صورت گیرد. در این تحقیق، میزان این نسبت برابر با ۲/۲۵ است. شاخص P-Value نیز معیاری دیگر برای سنجش مناسب بودن مدل است. اما در مورد میزان قابل قبول بودن این شاخص، اجماع نظری وجود ندارد. برخی از اندیشمندان حوزه‌ی آماری معتقدند که میزان آن

باید کمتر از ۰/۰۵ باشد، در حالی که برخی بر بیشتر بودن این میزان تأکید دارند. میزان P-Value برای مدل این تحقیق برابر با ۰/۰۰۰۱ است. شاخص میانگین مجذور خطاهای مدل (RMSEA) براساس خطاهای مدل ساخته شده و همانند شاخص کای دو، معیاری برای بد بودن مدل است. برخی از اندیشمندان بر این عقیده‌اند که این شاخص باید کمتر از ۰/۰۵ باشد. همچنین، برخی دیگر میزان کمتر از ۰/۰۸ را مناسب می‌دانند. میزان این شاخص برای مدل تحقیق برابر با ۰/۰۵۱ است. شاخص (GFI)، معیاری برای سنجش میزان خوب بودن مدل است و میزانی بالاتر از ۰/۹ نشان دهنده‌ی مناسب بودن مدل استخراج شده با توجه به داده‌ها است. میزان این شاخص برای مدل به دست آمده برابر با ۰/۹۴ است. شاخص (AGFI) در واقع حالت تطبیق داده شده شاخص با در نظر گرفتن میزان درجه آزادی (df) و معیار دیگری برای خوب بودن مدل است. چنانچه میزان این شاخص بالاتر از ۰/۹ باشد، از مناسب بودن مدل استخراجی با توجه به داده‌ها حکایت دارد. میزان این شاخص برای مدل به دست آمده برابر ۰/۸۹ است.

جدول ۸) تحلیل مسیر شاخص‌های برازندگی تأثیر هوش معنوی بر اثربخشی گروهی

شاخص‌ها	مقدار مجاز	اعداد به دست آمده	نتیجه
χ^2/df	$\chi^2/df < 3$	۲/۲۵	پذیرش H_1
P – Value	P – Value < ۰/۰۵	۰/۰۰۰۱	
RMSEA	۰/۰۸ < RMSEA < ۰/۰۵	۰/۰۵۱	
آماره t	کمتر از ۱/۹۶ - یا بیشتر از ۱/۹۶	۱۱/۴	
GFI	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۴	
AGFI	بالاتر از ۰/۸۵	۰/۸۹	
CFI	بالاتر از ۰/۹	۰/۹	
NFI	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۱	
ضریب همبستگی پیرسون		۰/۵۷۳	
سطح معنی داری ضریب همبستگی پیرسون		۰/۰۰۰۱	

با توجه به جدول ۸ و نتایج بدست آمده از معادلات اندازه‌گیری درمی‌یابیم که ضریب

همبستگی پیرسون ۵۷٪ است که نشان از برازش مناسب مدل می‌باشد و همچنین مقادیر t باید بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشد تا نشان‌دهنده معناداری بین متغیرها باشد. همان‌گونه که در شکل ۲ مشخص است تأثیر هوش معنوی بر اثربخشی گروهی معنادار بوده است لذا می‌پذیریم که هوش معنوی بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با مراجعه به اغلب دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود و بهره‌گیری از نتایج آن‌ها برای تحلیل تأثیر هوش معنوی بر اثربخشی گروهی، فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی حاکی از آن است که:

۱- هوش معنوی با تمام مؤلفه‌هایش بر اثربخشی گروهی تأثیر معنادار و قابل توجهی دارد.

۲- تفکر درباره معنای رویدادهای زندگی منجر به واضح شدن اهداف برای تمام اعضای هیأت مذهبی می‌شود؛

۳- توانایی یافتن معنا و هدف زندگی سبب احساس آزادی افراد می‌شود؛

۴- آگاهی از جنبه‌های غیرمادی زندگی منجر به پایبندی اعضا به اهداف هیأت می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های فرعی، مقدار آماره t و ضریب همبستگی محاسبه شده نیز حکایت از آن دارد که:

۱- تفکر انتقادی وجودی بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد؛

۲- اعتقاد به مواردی همچون: زندگی، مرگ، هستی و تفکر درباره فلسفه وجودی بشر و نیروهای ماورایی منجر به تصحیح انحرافات و بهبود تصمیمات در هیأت مذهبی می‌گردد؛

۳- ایجاد معنای شخصی بر اثربخشی گروهی تأثیر معناداری دارد؛

۴- اتخاذ تصمیمات بر طبق اهداف، در تعیین معنا و هدف برای تجارب روزانه منجر به اجماع در بین اعضای هیأت می‌گردد؛

- ۵- آگاهی متعالی بر اثربخشی گروهی تاثیر معناداری ندارد؛
- ۶- با وجود آگاهی از روابط عمیق میان فرد و دیگران و شناخت خصوصیات خاصی همچون فطرت پاک در میان افراد، این گونه موارد منجر به مشارکت اعضای هیأت در فعالیتهای گروهی نمی شود؛
- ۷- توسعه موقعیت هوشیاری بر اثربخشی گروهی تاثیر معناداری دارد؛
- ۸- ورود به حالت های بالاتر از هوشیاری یا آگاهی (حالت های روحانی) یا حرکت در بین سطوح هوشیاری منجر به تقویت و رشد فردی اعضای هیأت می شود.

پیشنهادهات

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، به منظور بهبود فرآیند اثربخشی و رضایت گروه های زیارتی پیشنهاد می گردد:

- ۱- متولیان سامان دهی این هیأت ها، بویژه آستان قدس رضوی و سازمان تبلیغات اسلامی نسبت به برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی در درخصوص مؤلفه های هوش معنوی برای سرپرستان هیأت های مذهبی اهتمام ورزند تا گام مؤثری در جهت بهبود وضعیت این هیأت ها و کاروان های زیارتی بردارند و بدین وسیله زائران را به مسافرت در قالب گروه ها و هیأت های زیارتی تشویق کنند.
- ۲- از آنجا که بیشترین تاثیر هوش معنوی با اثربخشی گروهی مؤلفه تولید معنای شخصی است، به سرپرستان هیأت ها پیشنهاد می گردد نسبت به جذب اعضا، بویژه جوانان و اعمال پیشنهادات و انتقادات آنها همت گمارند و به منظور تقویت هوش معنوی در اعضای هیأت از روحانیون و مداحان توانمند در برگزاری نمازهای جماعت، مراسم مذهبی، خواندن ادعیه و ... استفاده کنند. این قبیل اقدامات در تقویت هوش معنوی و بهبود اثربخشی سرپرستان و اعضای آنها مؤثر بوده، می تواند در هم افزایی در گروه اثرگذار باشد.
- ۳- به سرپرستان هیأت های مذهبی پیشنهاد می شود که با توسعه خدمات در سایر امور دینی و مذهبی، گوش دادن به مشکلات، افزایش سازگاری، ایجاد همدلی و سایر موارد به آرامش و نشاط روحی اعضای هیأت کمک کنند تا در نتیجه این موارد

هوش معنوی تقویت و امکان تحقق اهداف فردی و گروهی (اثربخشی) افزایش یابد. مهمترین محصول نهاده شده کردن این امور، تربیت جوانان متعهد و انقلابی خواهد بود که در تثبیت و تحکیم بنیاد خانواده، جامعه و در سطح وسیع تر تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی راهگشایند.

۴- به سرپرستان هیأت‌های مذهبی پیشنهاد می‌گردد که با توجه به رابطه معنویت و هوش معنوی و به‌منظور اثربخشی بیشتر مدیریت اسلامی در اماکن مذهبی، در انتخاب مدیران و مسئولان از کلیه ابعاد هوش، بویژه هوش معنوی استفاده نمایند.

۵- با توجه به اهمیت اثربخشی گروهی در کلیه سازمان‌ها و گروه‌های کاری و همچنین تأثیر هوش معنوی بر آن، پیشنهاد می‌گردد با ایجاد فضای مناسب و روحانی در میان افراد سازمان یا گروه، این شاخصه از هوش معنوی، یعنی تجربه‌های معنوی را تقویت نمایند.

۶- به سازمان‌های مرتبط با امور هیأت‌ها توصیه می‌شود در زمان احراز شرایط سرپرستان هیأت‌ها، به جنبه‌های مختلف هوش، بویژه هوش معنوی توجه داشته باشند.

۷- با توجه به اینکه اعتقاد به مفاهیم مذهبی، به‌عنوان یکی از ابعاد هوش معنوی - که دارای همبستگی بالا با اثربخشی گروهی است - از محیط خارج از گروه‌ها، بویژه خانواده و مدرسه شکل می‌گیرد، گروه‌ها و سازمان‌ها می‌توانند با انتخاب افرادی که بهره بالاتری از هوش معنوی دارند به‌عنوان سرپرست و عملیاتی نمودن این اعتقادات در استراتژی و عملیات سازمان متبوع، ارائه پاداش به پیشنهادهای مذهبی و اعتقادی و نیز برگزاری دوره‌های آموزشی مذهبی و برگزاری نشست‌های پاسخگویی به سؤالات اعتقادی و ... سبب بهره‌مندی هر چه بیشتر خود از مواهب هوش معنوی گردند.

۸- در نهایت، با عنایت به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود هوش معنوی مد نظر همه مدیران عالی، سرپرستان اماکن مذهبی و گردشگری مذهبی، تورگردان‌های تورهای مذهبی قرار گیرد و در تمامی فرایندهای شغلی آنها از جمله گزینش، استخدام، انتصابات و ترفیعات قرار گیرد.

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق و در جهت توسعه و تقویت یافته‌های حاصل از آن، تحقیقات ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- بررسی تحول هوش معنوی و میزان تأثیرگذاری آن بر اثربخشی گروهی به منظور بهبود کیفیت زیارت و آرامش روحی و روانی.
- ۲- بررسی نقش رسانه و سایر ابزارهای ارتباطی برای اطلاع‌رسانی به سرپرستان و اعضای کاروان‌ها به منظور شناخت بهتر، متناسب با شرایط محیط.
- ۳- بررسی نقش هوش معنوی در عملکرد، فرهنگ سازمانی، رفتار شهروندی، کیفیت کاری، رضایت شغلی و ... کارکنان حرم مطهر رضوی.
- ۴- انجام پژوهش‌های مشابه با پژوهش حاضر با جوامع آماری مختلف، نظیر: پژوهش در میان مدیران کاروان‌های زیارتی داخلی و خارجی (مدیران کاروان‌های حج، کربلا، قم، شیراز، راهیان نور و ...).

منابع

- احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۴). "بررسی جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و هیأت‌های مذهبی". مهندسی فرهنگی، سال نهم، ش ۸۳ (بهار): ۱۰-۴۰.
- امین بیدختی، علی‌اکبر؛ قربانی، مهتاب (۱۳۹۴). "نقشه ارتقای اثربخشی مدیران با بهره‌گیری از هوش معنوی و اخلاق حرفه‌ای". مدیریت راهبردی، دوره ششم، ش ۲۳ (پاییز): ۱۳۷-۱۵۹.
- انصاف، زهرا (۱۳۷۷). "بررسی رابطه کسب مدیریت با اثربخشی آنان از نظر دبیران دبیرستان‌های شهرستان‌های استان تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم اداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- بنیادی نائینی، علی؛ کامفیروزی، محمدحسن (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر معنویت بر شاخص‌های اثربخشی گروهی بر پایه نظرات شهید مطهری". مدیریت فردا، سال یازدهم، ش ۳۲ (پاییز): ۱۰۵-۱۱۶.
- آراین‌پور، ملیحه؛ شهابی‌زاده، فاطمه؛ بحرینیان، عبدالمجید (۱۳۹۴). "الگوی پیش‌بینی هوش معنوی بر پایه سبک‌های اسنادی و خودکنترلی". روان‌شناسی و

- دین، سال هشتم، پیاپی ۲۹، ش ۱ (بهار): ۲۴-۵.
- شنایدر، سوزان؛ بارسو، یان لوئیس (۱۳۸۲). مدیریت در فرهنگ ها، ترجمه داود ایزدی و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- پورسلطانی، حسین؛ میرزائی، فهیمه؛ زارعیان، حسین (۱۳۹۲). "ارتباط هوش معنوی و هوش فرهنگی با بهره‌وری کارکنان پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی". *مطالعات مدیریت ورزشی*، ش ۲۰ (پاییز و زمستان): ۳۶-۱۵.
- تفته، مرضیه (۱۳۹۷). "رابطه‌ی هوش معنوی و ادراک از جو سازمانی با سرمایه فکری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت". *فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، دوره نهم، ش ۳۴ (تابستان): ۱۲۹-۱۵۰.
- خائف‌الهی، احمدعلی؛ بهرام‌میرزایی، آرش؛ متقی، پیمان (۱۳۸۹). "مؤلفه‌های رهبری معنوی در سازمان". *ماهنامه تدبیر*، شماره پیاپی ۲۱۷ (خرداد): ۳۳-۲۹.
- خدابخش، عاطفه؛ بردیا، بهنیا (۱۳۹۴). "رابطه هوش معنوی و هوش اخلاقی با استراتژی‌های مدیریت تعارض در بانک ملت استان مازندران". در: *مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی پایدار ایران*. تهران: مؤسسه آموزش عالی مهر ارون. قابل دسترس در: https://www.civilica.com/Paper-MCCONF01-MCCONF01_085.html [23/11/2019].
- ذبیحی، محمدرضا؛ ساغروانی، سیما (۱۳۹۱). "هوش معنوی و تعهد سازمانی". *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، دوره سوم، ش ۴ (پاییز): ۱۰۷-۱۲۶.
- ذبیحی، محمدرضا؛ ساغروانی، سیما (۱۳۹۲). "هوش معنوی و تعهد سازمانی کارکنان شرکت گاز استان خراسان رضوی". *آینده پژوهی مدیریت*، پیاپی ۲، ش ۱، (بهار): ۴۰-۳۱.
- ذکریائی، صادق؛ سلطان‌پناه، هیرش؛ فاطمی، عادل (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین مهارت‌های مدیریتی و اثربخشی گروهی". *مدیریت بهره‌وری*، دوره یازدهم، شماره پیاپی ۴۱، ش ۲ (تابستان): ۱۸۱-۲۰۲.

- رحیمی پور، محسن؛ کرمی، اسحق (۱۳۹۳). "نقش واسطه‌گری هوش معنوی با بهزیستی روان‌شناختی و رضایت از زندگی در سالمندان شهرستان مهریز (یزد)". *طب توانبخشی*، دوره سوم، ش ۳ (پاییز): ۷۲-۸۱.
- سهرابی، فرامرز؛ ناصری، اسماعیل (۱۳۸۸). "بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن". *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، دوره سوم، ش ۴ (بهار): ۶۹-۷۷.
- صادقی، علیرضا (۱۳۸۲). "بررسی اثربخشی برنامه‌های پرورشی مدارس متوسطه شهر زنجان". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی*، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عسگری، مهراتا؛ حیدری، علیرضا؛ عسگری، پرویز (۱۳۹۴). "رابطه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی با بهزیستی روان‌شناختی و اضطراب وجودی در دانشجویان". *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، دوره نهم، ش ۳۱ (بهار): ۱۶۳-۱۹۰.
- فرجی، مهدی؛ کاظمی، عباس (۱۳۸۸). "بررسی وضعیت دین‌داری در ایران: (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته)". *تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، ش ۶ (تابستان): ۷۹-۹۵.
- فرهی، رضا، و دیگران (۱۳۸۹). "طراحی معیارهای اثربخشی کارگروهی بارویکرد QCC و TQM مطالعه موردی: پژوهشگاه صنعت نفت". *فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت*، سال چهارم، ش ۱۰ (بهار): ۳۹-۷۰.
- قربانی، محبوبه، و دیگران (۱۳۹۱). "بررسی رابطه هوش معنوی و تعهد سازمانی در یک سازمان دولتی". *فرایند مدیریت توسعه*، دوره بیست و پنجم، ش ۳، پیاپی ۸۱ (تابستان): ۶۷-۹۲.
- کاظمی پور، عبدالمحمد (۱۳۸۲). *باورها و رفتارهای مذهبی در ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجموعه طرح‌های ملی.
- گرگی، محمدباقر (۱۳۸۷). "بررسی کیفیت خدمات و رابطه آن با اثربخشی". *فصلنامه مدیریت*، سال پنجم، ش ۱۲ (زمستان): ۱-۱۱.

- گلچین، مجتبی؛ سنجرى، احمدرضا (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین هوش معنوی و خودکارآمدی کارکنان (مطالعه موردی: سازمان آموزش و پرورش استان گلستان)". *فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی*، سال اول، ش ۳ (تابستان): ۵۴-۶۶.
- لعلی سرابی، امیر؛ شکری، صابر؛ بنی فاطمه، سیده زهرا (۱۳۹۴). "بررسی رابطه هوش معنوی و هوش فرهنگی با اثربخشی گروهی (مطالعه موردی: استانداری آذربایجان غربی)". در: مجموعه مقالات همایش سراسری مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری. قابل دسترس در:
https://www.civilica.com/Paper-NCPIM01-NCPIM01_251.html [23/11/2019].
- موحدی، لیلا؛ زندوانیان، احمد؛ زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۵). "تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهبود کیفیت زندگی معلولان جسمی شهرستان میبد". *طلوع بهدشت*، سال پانزدهم، ش ۵ (بهار): ۱۰۹-۱۲۱.
- مهدیان، محمدجعفر؛ عبودپور، ملوک؛ نوروزی کوهدشت، رضا (۱۳۹۶). "رابطه رهبری معنوی و هوش معنوی با توانمندسازی معلمان". *علوم تربیتی/از دیدگاه اسلام*، سال پنجم، ش ۹ (پاییز) ۱-۲۴.
- نقی زاده باقی، عباس، و دیگران (۱۳۸۹). "رابطه نوع تعارض، سبک مدیریت تعارض و اثربخشی تیم‌های والیبال باشگاه‌های لیگ برتر کشور". *حرکت (مدیریت ورزشی)*، سال دوم، ش ۵ (بهار): ۵۱-۱۲۱.
- نیک‌همت، محمد (۱۳۹۵). "بررسی سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین اعضای هیأت‌های مذهبی شهر ری". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت اماکن متبرکه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب.
- نیکنامی، مصطفی (۱۳۷۵). "مفاهیم کارایی و اثربخشی مدیران مدارس". *مدیریت در آموزش و پرورش*، دوره چهارم.
- یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). "بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان". *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ش ۹ (پاییز): ۹۲-۱۰۵.

-
- Amram. Y. (2007). "The seven dimensions of spiritual intelligence: An ecumenical, grounded theory". San Francisco: Institute of Transpersonal Psychology publication.
 - ----- (2009). "The Contribution of Emotional and Spiritual Intelligences to Effective Business Leadership". Unpublished doctoral dissertation, Institute of Transpersonal Psychology, Palo Alto, CA.
 - Bibikova, A.; Kotelnikov, V. (2006). "Cultural intelligence (CQ): knowledge, arts and skills". pp 112-123. Available from www.1000ventures.com/the-key-to-leveraging-the-power-of-diversity.htm [23/11/2019].
 - Ebrahimi, M., et al. (2015). "Effectiveness of training of spiritual intelligence components on depression, anxiety, and stress of adolescents". *J Med Life*, Vol. 8, No. 2: 87-92.
 - Emmons, R. A. (1999). "The psychology of ultimate concern: Motivation and spirituality in personality". New York: The Guilford Press.
 - Emmons, R. A. (2000). "Is Spirituality an Intelligence?". *The International Journal for the Psychology of Religion*, Vol. 10, No. 1: 3-26.
 - Friedman, P. G.; Yarbrough, E. A. (1985). "Training Strategies Form Start to finish". New Jersey: Prentice - Hall.
 - Hamid, N., et al. (2012). "Assess the relation between mental health and spiritual intelligence resiliency in Kermanshah University of Medical Sciences". *Journal - Janet ASHAPIR research*, Vol. 3, No. 4: 21-28.
 - King, D. B. (2008). "Rethinking claims of spiritual intelligence: A

- definition, model & measure”. Unpublished master’s thesis. Trent University. Peterborough, Ontario, Canada.
- King, D. B.; De Cicco, T. (2009). “A viable model and self-report measure of spiritual intelligence”. *International Journal of Transpersonal studied*, Vol. 28, No. 5: 65-68.
 - Levin, Michal. (2000). “Spiritual Intelligence: Awakening the Power of Your Spirituality and Intuition”. Australia: Hodder Headline.
 - Min Tan, S. Y., et al. (2013). “The Relationship between Spiritual Intelligence and Transformational Leadership Style among Student Leaders”. *Journal of Southeast Asian Research*, Vol. 6, No. 2: 1-17.
 - Saad, M., et al. (2018). “Effect of Spiritual Intelligence on Leadership Effectiveness and Food-hygiene Practices”. *Journal of ASIAN Behavioural Studies*, Vol. 3, No. 10: 76-85.
 - Schein, E. (1988). ”Rating of group effectiveness: its role in organizational development. process consultation”. Addison-Wesley Publishing. Available at: www.healthedpartners.org/processconsultation [23/11/2019].
 - Shermerhoren, J. R.; Hant, j.; Azborn, R. (1999). “Organizational behavior management”. Translators M. Iran nezhad parizi, M. A. Babaie zakliki & M. A. Sobhanoallahi. Tehran: Researches and educational Management Institute.
 - Singh, M.; Sinha, J. (2008). “Impact of Spiritual Intelligence on Quality of Life”. *International Journal of Scientific and Research Publications*. Vol. 3, Issue 5: 1-5.
 - Siswanti, Dian Novita; Khairuddin, Halim; Fatimawati, Rozainee;

- (2018). "The Effect of Spiritual Intelligence, Emotion and Social Competence to the Leadership Competence". *Journal of Physics: Conference Series*, Vol. 1028, conference 1.
- Thomas D. C.; Inkson K. (2008). "People skills for global business: cultural intelligence". U.S: Read how you want.
 - Upadhay, S., et al. (2015). "Spiritual Intelligence and Organisational Effectiveness Ecosystem". *International Conference on Technology and Business Management*, Vol. 23: 25.
 - Vaughan, F. (2002). "What is Spiritual Intelligence?". *Journal of Humanistic Psychology*, Vol. 42, No. 2: 16- 33.
 - Wigglesworth, Cindy (2004). "Spiritual Intelligence and why it Matters". Available at: www.conciouspersuit.com. [23/11/2019].
 - Zohar, D. Marshal. (2000). "SQ: Spiritual intelligence, The ultimate intelligence". London: loomsbury.

بررسی جایگاه سیاسی شیخ محمدباقر آیتی بیرجندی در منطقه قاینات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۰

سال سیزدهم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱

شماره صفحه: ۱۵۳-۱۶۷

محمد ولی پور^۱

حمیدرضا وردی^۲

چکیده

یکی از مقوله‌های در خور توجه در بررسی زندگی عالمان شیعی، ارزیابی حیات اجتماعی و مواضع سیاسی آنها است. شیخ محمدباقر آیتی از عالمان پرآوازه‌ای است که حیات علمی و آثار قلمی اش در عرصه مطالعات فرهنگ تشیع تاثیر گذار بوده است. علاوه بر جنبه‌های علمی، آیت الله محمدباقر گزاری در رخدادهای سیاسی زمانه‌اش مواضع خاصی اتخاذ کرده که مقاله حاضر در صدد واکاوی آن است. دستاوردهای حاصل از این پژوهش بیانگر نقش تأثیرگذار شیخ محمدباقر در مسائل مختلف سیاسی از قبیل: موضع‌گیری او در قبال مشروطه و برخی از مسایل سیاسی منطقه، رفع اختلاف بین افراد خاندان حاکم محلی و رفع اختلاف بین طرفداران دو گروه سیاسی منطقه (حشمتی و شوکتی) است. بعضی از اقدامات و مواضع شیخ محمدباقر آیتی نظیر موضع‌گیری او در قبال مشروطه حتی منجر به تقابل وی با علما و دیگر معاصرانش نیز شده و او را در برابر حاکم منطقه قرار داده و به عزل او از تولیت اوقاف انجامیده است.

واژگان کلیدی: محمدباقر آیتی، بیرجند، مواضع سیاسی، عالمان شیعی

مقدمه

در طول تاریخ ایران اسلامی نقش و عملکرد علما در مسایل سیاسی همواره در خور توجه بوده است چنان که موضع گیری های آنها باعث تحولات مهم اجتماعی - سیاسی شده است. در این بین یکی از علمای معاصر که جایگاه مهمی در تحولات سیاسی منطقه قنات داشته است، شیخ محمدباقر آیتی بیرجندی است. شیخ محمدباقر در سال ۱۲۷۶ ه.ق در روستای گازار از توابع بیرجند به دنیا آمد (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۱). وی از خانواده ای ریشه دار و اهل علم، فضل و فرهنگ بود که نسبش از جانب پدر به اشرف الشرفا (م ۱۱۴۹ ه.ق) و از ناحیه مادر به ملا محمدباقر بن مسعود علی شیرخوندی، از علمای عهد نادرشاه می رسد (مرعشی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۲: ۱۲). او تحصیلات خود را در بیرجند، قاین و مشهد گذراند (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۸۷). شیخ محمدباقر با حمایت و مساعدت میرزا خانلرخان اعتصام الملک در حوزه مشهد نزد استادان مجربی به تحصیل پرداخت (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۲۰۳). وی فقه را در مشهد نزد استادانی چون میرزا هدایت الله ابهری تلمذ نمود و عمده تحصیلات عالیّه خود را در نجف و سامرا نزد آیت الله سید محمد حسن شیرازی (م ۱۳۱۲ ه.ق) گذراند (امین، ۱۴۲۰ ق.، ج ۷: ۱۸۱)، و پس از اتمام تحصیلات در عتبات به مکه معظمه مشرف شد و در سال ۱۳۰۵ ه.ق/ ۱۲۶۶ ه.ش به بیرجند مراجعت نمود و به رتق و فتق امور شرعی مردم مشغول شد (رازی، ۱۳۵۲: ۲۶۶). او پس از عمری مجاهدت در ذی الحجه سال ۱۳۵۲ ه.ق/ ۱۳۱۳ ه.ش بدرود حیات گفت و در قبرستان بیرجند به خاک سپرده شد. هم اکنون مزار او در وادی الحمامه در قبرستان شمالی بیرجند قرار دارد (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۴-۳۱۵).

با توجه به اهمیت علما و نقش مؤثر آنان در زمینه های مختلف بویژه ظلم ستیزی و موضع گیری در قبال جنبش های گوناگون سیاسی در تاریخ ایران، این نوشتار سعی دارد به این پرسش اصلی پاسخ دهد:

- شیخ محمدباقر در قبال مسایل سیاسی منطقه چه موضعی اتخاذ کرده است؟

در باب پیشینه تحقیق می توان به موارد زیر اشاره کرد:

اولین پژوهش کتاب بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان از محمدحسین

آیتی (۱۳۷۱) است. نویسنده در این اثر صرفاً به شرح حال و آثار سه تن از رجال برجسته این خاندان یعنی شیخ محمدباقر، شیخ محمدابراهیم و شیخ محمدحسین (مؤلف) پرداخته است. محمدرضا بهنیا (۱۳۸۱) نیز در کتابی به نام بیرجند نگین کویر به رجال برجسته این خاندان و فهرست آثار ایشان اشاره مختصری دارد. زهرا علیزاده بیرجندی (۱۳۸۲) نیز در کتاب *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند* به معرفی سه تن از رجال برجسته این خاندان (محمد باقر، محمد ابراهیم و محمد حسین) و آثار آنها پرداخته است.

تحقیقاتی نیز اختصاصاً در مورد شیخ محمد باقر آیتی صورت گرفته است؛ ازجمله پژوهشی تحت عنوان "شیخ محمد باقر بیرجندی" از انصاری قمی (بی تا). گرچه نویسنده در این اثر به مباحثی پیرامون شخصیت آیتی، مقامات علمی و آثار او اشاره دارد، اما به جایگاه سیاسی این عالم پرداخته نشده است.

زهرا علیزاده بیرجندی (۱۳۹۲) و همکارانش در "جایگاه اجوبه‌های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی" به اجوبه فقهی علمای بیرجند از جمله به فتواهای شیخ محمد باقر آیتی پرداخته‌اند. در این مقاله همچنین به رابطه معنادار بین فعالیت‌های این شخصیت و تحولات فرهنگی بیرجند اشاره شده، اما به مسایل سیاسی پرداخته نشده است.

فاطمه خسروی (۱۳۹۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "آیت الله شیخ محمد باقر آیتی و تحولات اجتماعی و فرهنگی بیرجند از سال ۱۲۶۶ تا ۱۳۱۳ هجری شمسی" به نقش معنادار شیخ محمد باقر در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منطقه بیرجند پرداخته است.

سمیرا عباسلو (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به نام "جایگاه اجوبه‌های علمای قاینات در تدوین تاریخ اجتماعی منطقه در دوره دوم قاجاریه تا پایان این سلسله" به فتواهای شیخ محمد باقر و تأثیرات آن در امور اجتماعی اشاره مختصری دارد.

وجه تمایز این پژوهش با تحقیقات فوق این است که در مقاله حاضر سعی شده صرفاً به فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی اثرگذار شیخ محمد باقر آیتی در منطقه و کشور پرداخته شود.

۱ - نقش سیاسی آیت الله محمدباقر گزاری در زمان امیرعلم خان سوم^۱ (م ۱۳۰۹ق) و محمداسماعیل خان^۲ (م ۱۳۲۲ق): محمد باقر بیرجندی در سایه حمایت حشمت‌الملک (امیر علم خان سوم) و میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک که مأمور تعدیل مالیات سیستان و خراسان بود در مشهد به تحصیل مشغول شد. امیرعلم خان سوم در راستای حمایت از تحصیل دانش، برات شش تومان کمک هزینه تحصیلی به نام آیت الله محمدباقر گزاری کارسازی نمود (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۸۷). بنا به گفته اعتصام‌الملک، حشمت‌الملک به حوزه‌های علمیه آن روز که در بیرجند، قاین و درخش دایر بود سالی هفتصد تومان کمک می‌کرد و در رسیدگی به امور دین کوشا بود (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۲۰۴). بنابراین به نظر می‌رسد که در راستای این سیاست و عقیده باطنی خود از آیت الله محمدباقر گزاری حمایت کرده و او را برای ادامه تحصیل تشویق نموده است. هنگامی که آیت الله محمدباقر گزاری پس از فراغت از تحصیل در عتبات، به بیرجند عزیمت نمود؛ حشمت‌الملک از او استقبال کرد. مردم بیرجند و حاکم منطقه از او درخواست نمودند که در این شهر بماند و به رتق و فتق امور شرعی مردم بپردازد. به گفته راشد محصل قبل از مراجعت محمد باقر، حاکم شرعی بیرجند و قاینات محمدحسن هردنگی بوده که در قریه هردنگ ساکن بوده است (راشد محصل، ۱۳۴۲: ۳). قبول حاکمیت شرعی و همکاری او با حاکم منطقه و رسیدگی به امور مردم در ایجاد امنیت منطقه مؤثر افتاد. اولین چالشی که وی در منطقه با آن مواجه شد حضور پررنگ ملاهای اهل سنت بود که مولوی ابراهیم حنفی در رأس آنها قرار داشت. مولوی ابراهیم با مناظراتی که ترتیب داده بود و با تبلیغات گسترده خود، امیرعلم خان سوم را مردد کرده بود، زیرا علم خان با درخواست‌های مکرر او مواجه شده بود که از

۱. یکی از مشهورترین حاکمان محلی قاینات بود که در دوره ناصرالدین شاه قاجار حکومت ولایت قاینات به او سپرده شده بود که اجداد او از زمان نادر در این منطقه قدرت را درست داشتند. وی در دوره ناصرالدین شاه به دلیل سرکوبی یاغیان بلوچ و افغان و ایجاد امنیت در شرق ایران به لقب امیر تومانی از طرف شاه ملقب شد و شمشیر مرصع دریافت داشت (رجوع کنید به: منصف، ۱۳۵۴: ۲۰-۲۳).

۲. امیر اسماعیل خان پسر حشمت‌الملک بود که در اواخر حکومت ناصرالدین شاه و اوایل حکومت مظفرالدین شاه قاجار حاکم قاینات بود و به شوکت‌الملک اول شهرت داشت و چون فرزندی نداشت اموال خود را به نام برادرش محمد ابراهیم خان هبه نمود. محمدابراهیم مشهور به شوکت‌الملک دوم از ۱۲۸۴ش به حکومت قاینات رسید (همان: ۱۴-۱۶).

او می‌خواست تغییر مذهب دهد که امیر آن‌را به بعد از مناظره موکول کرده بود (آیتی، ۱۳۷۶: ۲۰۴). در این مناظره آیت الله محمدباقر گزاری پیروز میدان می‌گردد و شهره می‌شود البته بعضی از معمرین بیرجند اعتقاد دارند که امیرعلم خان سوم سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" داشت و از این طریق قصد تفرقه انگیزی و حکومت‌گری داشته است.^۱ اما این مسأله با خصوصياتی که خانلرخان از او ذکر می‌کند و شرح آن گذشت مغایرت دارد. بلکه به نظر می‌رسد که وی بر اساس اعتقادات باطنی که داشته در صدد کم کردن نفوذ فرقه حنفی اهل سنت که از ناحیه هرات تقویت می‌شد، بوده است. چنان‌که قبل از ورود آیت الله محمدباقر گزاری به بیرجند ملا محمدحسن هردنگی را هم برای مقابله با مولوی شمس هراتی تقویت می‌کرده است (هردنگی، ۱۳۹۶: ۱۵-۳۵). قبل از او سید ابوطالب قایینی هم در رد این ملای متعصب کتاب نوشت. پس از پیروزی آیت الله محمدباقر گزاری در این مناظره بر حریف قدرتمند، امیرعلم خان سوم از او می‌خواهد که در بیرجند بماند و به نجف برنگردد. همچنین مولوی ابراهیم حنفی که به قدرت علمی آیت الله محمدباقر گزاری واقف می‌شود به پیروان خود توصیه می‌کند که مسایل شرعی خود را از آیت الله محمدباقر گزاری بپرسند. او نه تنها بر فقه شیعه تسلط داشت و شیعیان قاینات احکام شرعی خود را از او می‌آموختند بلکه بر فقه اهل سنت هم واقف بود و حنفی‌های منطقه هم مسایل شرعی خود را از او یاد می‌گرفتند. او در این زمینه به حدی مهارت داشت که در نامه‌ها و پیام‌های دولتی هرات از او با لقب "مفتی الفریقین" یاد شده است (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۰۶) آیت الله محمدباقر گزاری پس از سکونت در بیرجند حاکم شرعی می‌شود و در بسیاری از مسایل حکومتی به دلیل نفوذ کلام او در بین مردم مورد مشورت قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین مسأله سیاسی که آیت الله محمدباقر گزاری در اوایل سکونت در بیرجند با آن مواجه شد، فوت حشمت‌الملک (۱۳۰۹ ق.) و به قدرت رسیدن دو پسر او یعنی علی اکبرخان حسام الدوله دوم در سیستان و محمداسماعیل خان شوکت‌الملک اول در بیرجند و قاینات بود. به عبارت دیگر با تقسیم قدرت و قلمرو امیرعلم خان سوم

۱. مصاحبه با محمد ابراهیم ربانی مورخ ۱۳۹۷/۴/۴

حشمت‌الملک بین فرزندان او، رقابت و درگیری سیاسی بین آنها و طرفدارانشان پدید آمد (شاهدی، ۱۳۷۷: ۶۱). اطرافیان هریک از این دو رقیب تا می‌توانستند آتش کینه و دشمنی بین دو برادر را شعله‌ور می‌کردند تا به منافع خود برسند (منصف، ۱۳۵۴: ۳۷). در این زمان آیت الله محمدباقر گزاری به عنوان حاکم شرع شناخته می‌شد و تولیت اوقاف بیرجند که باید به دست اعلم علمای زمان باشد توسط امیر محمد اسماعیل علم به او سپرده شده بود. در این میان برادر بزرگتر یعنی علی اکبرخان چون نتوانسته بود به جانشینی مطلق پدر برسد، نوعی احساس کینه نسبت به برادر کوچکتر خود پیدا کرد و از طرف دیگر چون منطقه قاینات کرسی نشین بود و از مرکزیت بیشتری برخوردار بود، امیر محمد اسماعیل به سهولت توانسته بود به ارشدیت سیاسی نایل آید و این امر برای حسام الدوله دوم نگران کننده بود (شاهدی، ۱۳۷۷: ۶۲). در این اوضاع و احوال بود که زمره‌های مشروطه خواهی در ایران بروز کرد. همزمان با بروز و ظهور اندیشه‌های جدید، حادثه سیاسی مهمی در ولایت قاینات اتفاق افتاد که پای محمدباقر بیرجندی را بیشتر به مسایل سیاسی کشاند و جایگاه سیاسی او را بیشتر از قبل برجسته نمود. این حادثه مرگ امیر محمد اسماعیل خان (شوکت الملک اول) و جانشینی محمد ابراهیم (شوکت الملک دوم) و قضیه هبه نامه بود.

– موضع آیت الله محمدباقر گزاری در مورد هبه نامه امیر محمد اسماعیل و تأثیرات آن در منطقه

از آنجا که امیرمحمد اسماعیل فرزندی نداشت علاقه خاصی به برادر کوچکتر خود محمد ابراهیم - که با او ناتنی هم بود - ابراز می‌کرد و نوعی احساس پدرانه در حق او رعایت می‌نمود. لذا هبه نامه‌ای تنظیم کرد و براساس آن محمد ابراهیم را وارث ثلث اموال خود قرار داد. هبه نامه به خط محمد اسماعیل است و رونوشتی هم از آن به خط شیخ محمد هادی هادوی تنظیم شده است که هر دو به مهر آیت الله محمدباقر گزاری ممهور شده است. در این هبه نامه محمد اسماعیل تمامی اموال خود را به جز پاره‌ای موارد که در سند قید شده به برادرش محمدابراهیم هبه نموده است. به شرطی که یک ثلث وقف و یک ثلث به محمد ابراهیم و یک ثلث هم برای مخارج مورد نیاز و هرکس

حق شرعی داشته باشد به او بدهند (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۹۳۲۰۸). تاریخ این سند ۱۳۲۲ هـ.ق می‌باشد.

با توجه به اختلافات و درگیری‌های دو برادر یعنی علی اکبر خان حسام‌الدوله و محمد اسماعیل خان شوکت‌الملک اول که بر اوضاع سیاسی و اجتماعی قاینات اثر گذاشته بود، انتشار خبر این هبه نامه بیشتر باعث نگرانی علی اکبر خان شد، لذا رقابت‌ها شدیدتر شد و جنگ شوکتی و حشمتی در منطقه شدت گرفت تا جایی که هر دو برادر از طریق حکومت مرکزی به تهران فراخوانده شدند (منصف، ۱۳۵۴: ۴۹) در این میان محمد اسماعیل به خاطر بیماری عذر خواهی نموده، به جای خود محمد ابراهیم را روانه تهران کرد و از طرف دیگر علی اکبر خان به تهران رفت. هنگامی که دو برادر در تهران بودند خبر درگذشت محمد اسماعیل به تهران رسید و ضمن برگزاری مراسم بزرگداشت برای او، عین‌الدوله حکومت قاینات را به محمد ابراهیم واگذار کرد و او را به لقب شوکت‌الملک دوم ملقب نمود. این واقعه بر شدت عصبانیت حسام‌الدوله افزود و برای برکناری برادر کوچکتر از حکومت قاینات دست به کار شد و ضمن شکایت به وزیر داخله یعنی مشیرالدوله^۱ صحت هبه نامه را زیر سؤال برد و مدعی سهم الارث خود و به تبع آن خواستار حکومت قاینات شد (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۱/۲۴۶۶). بنابراین صحت این هبه نامه سندی محسوب می‌شد در جهت تثبیت حکومت محمد ابراهیم بر قاینات که از حیث سیاسی و اجتماعی اهمیت خاصی داشت. لذا تأیید صحت آن از جانب علما و مراجع ذی نفوذ اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده بود. محمد ابراهیم شوکت‌الملک دوم که از نفوذ کلام و موقعیت اجتماعی محمدباقر بیرجندی به خوبی آگاهی داشت، ابتدا از آیت الله محمدباقر گازاری کتباً درخواست تأیید مجدد هبه نامه را نمود، چنان که در متن سند آمده است "خدمت جناب مستطاب، شریعتمدار، ملاذالانام آقای حاج شیخ محمدباقر دامها قضالله و تعالی سند هبه نامه چه مرحوم مبرور مأب سرکار امیرشوکت

۱. وی پسر میرزا نصرالله نائینی و از رجال نامی دوره قاجاریه است که مشهور به حسن پیرنیا می‌باشد (۱۳۱۴/۱۲۵۱ ش). مشیرالدوله تحصیل کرده مسکو بود و در سمت‌های مختلف در عصر قاجاری چون وزارت داخله، وزارت خارجه، و نخست‌وزیری ... خدمت کرد در سفرهای ناصرالدین شاه به عنوان منشی صدراعظم و مترجم شاه حضور داشت (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۱۰۲-۱۰۳).

الملك، نورالله مرقدہ و عطر الله مضجعہ کہ مہر بہ مهر جنابعالی و باقی علمای بیرجند از قبیل جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاجی محمد دامہا قضی اللہ است کہ مکرراً ملاحظہ فرمودہ اید وقوع صحت آنرا مرقوم فرمودہ اید. حال آنچه بر جنابعالی در این خصوص فعلاً معلوم است از وقوع ہبہ و صحت عمل آن در حشو مرقوم فرمایید زیاد تصدیق است" (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانہ‌ها، موزہ‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۶۲۹/۱). شیخ محمدباقر در حاشیہ نامہ سمت راست این چنین نوشتہ است:

"بسم اللہ تعالی: ہبہ نامچہ مرقوم صحت آن معلوم است بہ همان نہج کہ در ہامش سند اصل و سواد آن، این ضعیف نوشتہ ام و حال نیز عمل بہ آن را واجب می دانم و ماشہد الا بما علمت و حررہ بید الاثرہ الجانیہ فی الثامن من شہر جمادی الاولی سنہ ۱۳۲۳. محمدباقر العلوم" (ہمان).

این درخواست و تأییدہ کہ تثبیت حکومت محلی را در پی داشت و از درگیری‌های حشمتی و شوکتی پیشگیری کرد، نشان دہندہ جایگاہ والای سیاسی- اجتماعی این شخصیت دینی است. گرچہ عین الدولہ صدراعظم، طرفدار شوکت الملك بود ولی باید بہ شکایت برادرش علی اکبرخان درخصوص موضوع ہبہ نامہ رسیدگی می کرد. لذا مشیرالدولہ، وزیر داخلہ با اطلاع از جایگاہ دینی و نفوذ حاج شیخ محمدباقر طی نامہ‌ای بہ وسیلہ تلگراف از او می خواہد کہ از تقسیم ارثیہ محمد اسماعیل تا رفع شکایت حشمت الملك دوم خودداری نماید. در متن تلگراف چنین آمدہ است:

«خدمت جناب مستطاب آقا شیخ محمدباقر مجتہد سلم اللہ. چون جناب حشمت الملك دوم در باب حقوق ارثیہ خود از مرحوم شوکت الملك پارہ گفتگو دارد کہ در حیات آن مرحوم ختم نشدہ و تکلیف حقوق او غیر معلوم ماندہ و حالا باید بہ قانون شرع مطاع و از روی صحت و درستی قطع این گفتگو شود. لزوماً بہ جنابعالی زحمت می دہم همان طور کہ جناب مستطاب آقا شیخ ہادی و معززالملک^۱ درب اطاق های مرحوم شوکت الملك را مہر کردہ اند باید جنابعالی و عمدہ الدراء محمدرضا خان^۲ مہر

۱. وی از رجال دورہ قاجاری است کہ بجنوردی است و در دورہ مذکور حاکم جاجرود بودہ و پدر عبدالحسین تیمور تاش است در دورہ مورد نظر موقتاً بہ دلیل اینکہ امیراسماعیل از رفتن بہ تہران عذر آورد از طرف حکومت مرکزی حکومت قایمات بہ او سپردہ می شود (رجوع کنید بہ: آیتی، ۱۳۷۱: ۱۱۹).
۲. وی برادر امیر معصوم خان حسام الدولہ و پسر امیر علی اکبرخان حسام الدولہ دوم بود کہ پس از کنارگیری

نمایند و مراقب باشند که مهر اتاق بر ندارند و ابداً تصرفی در اموال آن مرحوم نشود تا حشمت الملک دوم به قاین آمده و با اطلاع جنابعالی شرعاً احقاق حق مشارالیه و رفع این اختلاف به عمل آید مشیرالدوله به تاریخ ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۳ هـ.ق» (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۴۶۶/۱).

این سند بیانگر این است که شیخ محمد باقر در سطح کلان کشوری هم از حیث نفوذ سیاسی و اجتماعی مورد تأیید بوده و عملکرد سیاسی مهمی داشته است؛ تا جایی که مهر و تأییدیه او می‌توانست حاکم محلی را زیر سؤال ببرد و یا او را به چالش بکشد، و یا اوضاع آشفته را سر و سامان بدهد. نکته حائز اهمیت این است که وی در سیاست، تابع دولت مرکزی و یا امیر وقت نبوده است. گرچه القاب احترام آمیز در مکاتبات خود بکار برده است، اما هنگامی که مشیرالدوله به او دستور توقف تقسیم ارثیه می‌دهد براساس استقلال رأیی که دارد می‌نویسد: این هبه نامه مطابق با شرع مقدس اسلام صورت گرفته و نمی‌توانم از انجام آن جلوگیری نمایم. چنان که در قسمتی از سند آمده:

"احقر خودم در وقوع آن بوده و تصرف و مداخله را خلاف قواعد شرع مطاع می‌دانم، خادم الشریعه محمدباقر" (آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۴۶۶/۲). در پی این اقدام محمد باقر، حکومت محمد ابراهیم تأیید شد و او هم به مفاد وقف‌نامه عمل کرد و یک سوم اموال را صرف آموزش نوین در بیرجند نمود و مدرسه شوکتیه را تأسیس نمود که در اوضاع فرهنگی ایران بویژه منطقه از طریق تربیت فردی چون پورفسور گنجی و دکتر اسماعیل رضوانی مؤثر افتاد.

– موضع شیخ محمدباقر در مورد مشروطه

هنگامی که با تأیید هبه نامه توسط آیت الله محمدباقر گزازی و اقدامات محمد ابراهیم، حکومتش به ثبات رسید، وی به رقابت با برادر ادامه داد. علی اکبرخان حسام الدوله دوم به دلیل کبر سن و خستگی ناشی از فعالیت های سیاسی و نظامی، حکومت سیستان و طبس را به پسرش امیر معصوم خان (حسام الدوله سوم) واگذار کرد (آیتی، ۱۳۷۶:

شوکت الملک از کار به حکومت سیستان رسید و برادر دیگر او امیر معصوم خان به حکومت قاین رسید (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۲۴).

۲۱۱). مقارن اختلاف این دو امیر افکار مشروطه و حکومت قانون که از مدت ها قبل در جامعه ایرانی رسوخ کرده و نفوذ آن به ایالت ها هم رسیده بود بر استبداد پیروز شد و حکومت مشروطه در ایران به فرمان مظفرالدین شاه در سال ۱۲۸۵ هـ.ش / ۱۳۲۴ هـ.ق استقرار یافت (ملک زاده، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۷۹). زمانی که امیر محمد ابراهیم توسط عین الدوله همراه با برادر به تهران فراخوانده شده بود با مشروطه خواهان مانند حاجی علی قلی خان سردار اسعد و محمد ولی خان تنکابنی سپهسالار^۱ ملاقات هایی داشت و افکار انقلابی و تمایلات مشروطه خواهی در او شکل گرفته بود و حمایت از آن را وجهه همت خود ساخته بود (منصف، ۱۳۵۴: ۴۴). یکی دیگر از عواملی که سبب شده بود محمد ابراهیم به مشروطه گرایش پیدا کند، وجود روحانی بزرگی چون محمد هادی هادوی بود که مقتدای او بود. که در مورد مشروطه لوايح می نوشت. در این مورد شیخ محمدباقر با امیر محمد ابراهیم و شیخ هادوی اختلاف عقیده داشت. شیخ محمدباقر با مشروطه مخالف بود و آنرا مخالف با اسلام می دانست، وی با استبصار از نظرات آیه الله سید اسماعیل صدر و شیخ فضل الله نوری که مشروطه را در جهت اهداف سیاسی غرب احساس می کردند و آن را مشروعه و بر وفق مصالح جامعه نمی شمردند، افقی نزدیک داشت. امیر علی اکبر خان حسام الدوله دوم هم پیرو شیخ محمد باقر بود، اما امیر محمد ابراهیم از نظرات محمد هادی هادوی و به تبع آن سید عبدالله بهبهانی و آیت الله سید محمد طباطبایی پیروی می کرد. لذا مشروطه را وجه همت خود قرار داده بود (آیتی، ۱۳۷۶: ۲۱۲). نتیجه این اختلاف رأی در منطقه این شد که شیخ محمد باقر با شوکت الملک دوم اختلاف پیدا کرد. به این ترتیب وی از حیث مرام و مشی سیاسی به رقیب محمد ابراهیم نزدیک بود و از او حمایت کرد. قطعاً چون شیخ محمد باقر نفوذ اجتماعی قابل ملاحظه ای داشت، برای محمد ابراهیم خان نگران کننده بود. به نظر می رسد آیت الله محمدباقر گزاری سعی می کرد در مسایل سیاسی و اجتماعی مختلف، استقلال رأی خود را حفظ کند. حمایت او از محمد ابراهیم در قضیه هبه نامه که تأیید حکومت شوکت الملک دوم را در پی داشت و همچنین در دست داشتن موقوفات مهم منطقه

۱. هر دو از فاتحان تهران هستند که در دوره استبداد ضعیف برای فتح تهران اقدام کردند. سردار اسعد در رأس نیروهای اصفهان و محمدولی خان از تبریز به تهران آمدند و همراه بافرم خان ارمنی به فتح تهران اقدام نمودند.

از طرف پدر و برادر امیر و ادامه روند آن توسط محمد ابراهیم چنین القاء می کند که محمد باقر باید از شوکت الملک دوم در برابر حسام الدوله دوم حمایت کند و مشروطه خواه باشد، اما درست برعکس، در قضیه مشروطه از در مخالفت با امیر در می آید و مشروطه را مخالف شرع مقدس می داند (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۲۳).

هنگامی که محمدعلی شاه مجلس شورای ملی را به توپ بست و موقتاً مشروطه تعطیل شد (کسروی، ۱۳۶۹: ۶۴۶) و بسیاری از امرای ولایات عوض شدند، امیر قاینات هم از قدرت خلع شد و به جای او امیر حسام الدوله دوم که از طرفداران محمدعلی شاه بود به قدرت رسید (منصف، ۱۳۵۴: ۴۱). بنابراین در دوره استبداد صغیر، حسام الدوله دوم در بیرجند قدرت را در دست داشت. شیخ محمد باقر که پیرو شیخ فضل الله و از نظر تفکر سیاسی به حسام الدوله دوم نزدیک بود، بیشتر مورد توجه قرار گرفت و امور شرعی و موقوفات کماکان در دست ایشان بود. امیر حسام الدوله دوم هم به توصیه های شیخ محمد باقر عمل می نمود؛ چنانکه در مورد درخواست مردم خوسف از شیخ محمد باقر مبنی بر رسیدگی به شکایت آنها از سید حامد که اسناد خوسفی ها را به مردم تحویل نمی داد، نامه ای به حسام الدوله دوم نوشته، از او می خواهد به شکایت مردم خوسف رسیدگی کند که حسام الدوله دوم هم دستور رسیدگی را صادر می کند (خسروی، ۱۳۹۱: ۶۳).

در این میان محمد ابراهیم شوکت الملک که از قدرت خلع شده بود به توصیه محمد هادی هادوی که نقش مشاور او را داشت، عازم عتبات شد و هنگام برگشت در تهران با مجامع مشروطه و فاتحان تهران طرح دوستی مستحکم تری ریخت و هنگامی که فاتحان تهران محمدعلی شاه را از قدرت خلع کردند با دریافت حکم امارت قاینات به بیرجند آمد (منصف، ۱۳۵۴: ۴۴-۴۷). در ۲۹ شهریور ۱۲۸۸ هـ.ش شوکت الملک دوم مجدداً امور حکومت قاینات را به دست گرفت (رفیعی، ۱۳۹۴: ۱۶۵). قبل از اینکه شوکت الملک دوم مجدداً حکومت را در قاینات رسماً به چنگ آورد، در این منطقه درگیری های مختصری پدید آمده بود، چنان که در گزارش های کنسولگری انگلیس به تاریخ ۳۰ مرداد ۱۲۸۸ آمده است:

«انجمن بیرجند فعلاً دو گروه شده اند یک گروه تحت زعامت مجتهد شیخ محمد هادی

از شوکت الملک طرفداری می‌کنند و گروه دیگر با نفوذ کمتر به رهبری شیخ محمد باقر طرفدار حاکم اند، مجتهد اخیر که قبلاً طرفدار شوکت الملک بوده اکنون طرفدار حسام الدوله دوم شده است» (همان: ۱۳۹). بعد از انتصاب محمد ابراهیم اوضاع شهر بیرجند آشفته گردید و منازعه طرفداران دو امیر بالا گرفت و با سنگ و چوب و چماق به جان هم افتادند. لذا در این زمان دو مجتهد بزرگ بیرجند یعنی شیخ محمدباقر و شیخ محمد هادی جلسه‌ای ترتیب دادند و از دو امیر و افرادی از بزرگان شهر دعوت به عمل آوردند و دو امیر را آشتی دادند و صلح نامه‌ای بین آنها مبادله گردید و به مردم شهر به وسیله جارچیان اعلام شد که امرا با یکدیگر آشتی کرده اند و دیگر موجبی برای جدال وجود ندارد. لذا آرامش در شهر حاکم شد (آیتی، ۱۳۷۶: ۲۱۹-۲۲۰). واقعه فوق نشانگر تأثیر نفوذ معنوی او در مسایل سیاسی و اجتماعی آن روزگار است. پس از اینکه شوکت الملک رقیب را از صحنه خارج کرد: «برای استحکام بیشتر قدرت خود و قدردانی از زحمات شیخ محمد هادی اوقافی را که تولیت آن با اعلم علمای بیرجند بود و در زمان امارت پدرش، به حاج شیخ محمد باقر سپرده شده بود به حاج شیخ محمد هادی منتقل کرد» (همانجا). در این زمینه شیخ محمد باقر که بیشتر اهل درس و بحث و تألیف بود، حساسیتی به خرج نمی‌دهد و به پسرش محمد حسین که قصد مقابله داشت توصیه می‌کند که دخالت نکند و هرچه زودتر بیرجند را ترک کند و برای ادامه تحصیل به نجف برود (همانجا). گرچه به این ترتیب محمد باقر از دخالت مستقیم در امور سیاسی و حکومتی برکنار شد، ولی نفوذ اجتماعی او همچنان ادامه داشت.

نتیجه

شیخ محمد باقر به دلیل نفوذ سیاسی و اجتماعی ای که در جامعه داشت در مسایل حکومتی عمده‌تاً مورد مشورت حاکمان محلی قرار می‌گرفت و نظرات و موضع‌گیری‌های سیاسی او برای حکومت محلی و دولت مرکزی حائز اهمیت بود. در اوایل مراجعت محمد باقر از نجف به بیرجند که حشمت الملک دوم مورد هجمه افکار تند مولوی ابراهیم حنفی قرار گرفته بود و توان مقاومت او در برابر خواسته‌های مولوی مذکور رو به کاهش بود، محمد باقر نه تنها با پیروزی خود در مناظره با مولوی ابراهیم باعث شد

که حشمت الملک دوم از تقاضای مولوی مبنی بر تغییر مذهب رهایی یابد، بلکه این امر سبب شد که مولوی به اهل سنت منطقه توصیه کند که در مسایل و مشکلات شرعی خود به محمد باقر رجوع کنند و این امر باعث تقریب دو مذهب شیعه و سنی گردید. از این روست که در بیشتر مکاتبات هرات هم از او با عنوان "مفتی الفریقین" یاد شده است.

شیخ محمدباقر همچنین در قضیه اختلاف بین حشمت الملک دوم و شوکت الملک دوم با تأیید هبه نامه محمد اسماعیل سبب تثبیت حکومت شوکت الملک دوم (محمد ابراهیم) می شود.

نکته مهم در موضع گیری های سیاسی محمد باقر این است که به دلیل نفوذ سیاسی او حکومت مرکزی هم برای حل معضل اختلافات سیاسی در منطقه بویژه قضیه هبه نامه از محمد باقر استمداد می طلبد و مهمتر اینکه محمد باقر سیاست مستقلی در این جریان اتخاذ می کند و علی رغم درخواست دولت مرکزی که از او می خواهد اجرای هبه نامه را متوقف نماید، در پاسخ نامه وزیر داخله می نویسد: هبه نامه مطابق شرع مقدس تنظیم شده و لازم الاجرا است.

در جریان مشروطه نیز با وجود اینکه حاکم منطقه از آن حمایت می کند، اما شیخ محمد باقر به دلیل اینکه مشروطه را مخالف شرع مقدس می داند با آن مخالفت کرده، از حسام الدوله دوم حمایت می کند که این مساله بیانگر سیاست مستقل اوست. چنانکه پس از یکسال که استبداد صغیر از بین می رود و محمد ابراهیم دوباره به حکومت می رسد، به دلیل همین موضع گیری، او را از تولیت اوقاف عزل می کند؛ ولی وی به آن اعتنا نمی کند و بعد از آن به فعالیت هایی در جهت رشد و تعالی علم و فرهنگ، مانند تأسیس مدرسه شوکتیه یا احقاق حقوق مردم مظلوم و محروم می پردازد.

منابع

- آیتی، ابوالحسن (۱۳۷۶). *خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی*. تهران: موفق.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قائنات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اعتصام الملک، خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام الملک*، ج ۱. قم: ناصر.
- امین، محسن (۱۴۲۰ ق.). *اعیان الشیعه*. بیروت: دارالتعاریف للمطبوعات.
- انصاری قمی، ناصرالدین (بی تا). "آیت الله شیخ محمدباقر بیرجندی". مسجد، ش ۴۴: ۵۷-۵۵.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *بیرجند، نگین کویر*. تهران: دانشگاه تهران.
- خسروی، فاطمه (۱۳۹۱). "آیت الله شیخ محمدباقر آیتی گزاری و تحولات اجتماعی فرهنگی بیرجند از سال ۱۲۲۶ تا ۱۳۱۳ هجری شمسی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- رازی، محمد شریف (۱۳۵۲). *گنجینه دانشمندان*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- راشدمحصل، محمدتقی (۱۳۴۲). "بحثی درباره آثار شش تن از علمای قهستان". پایان نامه کارشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رفیعی، محمود (۱۳۹۴). *گزارش های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات از ۱۹۰۹-۱۹۱۱ م*. تهران: هیرمند.
- سعیدزاده، محسن (۱۳۶۹). *بزرگان قاین*. قم: ناصر.
- آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۴۶۶/۱.
- آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۶۲۹/۱.
- آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۴۶۶/۲.
- آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد، سند شماره ۲۹۳۲۰۸.
- شاهدی، مظفر (۱۳۷۷). *زندگی سیاسی خاندان علم*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ

معاصر.

- عباسلو، سمیرا (۱۳۹۲). "جایگاه اجوبه‌های علمای قاینات در تدوین تاریخ اجتماعی منطقه در دوره دوم قاجاریه تا پایان این سلسله". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
 - علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۲). *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند*. بیرجند: رزقی.
 - علیزاده بیرجندی، زهرا، و دیگران (۱۳۹۲). "جایگاه اجوبه‌های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی". *فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، سال هفتم، ش ۴ (تابستان): ۵۹-۲۹.
 - کسروی، سیداحمد (۱۳۶۹). *تاریخ انقلاب مشروطه*. تهران: امیرکبیر.
 - مرعشی، محمود (۱۴۱۶ق). *المسلسلات فی الاجازات*. قم: مطبعه آیت الله مرعشی.
 - معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۱). *رجال عصر ناصری*. تهران: نشر تاریخ ایران.
 - ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳). *تاریخ انقلاب مشروطه ایران*. تهران: علمی.
 - منصف، محمدعلی (۱۳۵۴). *امیر شوکت الملک علم، امیر قاین*. تهران: امیرکبیر.
 - هردنگی، محمدحسن (۱۳۹۶). *تأملات کلامیه*. تصحیح و شرح و تحشیه علی محمد ولوی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصاحبه‌ها:**
- ربانی، محمدابراهیم. مصاحبه مورخ ۱۳۹۷/۴/۴.

Comparative Study of the Effect of Social Isolation on the Health of Citizens

Pejman Ibrahimi Sirizi ¹

Seyyed Alireza Afshani ²

Gholamreza Hasani Darmian ³

Mehdi Kermani ⁴

Abstract

In order to create and expand health in the community, is essential to reduce the sense of social isolation. The purpose of this study was to investigate the effect of social isolation and health of citizens in Mashhad city. The methodology of this survey was descriptive and correlational And The data was collected using a standard health questionnaire (SF_36) and a researcher-made social isolation questionnaire. The theoretical framework of this research is a combination of Durkheim's theory, network analysis, and loneliness approach. Research method in this study, survey method and questionnaire tool has been used for data collection. The sample size using the Cochran formula. is 384 people Designated. The questionnaire was in Mashhad city and conducted by multistage cluster sampling executed. Using the descriptive and inferential statistics based on SPSS software, the findings of the research have been analyzed. Indicative descriptive results that the general health status of citizens was higher than a above average (77.17 out of 100) and social isolation of the citizens was moderate (52.03 out of 100). in the analytical section, Inferential results indicate that there is negative

1. MA, Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad; Email: pezhman.ebrahimi@yahoo.com

2. Associate Prof., Sociology, Yazd University; Email: afshanalireza@yazduni.ac.ir

3. Assistant Prof., Demographics, Ferdowsi University of Mashhad; Email: gh-hassani@um.ac.ir

4. Assistant Prof., Social sciences, Ferdowsi University of Mashhad; Email: m_kermani@ferdowsi.um.ac.ir

and significant (-0/619) relationship between social isolation and Its dimensions with health. The correlation between these two variables is average level. There is also significant difference between level of health based on gender and status of citizens' employment. The results of multiple regression analysis showed that independent variables in total for 36 percent of variance of dependent variables Explaining. the results of path analysis indicated that the Social loneliness variable had the most direct effect (-0/352), while the inability variable had the most indirect effect (-0/191), in explaining the health variable.

Key words: health, social isolation, Social loneliness, inability, citizens Mashhad.

Introducing the Two Remaining Craphidion from the twelfth century (Kabir Craphidion and Salehi Craphidion)

Neda PoorMahmood ¹

Mostafa Gohari Fakhrabad ²

Abstract:

Craphidion or Akrabadhin was a bunch of books that contained information on the types of compound drugs, how to prepare them, how to use them and in addition, how they are used. Muslim doctors and pharmacists during the translation movement of the pharmacology of other lands, especially Greek, were translated in to Arabic, and over the next centuries, the books of Craphidion were written in Arabic, Persian and Turkish. In the twelfth century AH/the eighteenth century (of the Christian era) the medical knowledge of the past scientists was still dynamic, especially in Indian, and valuable medical and pharmaceutical compilations of the ancient style were written which one of the most important of these works was the two books "Craphidion kabyir" by mohammed hoseyen aghyilyi alavyi khorasany and "Craphidion salehyi", by saleh ibn mohammed salehyi ghayenyi heravyi. This article aims to be descriptive analytic by focusing on using library resources, to introduce and review the books of craphidion kabyir and craphidion salehyi which including the authors introduction, resources used, sections, manuscripts and prints, and aspects of subscription and differentiation them. Book of "craphidion kabyir" which is the magnum opus and most comprehensive of craphidion is written to date and book of "craphidion saleheyi" written in Persian, is one of these craphidions, which generally speaking, explain about how to prepare the compounel

1. MA, Islamic Nations Civilization and History, Ferdowsi University of Mashhad; Email: Neda.purmahmud@gmail.com

2. Assistant Professor, Theology, Ferdowsi University

drugs in traditional medicine. It provides comprehensive information on medicine and pharmacy in Iran and other territories, also try to test and validate their content, expressed new methods in making medicine and treatment of diseases, and the basics of western medicine entry to Iran, and new vocabulary in naming some medicines, etc.

Key Words: Craphidion, kabyir Craphidion, salehyi Craphidion

Research on the Needlework of Sarbisheh city (Mokhtaran, Chenesht and Dehshib villages)

Mahdieh Shavakandi ¹

Hossein Kohestani ²

Abstract

Traditional art is a manifestation of the beauties emanating from the tastes, beliefs and beliefs of different peoples of the region, and a solid evidence of their attention to the world of millennia around them. The art of needlework is also one of these. In the meantime, the people of Sarbishah have combined their love and patience, their imaginative and visionary designs in the art of needlework, to decorate their home, an art that has long been embraced by women artists in the region. And has unique motifs that are visually and visually consistent. The purpose of this study was to identify, analyze and evaluate the needlework motifs of Sarbisheh city screens. The statistical population of the study is in the area of three villages of Mokhtaran, Chanest and Dahshib which have more motifs than other villages. The method of this research is descriptive-analytical and the method of collecting field and library information. The objectives of the research are: To study and introduce the motifs of the screens of Sarbisheh city, to classify the diversity of the motifs of the screens-views and to compare the motifs and the influences of the culture and customs of the region on these screens. Examination of these cases revealed that the motifs of the screens in the three villages studied were classified into four groups (plant, animal, birds, and poems). These roles are intertwined with the beliefs and cultures of the people of this region, and their understanding of them illuminates a large part of the rich narratives of the region's visual culture.

Key words: Needlework, Motifs, Sarbisheh

1. MA Student, Archeology, Birjand University; Email: mahdiye.shavakandi@gmail.com

2. Assistant Prof, Archeology, Birjand University; Email: Hkoohestani@birjand.ac.ir

Developing a Conceptual Model Using Fundamental Theory in Empowering Rural Women: (Case Study on Eshgabad county of Neishaboor City)

Asadolah Arabkhani ¹

Seyyed Mohammad Seyyed Mirzaei ²

Alireza Kaldy ³

Abstract

This article reviews the factors affecting the empowerment of rural women and the roles of these women in relation to local development in rural district of Eshgabad of county of Neishaboor eparchy. In this article, Has been used Grounded theory method and Participatory Rural Appraisal, Rapid Rural Assessment ,Semi-structured interviews, observation and walking in the field and group discussion techniques, and has used snowball techniques for Selection of statistical samples up to theoretical saturation stage (In the twenty fifth person) in the data, and after analyzing the collected data in the field Through coding (open, axial, and selective), by choosing a central category of “Empowering rural women” a theory has been extracted based on collected data from the field. Then, according to data analysis based on the principles of the dominant theory of theory, the theory of “Empowering rural women as a factor for local development” was obtained from the data.

Key words: Empowerment of rural women, Local development, Rural development, Participation, Social welfare

1. Ph.D. Student, economical Sociology and Development, Azad university, Tehran; Email: arab-khania116@yahoo.com

2. Professor of Sociology, Azad University, Tehran; Email: seyedmirzaie@yahoo.com

3. Professor of sociology, Azad University, Tehran; Email: kaldy@Srbiau.ac.ir

The Impact of Spiritual intelligence on Gregarious Effectiveness of (case study: Pilgrimage supervisors of Mashhad City)

Amir Ghaforian shagerdi ¹

Seyyed Morteza Ghayor Baghbani ²

Ali Porang ³

Ramezan Gholami ⁴

Abstract

Spiritual intelligence is defined as what is in life and proportionate to the beliefs, norms, beliefs, and values that we embody in our daily activities that are effective in social life. Effectiveness is one of the most important issues in personal and social life and one of the factors affecting it is spiritual intelligence. The purpose of this study was to study the effect of supervisors' spiritual intelligence on the effectiveness of the group of boards Religious is a pilgrimage. the methodology of this research was descriptive and correlational. The research tool was a standardized questionnaire which was used for the effective variable of the standardized questionnaire by Farid Ian and Yarabraq (1985) and for the spiritual intelligence variable from the King Questionnaire (2008). The Cronbach alpha for effectiveness and spiritual intelligence questionnaire was equal to (0.83). The population studied was supervisors the religious delegation, which is based on the Morgan table, has a sample size of 360 people, based on simple random sampling method of data collection. The results show that the mean of spiritual intelligence of supervisors (3.15)

1. Assistant Prof., Accounting and Management, International University of Imam Reza; Email: ghaforian@imamreza.ac.ir

2. Assistant Prof., Accounting and Management, International University of Imam Reza; Email: ghayoor@imamreza.ac.ir

3. MA, Governmental Strategic Management, , International University of Imam Reza; Email: ali.pourang@gmail.com

4. MA, Holy Places Management, International University of Imam Reza; Email: r.gholami@imamreza.ac.ir

and the mean of group effectiveness was (3.23). Among the components of spiritual intelligence, respectively, existential critical thinking (0.456), personal meaning creation (0.526), and development of consciousness position (0.502) had a significant effect on group effectiveness, while transcendental awareness had not a significant effect on effectiveness. The regression results show that among the components of spiritual intelligence, meaning making component (0.324) has the most effect on group effectiveness. Finally, spiritual intelligence (36%) can be effective in explaining group effectiveness of religious leaders.

Keywords: group effectiveness, spirituals intelligence of the Supervisors, religious pilgrimage groups

Investigating the Political Position of Sheikh Mohammad Baqer Ayati Birjandi in Qaenat

Mohammad Valipoor ¹

Hamidreza Verdi ²

Abstract

Due to the importance of the relation between religion and politics in the history of Iran and the effective role of scholars in political issues especially social and political movements, in this study we try to analyze Sheikh Mohammad Baqer Ayati's political role in Qaenat region. We have implemented the descriptive-analytical method based on the available documents. The results show that Sheikh Mohammad Baqer had a major role in different political issues. He would disagree with other dissident scholars on the Constitutional Revolution of Iran and this view led to a conflict between him and his contemporary religious scholars. He had expressed his views on some issues such as Mohammad Esmail Shokat al-Molk's endowment agreement that brought about security in the area and decreased competitions in Alam dynasty in the region.

Key words: Birjand, Politics, Sheikh Mohammad Baqer Ayati, Qaenat,

1. Assistant Prof, History, Farhangian University; Email: m.valipoor@cfu.ac.ir

2. Assistant Prof., Theology, Farhangian University; email: verdi@cfu.ac.ir

Table of Content

Comparative Study of the Effect of Social Isolation on the Health of Citizens Pejman

Ibrahimi Sirizi, Seyyed Alireza Afshani, Gholamreza Hasani Darmian, Mehdi Kermani 7

Introducing the Two Remaining Craphidion from the twelfth century (Kabir Craphidion and Salehi Craphidion)

Neda PoorMahmood, Mostafa Gohari Fakhrabad 45

Research on the Needlework of Sarbisheh city (Mokhtaran, Chenesht and Dehshib villages)

Mahdieh Shavakandi, Hossein Kohestani 63

Developing a Conceptual Model Using Fundamental Theory in Empowering Rural Women: (Case Study: on Eshgabad county of Neishaboar City)

Asadolah Arabkhani, Seyyed Mohammad Seyyed Mirzaei, Alireza Kaldy 89

The Impact of Spiritual intelligence on Gregarious Eeffectiveness of (case study: Pilgrimage supervisors of Mashhad City)

Amir Ghaforian shagerdi, Seyyed Morteza Ghayor Baghbani, Ali Porang, Ramezan Gholami 117

Investigating the Political Position of Sheikh Mohammad Baqer Ayati Birjandi in Qaenat

Mohammad Valipoor, Hamidreza Verdi 153

Referees of This Period. (Alphabetical Order)

- Dr. Aghdas Asghari, Assistant Prof, Azad University of Gonabad
- Dr. Samira Poor, Assistant Prof, of Birjand University
- Dr. Mohammadreza Khalil Nejad, Assistant Prof, of Birjand University
- Dr. Mohammad Hassan Sharbatian, Assistant Prof, of Birjand University
- Dr. Ali Askari, Assistant Professor, Birjand University
- Dr. Tahereh Azimzadeh Teharani, Assistant Prof, Azad University, Mashhad
- Dr. Zahra Alizadeh Birjandi, Associate Prof, of Birjand University
- Dr. Saman Farzin, Assistant Prof, of Birjand University
- Dr. Hamidreza Ghorbani, Assistant Prof, of Birjand University
- Dr. Javad Mekaniki, Associate Prof, of Birjand University
- Dr. Hamded Norouzi, Assistant Prof, of Birjand university
- Akram Naseri, Lecturer, of Birjand University

In The Name Of God

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 51

ISBN 1735-8256

Vol. 13. No. 3. spring 1398

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Rezaei, Hamed

Executive manager: Zerang, Mahin

Editorial Board:

1. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
2. Habib Allah Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
4. Dr. Mohammad Behnamfar, Professor of Persian language and literature, Birjand University
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editor: Dr. Abbas Vaezzadeh

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Translator and English Editor: Toosheh, Elahe

Technical affairs: fekreBekr publications

Lithography & Press: Ofogh Hezareh sevom kavir institution

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,
Research Society Office **Tel:** 056-32323393 **Fax:** 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

info@farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می بایست مبلغ ۱۰۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه و یا به آدرس info@farhangekhorasan.ir ارسال فرمایند. (مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت).